

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



تاریخ هنر ایران

پایه دهم و دوازدهم
دوره دوم متوسطه

رشته‌های گرافیک - نقاشی - نمایش - سینما

گروه تحصیلی هنر

زمینه هنر

شاخه فنی و حرفه‌ای

تسلیمی، نصرالله	۷۰۹
تاریخ هنر ایران/ مؤلفان: نصرالله تسلیمی، مجید نیکویی، ماندانا منوچهری. - تهران: شرکت چاپ و نشر	/۵۵
کتاب‌های درسی ایران.	ت۵۷۲/
۱۳۸ ص. : مصور. - (شاخه فنی و حرفه‌ای)	
متون درسی رشته‌های گرافیک، نقاشی، نمایش و سینما، گروه تحصیلی هنر، زمینه هنر.	
برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته‌های هنر دفتر	
تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.	
۱. هنر - ایران - تاریخ. ۲. هنر ایرانی - تاریخ. ۳. هنر اسلامی - ایران - تاریخ. الف. نیکویی، مجید.	
ب. منوچهری، ماندانا. ج. ایران. وزارت آموزش و پرورش. کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته‌های	
هنر. د. عنوان. ه. فروست.	





هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله‌بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند
که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکاء به غیر، تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان
رسیده‌اند.

امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»

فهرست مطالب

مقدمه آغاز سخن

۱	فصل اول : دوره پیش تاریخی
۲	درس اول : سپیده دم هنر و تمدن فلات ایران
۹	درس دوم : هنر و تمدن ایلام
۱۷	درس سوم : دوره کوچ
۲۶	فصل دوم : دوره تاریخی
۲۷	درس چهارم : هنر و تمدن ماد
۳۵	درس پنجم : هنر و تمدن هخامنشی
۴۹	درس ششم : هنر و تمدن اشکانی
۵۷	درس هفتم : هنر و تمدن ساسانی
۶۹	فصل سوم : دوره میانه
۷۰	درس هشتم : هنر و تمدن ایران در سده‌های اول تا سوم هجری
۷۸	درس نهم : هنر و تمدن ایران در سده‌های چهارم تا ششم هجری
۸۶	درس دهم : هنر و تمدن ایران در سده هفتم و هشتم هجری
۹۶	درس یازدهم : هنر و تمدن ایران در اواخر سده هشتم و نهم هجری
۱۰۲	درس دوازدهم : هنر و تمدن ایران در سده دهم و یازدهم هجری
۱۱۲	فصل چهارم : دوران جدید
۱۱۳	درس سیزدهم : هنر و تمدن ایران در سده دوازدهم و سیزدهم هجری
۱۲۲	درس چهاردهم : هنر دوره معاصر ایران
۱۳۴	مطالعه آزاد : دوره‌ها و سلسله‌ها
۱۳۶	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

کتاب تاریخ هنر ایران تلاش دارد همگام با نمایش جلوه‌ها، اندیشه‌ها و زیبایی‌های هنر ایران، چشم‌اندازی را پدید آورد تا ارزش‌های معنوی و مادی این سرزمین کهنسال و بالنده را بیشتر و عمیق‌تر بشناسید. برای به‌دست آوردن این شناخت کتاب در چهار فصل با نام‌های دوره پیش تاریخی، دوره تاریخی (باستان)، دوره اسلامی و دوره معاصر و در چهارده درس همراه با نقشه‌ها و تصاویر مختلف، تنظیم شده است. این کتاب دو واحد نظری است و دو ساعت در هفته زمان تدریس آن در یک سال تحصیلی است.

فصل اول کتاب دارای سه درس است که نخست به سپیده دم هنر و تمدن فلات ایران می‌پردازد و در درس دوم هنر و تمدن ایلام شرح داده می‌شود. درس سوم این فصل دوره کوچ نام دارد که به شرح فرهنگ و تمدن اقوامی که بر مناطق مختلف ایران کوچ کردند می‌پردازد.

فصل دوم که دوره تاریخی نام دارد، چهار درس است که در آنها به ترتیب هنر و تمدن ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی بررسی می‌شود.

دوره اسلامی یعنی فصل سوم کتاب دارای شش درس است که به ترتیب هنر و تمدن ایران از آغاز تا سده سوم هجری، از سده چهارم تا ششم، سده‌های هفتم و هشتم، سده‌های هشتم و نهم، سده‌های دهم و یازدهم و سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری مطالعه و بررسی می‌شود.

فصل آخر کتاب به هنر در دوره معاصر در یک درس و به شکلی خلاصه پرداخته شده است. خواندن این کتاب و دیدن تصاویر آثار زیبای هنری گوناگون در دوره‌های مختلف ایران، خیال شما را با اقوام دوره‌های مختلف همسفر می‌سازد. همچنین مشاهده رشد انواع هنرها و نقاط اوج آنها خلاقیت شما را بالاتر می‌برد.

سخنی با هنرآموزان

هنرآموز گرامی از آنجایی که کتاب تاریخ هنر ایران، درسی نظری است بهتر است برای ایجاد تنوع بیشتر از روش پرسش و پاسخ و بحث و گفتگو استفاده نمایید. این روش گذشته از آن که هنرجویان را فعال تر می‌سازد برای ارزشیابی مستمر نیز مفید است. چنانچه ابتدای درس با نمایش تصویری از آن دوره بر روی پرده سفید، تدریس را آغاز کنید، کنجکاوی هنرجویان را بیشتر و جذابیت موضوع درس را برای آنها دو چندان نموده‌اید. این کتاب برای رشته‌های مختلف هنری استفاده می‌شود. با توجه به رشته هنرجویان شما می‌توانید هنگام آموزش هر درس تأکید بیشتری بر نمونه‌های مرتبط با رشته آنان نمایید و یا تصاویر بیشتری در آن زمینه نمایش دهید. حجم محتوای هر درس به گونه‌ای است که شما می‌توانید آن را در دو جلسه آموزش دهید. در پایان هر جلسه برای استحکام یادگیری می‌توانید خلاصه آنچه را که درس داده‌اید از هنرجویان بخواهید تا به زبان خود بیان کنند. همچنین موضوع‌های مختلفی را در رابطه با یکی از مناطق باستانی یا تاریخی در کلاس ارائه نموده و از هنرجویان بخواهید که آزادانه در مورد یکی از آنها به تحقیق بپردازند و نتایج تحقیق خود را در سر کلاس برای دیگر هنرجویان بازگو کنند. بازدید از آثار باستانی و مناطق تاریخی به همراه ارائه گزارش از آنها نیز برای هنرجویان تجربه به یادماندنی خواهد بود که شما می‌توانید برای هر یک از این گونه فعالیت‌ها امتیازی را اختصاص دهید. در پایان هر درس چند پرسش ارائه شده است که ممکن است همه محتوای درس را پوشش ندهد و تنها به عنوان نمونه است که شما می‌توانید پرسش‌های دیگری طراحی کنید. ایجاد نگرش عمیق هویتی هنگام آموزش تاریخ هنر ایران تنها با هنر و توان آموزشی شما، هنرآموز گرامی امکان‌پذیر است.

سخنی با هنرجویان

هنرجوی عزیز، آماده سفری شگفت، مرموز و جالب از میان سده‌ها و در اندیشه‌های خلاقانه هنری شوید. چرا که تاریخ هنر بر مبنای اندیشه‌هایی است که از برخورد و تأثیرات فرهنگی پدید می‌آید. و روشن‌کننده معرفت، علم، تاریخ و عادات اجتماعی در زمان و مکانی خاص است همچنین تاریخ هنر کشف‌کننده پیام‌هایی است که در آثار هنری دوره‌های مختلف نهفته است.

هنرجوی گرامی مطالعه دقیق تاریخ هنر ایران شما را با تمدن‌های گذشته و سیر و تحول آثار هنری آنها آشنا می‌کند. چنانچه در کلاس درس با دقت به تصاویر نمایش داده شده توجه کنید سؤال‌های گوناگونی در ذهن شما پدید خواهد آمد که با بیان کردن آنها گذشته از فعال تر شدن در کلاس، یادگیری شما را نیز عمیق تر می‌کند. هنگام بازدید از مناطق مختلف، عکاسی و گزارش نویسی کاری خاطره‌انگیز خواهد بود که در ارزشیابی شما نیز تأثیر خوبی دارد. شما می‌توانید با راهنمایی هنرآموز خود یک گروه مطالعاتی تشکیل داده و یک موضوع از تاریخ هنر را انتخاب کرده و در مورد آن پژوهش انجام دهید. نمایش دادن حاصل کار پژوهش گروهی لذت فراوانی را به همراه دارد زیرا شما به راحتی به سؤال‌های دیگر هنرجویان در رابطه با موضوع پژوهش پاسخ خواهید داد.

هدف کلی

آشنایی با تاریخ هنر ایران از دوران باستان تا قرن معاصر

آغاز سخن

شاید بتوان گفت ایران یا سرزمین پارس، تنها سرزمین متنوع و فوق‌العاده‌ای از نظر جغرافیایی، سیاسی، قومیت‌ها و نژادشناسی در سطح جهان باشد. این سرزمین را بخش‌های متفاوتی از جمله ناحیه مرکزی فلات دربرگرفته که در میان دریای خزر در شمال و خلیج فارس و دریای آزاد در جنوب است. همچنین بخش‌های مرکزی و شرقی فلات را نمک‌زار بزرگی فرا گرفته است که شامل دشت لوت و دشت کویر می‌شود. این ناحیه در گذشته دریاچه بزرگی بوده که امروزه خشک شده است. ناحیه غربی فلات ایران را مناطق کوهستانی، دشت‌های جلگه‌ای و رودخانه‌ای تشکیل می‌دهد که از رشته کوه زاگرس سرچشمه گرفته است. در شمال، سلسله جبال البرز با قله رفیع دماوند از دیگر بخش‌ها جدا شده است. در شمال شرقی رشته کوه‌های خراسان در امتداد سلسله جبال البرز وجود دارد و مانعی طبیعی را میان فلات ایران و آسیای مرکزی ایجاد کرده است.

در فلات ایران گونه‌های طبیعی بسیاری با تغییرات آب و هوایی و اقلیمی وجود دارد. وجود مناطق جلگه‌ای، مناطق جنگلی پراکنده و متراکم، مناطق کویری و بیابانی و مراکز نیمه‌خشک و ... شرایط آب و هوایی چهار فصل را شاخص کرده است. همچنین وجود انواع قوم‌ها و نژادهای پراکنده باعث ایجاد زمینه‌های فرهنگی و هنری و گونه‌های زبانی و لهجه‌ای را سبب شده است. این تنوع جغرافیایی، قومی، فرهنگی و ... عامل اصلی گوناگونی و پدید آمدن مراکز متفاوت در جغرافیای فلات ایران است که هر منطقه براساس نوع زندگی و شرایط محیطی، آثاری پدید آورده است.

این آثار شکوهمند و فاخر در طی روزگاران متفاوت به همت هنرمندانی گمنام پدید آمده است. هر چند که بسیاری از این آثار به‌ویژه میراث دوران تاریخی به‌مرور به فراموشی سپرده شده‌اند. بعدها، به شکل داستان‌هایی، در ساختار روایتی و ادبی به جای مانده‌اند



▲ شکل ۱- نقشه فلات ایران

که شاخص آن‌را می‌توان در اثر بزرگ حماسی ایران، شاهنامه فردوسی دید. این داستان‌ها به روشنی دلالت بر حقایق تاریخی دارند هرچند به گونه خیال‌پردازانه‌ای ارائه شده‌اند. با این حال پس از گذشت سالیان متمادی سرانجام در سده سیزدهم هجری (۱۹ میلادی) با شکل‌گیری علم باستان‌شناسی توجه خاصی و تحولاتی در زمینه شناخت هنر ایران در ادوار مختلف پدید آمد. از این زمان به بعد میل و علاقه بسیاری از حاکمان و والیان مناطق مختلف را به آثار تاریخی به‌دلیل قدرت یا منفعت طلبی و یا با اهداف هنرشناسانه به این جریان جلب کرد. تا جایی که آنها را بر آن داشت تا به ایجاد نقش برجسته‌هایی به سبک و سیاق آثار تاریخی و باستانی در کنار آثار شناخته شده، بپردازند (شکل ۱). این گرایش به درون خانه‌ها، کاخ‌ها و دیگر بناها نیز به صورت نقش



▲ شکل ۲- نقشه مناطق برجسته باستانی در ایران



▲ شکل ۳- ظرف سنگی، تمدن جیرفت، هزاره سوم پ.م

برجسته و کاشی‌لعاب‌دار، کشف شده (شکل ۲).
 به دلیل این توجه، علاقه به حفاری در مناطق باستانی
 روز به روز بیشتر می‌شود. اولین زمینه فعالیت‌های رسمی
 باستان‌شناسی در ایران کاوش در منطقه باستانی شوش بوده
 که در بین سال‌های ۳۱-۱۲۲۹ شمسی انجام پذیرفته است.
 پس از فعالیت گروه‌های باستان‌شناسی در ایران
 توسط باستان‌شناسان خارجی و داخلی آنچه به تحقق رسید
 آشکارسازی و شناخت فرهنگ تاریخی و ملی ایران است
 که همچنان ادامه دارد. از مهم‌ترین یافته‌های جدید به همت
 باستان‌شناسان ایرانی کشف منطقه باستان‌شناسی ناشناخته
 دشت لوت به‌ویژه سرزمین آرت در جیرفت با قدمتی ۵۰۰۰
 ساله است. براساس آثار به‌دست آمده می‌توان دریافت که
 این منطقه تاریخی دارای رشد فرهنگی و بالنده‌ای بوده و در
 اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد شکل گرفته است. با این
 کشف چنین به نظر می‌رسد که بایستی دید تازه‌ای نسبت به
 شکل‌گیری مناطق و تمدن‌های همجوار داشت (شکل ۳).



▲ 4 تا 10 شهرهای باستانی هزاره ششم تا چهارم پ. م

▲ 1 تا 3 شهرهای باستانی هزاره پنجم تا سوم پ. م

فصل اول

دوره پیش تاریخی

دوران آغازین				
پیش از میلاد	دوره	عصر	تمدن	وضعیت زندگی انسانی و آثار
هزاره هشتم تا ششم		نوسنگی		نقاشی در غارها و سفال دست ساز
هزاره پنجم		عصر مس و سنگ قدیم		روستا نشینی، سفال نقش دار
هزاره چهارم		عصر مس و سنگ قدیم		شهر نشینی، سفال چرخ و نقش دار و آثار فلزی
هزاره سوم		مس و سنگ جدید	ایلام قدیم	شهر نشینی گسترش کشاورزی، آثار مفرغی و سنگی
هزاره دوم	دوره کوچ	عصر اول آهن	ایلام میانه و نو	شهر نشینی جدید، معماری خشتی
		عصر دوم آهن		
هزاره اول		عصر سوم آهن		شهر نشینی، آثار سفالی، سنگی، فلزی و عاجی نقش دار

سپیده‌دم هنر و تمدن فلات ایران

اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- جلوه‌های هنری ایران را در دوره‌ی نوسنگی بیان کند.
- ۲- ویژگی آثار سفالی عصر مس و سنگ را شرح دهد.
- ۳- مراکز مهم تمدن هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد را نام ببرد.
- ۴- ویژگی آثار شهر سوخته را توضیح دهد.
- ۵- حدود قلمرو زمانی تمدن دوره‌ی آغازین ایران را بیان کند.

دوران آغازین^۱

جلوه‌های هنری در ایران به دوره‌ی نوسنگی در حدود هزاره هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد. نمونه‌هایی از قدیمی‌ترین آثار به‌جای مانده از این دوران را می‌توان در نقاشی‌های غارهای منطقه لرستان به‌ویژه در دوشه، هومیان و کوه‌دشت دید (شکل ۱-۱). ادامه این تحول فرهنگی و هنری در دیگر مناطق کوه‌های زاگرس نیز مشاهده می‌شود. اولین نمونه‌های سفالگری که شاید قبل از هزاره



▲ شکل ۱-۱- دیوارنگاری غار دوشه، خرم‌آباد، لرستان، حدود هزاره هشتم پ.م



▲ شکل ۱-۲- ظرف سفالین، تل باکون
(نزدیک تخت جمشید) حدود ۴۵۰۰ پ.م

هشتم پ.م نیز وجود داشته را می توان در این مناطق دید. این سفالینه ها همگی دست ساز هستند که پس از مدت زمانی به شکل منقوش درآمدند (شکل ۱-۲).

شکل و تزئین سفالینه ها در مناطق مختلف فلات ایران با یکدیگر متفاوتند اما اغلب دارای شیوه ساخت، مواد و خصایص مشترکی هستند.

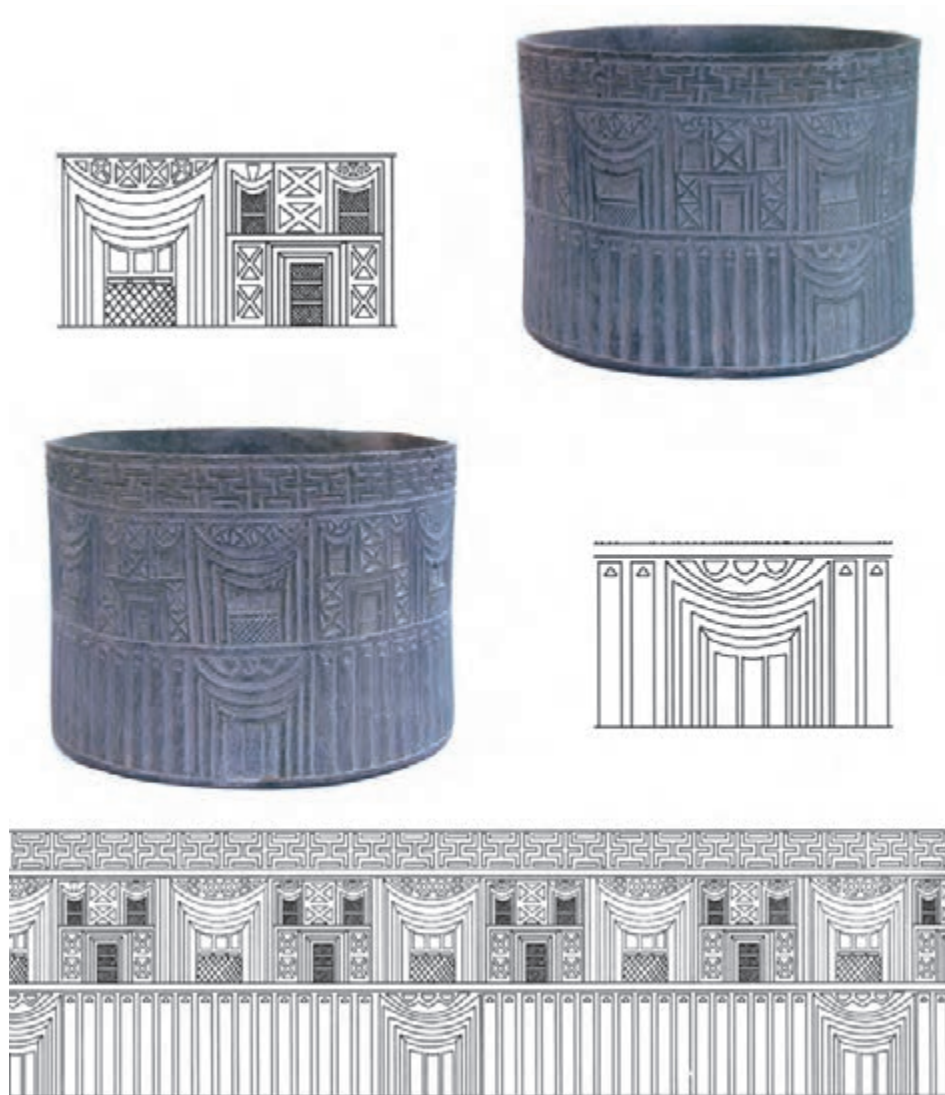
در دوره معروف به عصر مس و سنگ^۱، مشخص ترین نوع سفالگری به رنگ های قرمز و زرد نخودی، منقوش شده به رنگ سیاه و با طرح های هندسی که بیشتر به شیوه هاشورزنی هستند، دیده می شوند. از این رو به نظر می رسد پیشینه سفالگری منقوش در ایران به حدود هزاره پنجم پ.م بازمی گردد که با استفاده از نقوش جانوری و هندسی نقاشی شده اند. استفاده از چرخ سفالگری و ساخت سفالینه های کاملاً متقارن، حدود هزاره چهارم پ.م در مناطق تپه سیلک، تپه حصار، تل باکون، شوش و ... می باشد. این اشیاء سفالی شامل کاسه، ظروف دهان گشاد، جام و پیاله های پایه دار هستند. رنگ آنها معمولاً کرم یا زرد نخودی است که با رنگ سیاه یا قهوه ای تیره و نقش های هندسی، جانوری و تلفیقی، نقش پردازی شده اند (شکل ۱-۳).



▲ شکل ۱-۳- جام سفالین، شوش، خوزستان، حدود ۴۰۰۰ پ.م

۱- Chalcolithic (کالکو به معنی مس و لیتو به معنی سنگ)

با کشف مناطقی در دشت لوت از جمله تپه یحیی، جیرفت و شهداد در نزدیکی کرمان پرده از اسرار تمدن دیگری در حدود هزاره چهارم پیش از میلاد برداشته شد. آثار مهم ساخته شده در این مناطق را بیشتر نمونه‌های سنگی دربرگرفته، که به مناطق دیگر باستانی صادر می‌شده است. این مسیر صادراتی بیشتر از طریق شوش به میان رودان (بین‌النهرین) بوده است (شکل ۱-۴). بر اساس یافته‌های شهر سوخته (در سیستان) با تاریخی در حدود هزاره سوم پ.م، چنین به نظر می‌رسد که این شهر مهمترین مرکز صنعت مفرغ‌سازی^۱ در شرق ایران به‌شمار می‌رفته است. در این منطقه خانه‌هایی به‌صورت پلکانی ساخته شده که سطح دیوار آنها با اندودی از گل و مواد آهکی پوشیده می‌شده است.



▲ شکل ۱-۴- آثار سنگی، جیرفت، هزاره سوم پ.م

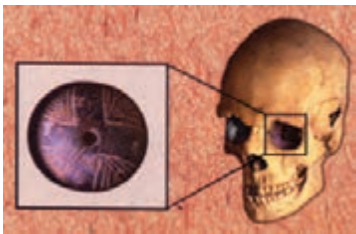
۱- مفرغ: مفرغ یا برنز آلیاژی است از مس و قلع که با آن ابزار و مجسمه‌های مختلف تهیه می‌کنند و قدیمی‌ترین آلیاژ دست‌ساخته

انسان است.

همچنین لوله‌های بزرگ سفالینی در این خانه‌ها برای آبرسانی وجود داشته است (شکل ۱-۵). کشف مجموعه‌ای در این منطقه، دلالتی بر عمل جراحی در این زمان می‌باشد (شکل ۱-۶). همزمان در این منطقه، هزاران قطعه سنگ لاجورد، فیروزه و مهره‌های تزینی آماده کار یافت شده که بیانگر میزان تولید این اشیاء در منطقه است.



▲ شکل ۱-۵- روش آبیاری با لوله‌های سفالین در شهرهای دوره‌های باستان ایران (منطقه چغامیش)

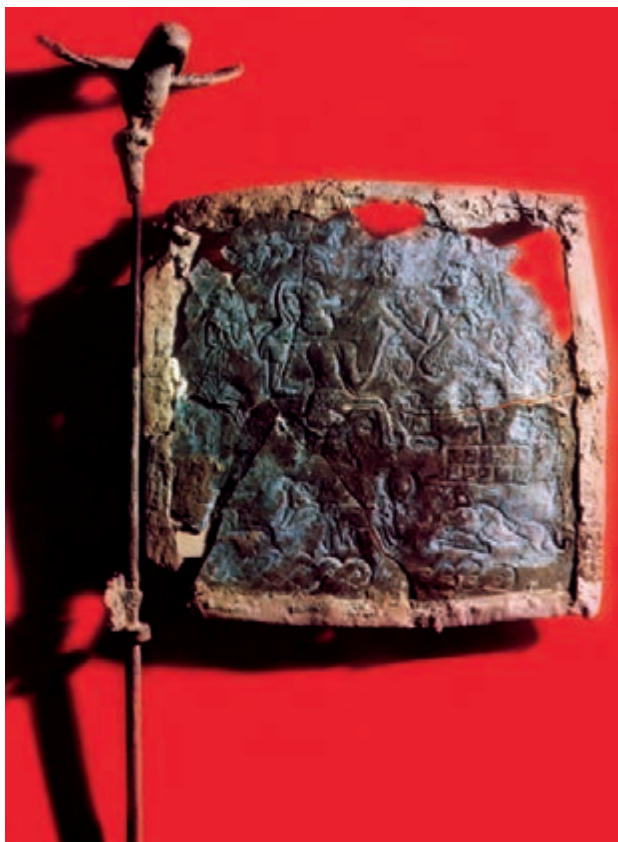


▲ شکل ۱-۶- مجموعه با چشم جراحی شده یافت شده در شهر سوخته

از این رو دشت لوت و شهر سوخته در انتهای هزاره سوم پ. م به عنوان پررونق‌ترین تمدن‌های جنوب شرقی ایران شناخته شده‌اند که با سرزمین‌های ایلام و میان‌رودان (بین‌النهرین) ارتباط داشته‌اند. موقعیت مناسب دیگر این مناطق در حوزه جنوب شرقی و مناطق دشت لوت را منطقه شهداد (در کرمان) از آن خود کرده است. این منطقه با وجود سفالینه‌های قرمز رنگ، خطوط تصویری و نشانه‌ای، کاربرد متنوع سنگ صابون^۱ و مقبره‌هایی شگفت‌انگیز در کنار یکدیگر، شناخته شده است. از جمله یافته‌های با ارزش در این مکان «پرچم شهداد» می‌باشد (شکل ۱-۷).

این آثار با شکوه فلزی نشان می‌دهد که صنعت فلزکاری در ایران همزمان با گسترش فرهنگی و هنری در هزاره چهارم پیش از میلاد آغاز شده است. سپس توانست جای ابزارهای سنگی پیشین را بگیرد و همزمان زیورآلاتی از ترکیب سنگ‌های قیمتی و فلزات ساخته شود. اما رسماً در هزاره سوم پ. م صنعت مفرغ‌سازی با تحولات اساسی در مناطق مختلف فلات ایران روبه‌رو شد و به اوج خود رسید.

۱- سنگ صابون (Steatite) نوعی سنگ نرم و قابل‌کنده‌کاری که در بیکره‌تراشی، مهر و تزینات معماری به کار می‌رود.



▲ شکل ۷-۱- پرچم مفرغی، شهداد، کرمان، هزاره سوم پ.م



در هزاره دوم پ.م سفالینه‌های منقوش تک رنگ در مناطق غربی ایران دیده شده است. این سفالینه‌ها به طور معمول با رنگ قهوه‌ای تیره بر زمینه زرد نخودی، نقاشی شده‌اند. نقوش آنها شامل مجموعه‌ای جالب از طرح‌های هندسی پیچیده است که خود حاصل سیر تکامل سنت سفالگری در مناطق غربی ایران است (شکل ۸-۱).

▲ شکل ۸-۱- کوزه سفالین، تپه‌گیان، نهاوند، هزاره دوم پ.م

گاه‌نگار درس اول

دوره نوسنگی (کشاورزی و دامپروری)		
هزاره ششم پ.م	هزاره هفتم پ.م	هزاره هشتم پ.م
۵۰۰۰ - ۶۰۰۰ پ.م	۶۰۰۰ - ۷۰۰۰ پ.م	۷۰۰۰ - ۸۰۰۰ پ.م
هنرها: نقاشی غاری، صخره‌نگاری، آغاز معماری، آغاز سفالگری		
مناطق: لرستان (دوشه)، هومیان (کوه‌دشت)، کرمانشاه (گنج دره هرسین)		
دوره روستانشینی (تپه‌های باستانی)		
هزاره پنجم پ.م		
۴۰۰۰ - ۵۰۰۰ پ.م		
هنرها: سفالینه‌های منقوش		
مناطق: تل باکون، شوش، تپه سیلک و ...		
دوره شهرنشینی (عصر مس و سنگ قدیم)		
هزاره چهارم پ.م		
۳۰۰۰ - ۴۰۰۰ پ.م		
هنرها: شهرسازی، معماری، اختراع چرخ سفالگری، ظروف متقارن سفالی، کاربرد مس، کاربرد سنگ صابون، اختراع خط		
مناطق: تمدن لوت (جیرفت، تپه یحیی، شهداد) تپه‌های باستانی (تل باکون، سیلک، شوش و ...)		
دوره شهرنشینی (عصر مس و سنگ جدید)		
هزاره سوم پ.م		
۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ پ.م		
هنرها: معماری، کاربرد آلیاژ، مفرغ‌سازی، آثار سنگی		
مناطق: ایلام قدیم، شهر سوخته، شهداد		
دوره شهرنشینی جدید		
هزاره دوم پ.م		
۱۰۰۰ - ۲۰۰۰ پ.م		
هنرها: معماری، فلزکاری، سفالینه‌های تک‌رنگ با نقوش هندسی		
مناطق: ایلام میانه		

پرسش

- ۱- آثار دوره نوسنگی در چه مناطقی از ایران یافته شده‌اند؟
- ۲- سفال‌های عصر مس و سنگ مربوط به کدام هزاره بوده، ویژگی ظاهری آن‌ها چگونه است؟
- ۳- رنگ و شکل آثار سفالی سیلک و تپه حصار در هزاره چهارم پ.م را بیان کنید.
- ۴- مراکز مهم تمدن هزاره چهارم پیش از میلاد کدامیک از موارد زیر است؟
الف) سیلک و حصار
ب) تل باکون و شوش
ج) سیلک و دوشه
د) الف و ب
- ۵- تمدن دوره آغازین ایران در چه زمانی بوده و شامل کدام مناطق می‌شود؟
- ۶- شهر سوخته کجای ایران بوده، چه آثاری از تمدن آن شهر به جای مانده است؟
- ۷- مراکز مهم تمدن در دشت لوت هزاره چهارم پ.م را نام ببرید.
- ۸- جای خالی در جمله زیر را با عبارت مناسب پر کنید.
کشف مجموعه در منطقه شهر سوخته دلالت بر دارد.

هنر و تمدن ایلام



اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- حدود زمانی و مکانی هنر تمدن ایلام را بیان کند.
- ۲- رابطه دولت ایلام با تمدن دشت لوت را شرح دهد.
- ۳- آثار تمدن ایلام را نام ببرد.
- ۴- آثار سفالی تمدن ایلام را با قبل از آن مقایسه کند.
- ۵- شکل، نقش و رنگ آثار سفالی شوش را شرح دهد.
- ۶- آثار معماری تمدن ایلام را نام ببرد.

هنر و تمدن ایلام

با آغاز هزاره سوم پ.م همگام با رونق تجارت، رشد جوامع شهری و پدید آمدن پیوندهای فرهنگی، مذهبی و سیاسی، نخستین سازمان‌های اداری حکومتی در فلات ایران شکل می‌گیرد. گروهی از ساکنان اولیه فلات ایران که در نواحی خوزستان و بخش‌هایی از فارس و مناطق غربی استقرار داشتند با تسلط بر اقوام ساکن در این منطقه و اتحاد سرزمین‌ها به چنین هدفی دست یافتند. دولت تازه تأسیس که از حدود ۳۵۰۰ پ.م وارد مرحله شهرنشینی شده بود، شهر شوش^۱ را مرکز قلمرو خود قرار داد. برپایه دستاوردهای غنی این دولت، یکی از معتبرترین تمدن‌های فلات ایران بنیان گذاشته شد (شکل ۲-۱).



▲ شکل ۲-۱- چشم‌اندازی از شهر شوش، هزاره چهارم پ.م (طرح بازسازی شده)

۱- شهر شوش از قدیمی‌ترین شهرهاست که به مادر شهرهای جهان شهرت یافته است.

دولت ایلام به علت هم‌جواری و روابط نزدیک با تمدن‌های دشت لوت، مرکز فلات و میان‌رودان (بین‌النهرین) به‌عنوان حلقه‌ی ارتباطی میان این تمدن‌ها محسوب می‌شد. با این حال توانست جنبه‌های فرهنگی و هنری مستقلی از خود نشان دهد. ایلامیان به موازات پیدایش نخستین خطوط تصویری جهان در تمدن‌های دشت لوت و سومر^۱، خطی تصویری^۲ موسوم به «ایلامی مقدم» یا «ایلامی آغازین» به وجود آوردند. این خط به مرور به خطی ساده‌تر با حدود ۳۰۰ علامت به‌عنوان خط میخی ایلامی تغییر یافت (شکل ۲-۲).



▲ شکل ۲-۲- خط ایلامی

ساکنان هزاره چهارم پ.م در شوش از فن سفالگری و نقاشی روی سفال بسیار پیشرفته‌ای برخوردار بودند که با ابداع مفرغ به تدریج از اهمیت آن کاسته شد. به تدریج ظروف مفرغی، نقره‌ای و طلایی جایگزین سفالینه‌های خوش ساخت قبلی شد. به‌همین دلیل سفالینه‌های دوره ایلامی گرچه از ساخت خوبی برخوردارند اما از نظر شکل و نقش، ویژگی و کیفیت سفالینه‌های پیشین شوش را ندارند. سفالینه‌های این دوره که ساخت آن‌ها حدود ۷۰۰ سال تداوم داشته، دارای نقوش چند رنگ

۱- سومر (Sumer) اولین مهاجرین به منطقه میان‌رودان (دجله و فرات عراق کنونی) که در هزاره چهارم پ.م ساکن شدند و تمدن این منطقه را به وجود آوردند.

۲- خط تصویری (Pictogram - pictograph) : نوعی نگارش با علائم تصویری که در تمدن‌های اولیه (ایران، مصر و ...) به کار می‌رفت.

(قرمز، بنفش، نارنجی و سیاه) و یا تک رنگ هستند. اغلب ظروف به شکل کوزه‌های ته پهن با شکم‌های دایره‌ای شکل، گردن کوتاه و دهان گشادند. نقش‌ها بیشتر روی شانه ظروف و در برخی تمام سطح ظرف را در برمی‌گیرند. نقش‌ها شامل خطوط شکسته، مثلث، لوزی و چهارخانه هستند که با تقسیم‌بندی‌های طولی و عرضی از هم جدا شده‌اند. افزون بر نقش هندسی، در تعدادی از ظروف نقش انواع موجودات چون مار، عقرب، ماهی، حیوانات شاخ‌دار و افسانه‌ای، عقاب، گاو، مناظر طبیعی، انسان، سازه‌های معماری، پرندگان در حال پرواز و ... دیده می‌شوند (شکل ۲-۳).

در کنار این ظروف، تندیس‌های کوچک سفالی و مهرهای ساده و استوانه‌ای زیادی ساخته شده است. شاخص‌ترین تندیس‌ها و پیکره‌سازی‌های ایلامی از جنس مفرغ می‌باشند. تندیس فلزی پیکره ملکه «نایراسو» همسر فرمانروای شهر شوش از این گونه پیکره‌هاست که به لحاظ پیشرفت و تکامل فن ریخته‌گری و نحوه پوشاک ایلامی دارای اهمیت به‌سزایی است (شکل ۲-۴).



▲ شکل ۲-۳- جام سفالین، شوش، حدود ۴۰۰۰ پ.م



ب



الف

▲ شکل ۲-۴- الف و ب- پیکره مفرغی ملکه نایراسو، شوش، هزاره دوم پ.م؛ (طرح بازسازی شده)

نمونه دیگر هنرهای ایلامی در لوحه سنگی با نقش برجسته نخریسی و بافندگی است که در شوش کشف شده است. این لوح با نگاهی واقع‌گرایانه از دیگر ویژگی‌های مهم هنر ایلامی است (شکل ۲-۵).



▲ شکل ۵-۲- نقش برجسته با طرح نخریسی و بافندگی، شوش، هزاره دوم پ.م



▲ شکل ۶-۲- الف - معبد چغازنبیل، شوش، هزاره دوم پ.م



▲ شکل ۶-۲- ب - معبد چغازنبیل (طرح بازسازی شده)

آثار معماری ایلامی نیز نمایانگر تکامل فن معماری در تمدن‌های خاورمیانه است که مصالح مهم آن را خشت و آجر تشکیل می‌دهند. بزرگ‌ترین اثر معماری این تمدن «زیگورات^۱ چغازنبیل» است. این بنا بزرگ‌ترین بنای خشتی جهان و کهن‌ترین بنای ایرانی محسوب می‌شود. در این معبد همچنین برای اولین بار در معماری ایران با تکیه بر فنون پیشرفته لعاب از کاشی برای تزئین استفاده شده است. علاوه بر آن در قسمت در ورودی معبد ردیف میله‌های باریک شیشه‌ای مات به کار رفته که شاید بتوان آن را اولین کاربرد شیشه در تاریخ معماری جهان به حساب آورد. درهای چوبی این بنا با تزییناتی از تکه‌های شیشه، طلا، نقره و عاج در قالب نقوش مختلف و به شیوهٔ معرق^۲ پوشیده شده بود. (شکل ۶-۲).

۱- زیگورات: (Ziggurat) معبد برج مانند و دارای چندین طبقه را زیگورات می‌نامند.

۲- معرق: هنری که در آن قطعات مواد مختلف را در شکل‌های گوناگون، کنار یکدیگر قرار می‌دهند.

بر اساس نقش برجسته‌های ایلامی می‌توان به موسیقی آن دوران پی برد. در برخی از آنها مراسم با حضور نوازندگان و سرایندگان نشان داده شده است (شکل ۷-۲).

مُهرهای^۱ ایلامی با شکل استوانه‌ای، تصاویر پرکار و نقوش خلاصه شده خطی از دیگر دستاوردهای هنری این تمدن است (شکل ۸-۲).

این تمدن با گستره بیش از دو هزار سال (در سه دوره فرمانروایی ایلام کهن، میانه و نو) سرانجام توسط آشوریان^۲ پایان یافت. اما بازتاب هنر آن را می‌توان در دولت‌های آریایی به ویژه دوره هخامنشی به خوبی مشاهده کرد.



▲ شکل ۷-۲ نقش برجسته سنگی، کول فره، خوزستان، هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م



▲ شکل ۹-۲ تصویر مهر سنگی استوانه‌ای و اثر آن بر گِل سفال



▲ شکل ۸-۲ مهر سنگی، شوش، هزاره دوم پ.م

۱- مُهر: (Seal) وسیله‌ای کنده‌کاری شده که برای انتقال نوشته یا متن خاص بر روی گل نرم استفاده می‌شود.

۲- آشوریان: قوم باستانی ساکن در بخش شمالی میان رودان (بین النهرین - کردستان عراق) که در اواخر هزاره دوم و هزاره اول

پ.م می‌زیستند.

گاه‌نگار درس دوم

ایلام قدیم	
هزاره سوم و دوم پ.م	
۱۵۰۰ – ۲۷۰۰ پ.م	
هنرها: شهرسازی، خط سفالگری و نقاشی روی سفال	
مناطق: شوش و ...	
ایلام میانه	
هزاره دوم پ.م	
۱۰۰۰ – ۱۵۰۰ پ.م	
هنرها: تندیس‌سازی سفالی، مهرسازی، پیکره‌های مفرغی، ریخته‌گری، بافندگی، طاق ضریبی، معبدسازی و شیشه‌گری	
مناطق: شوش و ...	
ایلام جدید	
هزاره اول پ.م	
۵۱۹ – ۱۰۰۰ پ.م	
هنرها: تندیس‌سازی سفالی، مهرسازی، پیکره‌های مفرغی، ریخته‌گری، بافندگی، طاق ضریبی، معبدسازی، شیشه‌گری، تزئینات چوبی، موسیقی، نقش برجسته سنگی و حجاری	
مناطق: شوش و ...	

پرسش

- ۱- گستره زمانی تمدن ایلام را ذکر کرده و مکان‌های مهم آن را نام ببرید.
- ۲- چه ارتباطی میان دولت ایلام و تمدن دشت لوت قابل ذکر است؟
- ۳- آثار تمدن ایلام را نام ببرید.
- ۴- وضعیت خط در تمدن ایلام را شرح دهید.
- ۵- شکل، نقش و رنگ آثار سفالی شوش را شرح دهید.
- ۶- پیکره‌سازی و نقش برجسته‌سازی ایلامی چه ویژگی‌هایی داشته است؟
- ۷- مهم‌ترین آثار معماری تمدن ایلام چه نام دارد؟ ویژگی آن را بیان کنید.

۸- در جدول زیر قسمت‌های خالی را با توجه به عنوان آن با عبارت مناسب پر کنید :

آثار شاخص	معماری	ویژگی آثار یافت شده	آثار یافت شده	مناطق مشهور	از زمان ... تا ...	تمدن
جمجمه (عمل جراحی)		سفالینه‌های زرد و قرمز رنگ با نقوش جانوری و هندسی، سفالینه‌های متقارن، پرچم شهادت که از جنس مفرغ می‌باشد.		تپه سلیک، تپه حصار، شهر سوخته		آغازین
	زیگورات چغازنبیل		لوح‌های خطی، ظروف سفالین، پیکره‌های مفرغی، مهرهای سنگی، نقش برجسته‌ها		هزاره سوم تا هزاره دوم پ.م	ایلام

دوره کوچ



اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- مناطق حضور اقوام در نیمه دوم هزاره دوم پ.م در ایران را نام ببرد.
- ۲- آثار به جای مانده حدود ۱۴۰۰ پ.م را دسته بندی کند.
- ۳- ویژگی سفالینه های حسنلو، سیلک و مارلیک را بیان کند.
- ۴- آثار مربوط به زیویه را شرح دهد.
- ۵- ویژگی آثار تمدن لرستان را بشناسد.
- ۶- شکل ظاهری ظروف سفالین تپه سیلک را شناسایی کند.

دوره کوچ^۱

نیمه دوم هزاره دوم پ.م فلات ایران به ویژه بخش های غربی و دامنه های جنوبی کوه البرز پذیرای اقوام کوچنده بوده است. براساس یافته ها و مدارک باستان شناسی به نظر می رسد که این اقوام از ناحیه شمال شرقی و از سمت شرق دریای خزر به بخش های مختلف ایران حرکت کرده باشند. چنین برمی آید که این مردمان به زبان های هند و اروپایی تکلم می کردند و توانسته اند گستره عظیمی را از کوه های آسیای میانه تا اروپا درنوردند و این مناطق را بر حسب نیاز خود برای سکونت برگزینند. مهم ترین مناطق سکونت در فلات مرکزی ایران، حسنلو (جنوب دریاچه ارومیه)، خورون (دشت قزوین)، سیلک (کاشان)، تپه گیان (نهادند)، تمدن املش و تپه مارلیک (گیلان) و منطقه لرستان بوده است.

برخلاف ساکنین قبلی که مردگان خود را در کف اتاق محل سکونت دفن می کردند، این اقوام دارای سنت جدیدی در دفن مردگان بوده اند و برای اولین بار مردگان را خارج از محل سکونت خود دفن کردند. از حدود ۱۴۰۰ پ.م سفالینه های جدیدی توسط برخی اقوام نام برده ساخته شده است. این سفالینه ها بیشتر به رنگ خاکستری است، هرچند نمونه هایی از رنگ های قرمز و نخودی کمرنگ نیز یافت شده است. سفالینه های خاکستری یا سیاه ساخته شده اغلب در نواحی نزدیک به مناطق غربی و متعلق به عصر اول آهن^۲ است.

بهترین نمونه های یافت شده از این دوره، ساخت ظروف به شکل های گوناگون، سه پایه ها، جام های پایه دار بزرگ با دسته و بدون دسته و برخی به صورت کاسه های ساده، پایه دار و در ابعاد مختلف هستند (شکل ۱-۳).

این سفالینه ها که گاه به روش پیچیده ای با دسته و لوله های بلند تزئین یافته اند، تجسمی از پرندگان یا حیوانات خاصی بوده و دارای سبک و شیوه مشخص منقاردار هستند.



▲ شکل ۱-۳- ظرف سفالین ناودانی خاکستری صیقل یافته، حدود ۱۰۰۰ تا ۸۰۰ پ.م

۱- کوچ: دو نظریه متفاوت مربوط به ساکنان هزاره دوم پ.م در ایران وجود دارد. الف) اقوام آریایی را مهاجرین به فلات ایران می دانند. ب) اقوام آریایی بومی ایران بودند که براساس شیوه زندگی چوپانی کوچ نشین بوده اند. در پژوهش های نوین فرضیه دوم قوی تر است.

۲- عصر اول آهن از ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پ.م (هزاره دوم) است.

اشیاء خاکستری رنگ ساخته شده در این دوره به طور معمول برای مراسم تدفین و به دور از نیازهای روزمره تهیه می‌شوند. تدفین در این دوره با ساخت مقابر ساده‌ای همراه بوده به گونه‌ای که اجساد در آنها به همراه ظروف خاص، سلاح و جواهرات، مهرهای تزئینی و اتصالات کوچک فلزی لباس، دفن می‌شدند.

نمونه مشخص سفالگری دوره (عصر اول آهن) نوعی تلفیق سفالگری و پیکرسازی در تپه مارلیک است (شکل ۲-۳). در این منطقه باستانی مجموعه آثار باشکوهی از ظروف طلایی، نقره‌ای و مفرغی با تزئینات هندسی و جانوران افسانه‌ای مانند گاوهای بالدار یافت شده که خود دلالت بر غنای فرهنگی و میراث هنری این منطقه است (شکل ۳-۳).



▲ شکل ۳-۳- جام طلایی، مارلیک، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۲-۳- گاو کوهاندار سفالین، تپه مارلیک، گیلان، هزاره اول پ.م

در دوره عصر دوم^۱ آهن در منطقه تپه سیلک کاشان نمونه‌های منحصر به فردی از تکامل ظروف منقاردار، دهان گشاد و پایه بلند تولید شده است. این ظروف منقاری همراه با شکل جانوری و طرح‌هایی هندسی به رنگ قرمز در زمینه کرم تزئین می‌شدند (شکل ۴-۳).

از دیگر مناطق دارای سفال خاکستری می‌توان به تپه حسنلو در جنوب غربی دریاچه ارومیه اشاره کرد که به‌عنوان نمونه شاخص فرهنگ شمال غربی ایران معرفی شده است. در بخش جنوب غربی تپه، مجموعه‌ای از چهار ساختمان اصلی با حیاط محصور شده مشخص گردیده که ورودی آن ستون‌دار است. به نظر می‌رسد این ساختمان‌های ستون‌دار از پیشگامان راهروها و تالارهای ستون‌دار دوران بعد از خود از جمله معماری هخامنشیان باشند (شکل ۵-۳).

۱- عصر دوم آهن به حدود ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پ.م (هزاره دوم) باز می‌گردد.



▲ شکل ۳-۴- ظرف سفالی منقاری، تپه سیلک، کاشان، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۳-۵- بقایای دژ حسنلو، جنوب دریاچه ارومیه، هزاره دوم پ.م

از میان آثار سفالی، عاجی، سنگی و فلزی حسنلو که دلیل غنای هنری و فرهنگی منطقه است، جام معروف حسنلو از نمونه‌های برجسته آن می‌باشد (شکل ۳-۶).



▲ شکل ۳-۶- جام طلایی، حسنلو، جنوب دریاچه ارومیه، هزاره دوم پ.م

همه اشیاء کشف شده در این منطقه دارای سبک و شیوه هنری مستقل و بدون هیچ گونه تأثیرپذیری از تمدن‌های همجوار است. مهم‌ترین تجلی آثار هنری دوره سوم آهن^۱ را می‌توان در تمدن زیویه در ناحیه غربی ایران، در نزدیکی شهر سقز در کردستان جستجو کرد. موقعیت این منطقه را وجود بنایی حکومتی بر فراز تپه‌ای با دیوارهای مستحکم و بلند مشخص می‌کند که دژی با

پلکان سنگی بوده است. از آثار بارز این منطقه آثار عاجی حکاکی شده، سپر طلایی با تزئین حیوانات افسانه‌ای، پیکره بالدار انسانی و دیگر اشیاء طلایی است (شکل ۳-۷).



▲ شکل ۳-۷- قطعه‌ای طلایی، زیویه، کردستان، هزاره اول پ.م

آثار کشف شده در این منطقه احتمال ارتباط میان دو منطقه حسنلو و زیویه را قوت می‌بخشد که بیانگر جایگاه فرمانروایان بومی زاگرس و یا حکومت اقوام جنوب شرقی دریاچه ارومیه است.

۱- دوره سوم آهن بین سال‌های ۸۰۰-۱۰۰۰ پ.م (هزاره اول) است.

منطقه لرستان، این دوره با ساخت محصولات فاخر صنایع دستی، همراه با مهارت و استادی کاملی در زمینه مفرغ‌سازی دیده می‌شود. آثار فراوانی در این دوره تولید شده‌اند که امروزه در بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی موجود هستند. موضوع اصلی این آثار جانوران هستند که برخی با حالتی افسانه‌ای و گاهی با ویژگی‌های انسانی بیان شده‌اند. نقوش جانوری این آثار بیشتر بز و شیر می‌باشند (شکل ۸-۳). جانوران به صورت ترکیبات طبیعت‌گرایانه^۱ با چشم‌های برجسته کروی، گوش‌های برجسته و اندام‌های کشیده ساخته شده‌اند و معمولاً به حلقه‌ای منتهی می‌شوند (شکل ۹-۳).



▲ شکل ۸-۳- تبرمفرغی، لرستان، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۹-۳- لگام جانوری مفرغی، لرستان، هزاره اول پ.م

۱- طبیعت‌گرایانه (Naturalism): نوعی گرایش به بازنمایی و تقلید از طبیعت و اصول طبیعت است.

در برخی از آنها، پیکره‌های انسانی با بینی‌های نوک تیز، چشم و گوش‌های برآمده و صورتی ساده تجسم یافته‌اند (شکل ۱۰-۳). همه این ویژگی‌ها بیانگر سبک و شیوه خاص اشیاء مفرغی لرستان است. البته باید یادآور شد که مهم‌ترین اشیاء کشف شده در این منطقه نوعی اشیاء کاربردی و تزئینی برای اسب است (شکل ۱۱-۳).



▲ شکل ۱۰-۳- تندیس مفرغی، لرستان، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۱۱-۳- لگام و دهنه اسب، لرستان، هزاره اول پ.م

با این حال این دوره کوچ و مهاجرت دارای ویژگی‌های منحصر به فرد و تأثیراتی است که توانسته زمینه را برای شکل‌گیری تمدن‌ها و مناطق مهم تاریخی و باستانی بعد از خود فراهم سازد.

گاه‌نگار درس سوم

دوره کوچ
هزاره دوم تا هزاره اول
۸۰۰ – ۲۰۰۰ پ.م
هنرها: سفالگری، فلزکاری، معماری، ساخت دژ، تندیس‌سازی و ...
مناطق: سیلک، خوروین، املش، مارلیک، گیان، لرستان، زیویه
عصر اول آهن
هزاره دوم پ.م
۱۲۰۰ – ۱۴۰۰ پ.م
هنرها: سفالگری، فلزکاری، معماری، ساخت دژ، تندیس‌سازی و ...
مناطق: سیلک، خوروین، املش، مارلیک، گیان، لرستان، زیویه
عصر دوم آهن
هزاره دوم پ.م
۱۰۰۰ – ۱۲۰۰ پ.م
هنرها: سفالگری، فلزکاری، معماری، ساخت دژ، تندیس‌سازی و ...
مناطق: سیلک، خوروین، املش، مارلیک، گیان، لرستان، زیویه
عصر سوم آهن
هزاره اول پ.م
۸۰۰ – ۱۰۰۰ پ.م
هنرها: سفالگری، فلزکاری، معماری، ساخت دژ، تندیس‌سازی و ...
مناطق: سیلک، خوروین، املش، مارلیک، گیان، لرستان، زیویه

پرسش

- ۱- دوره مهاجرت (کوچ) مربوط به هزاره چندم است؟ مناطق مهم حضور اقوام در این دوره را نام ببرید.
- ۲- آثار سفالی حسنلو، سیلک و مارلیک هزاره دوم پ.م چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟
- ۳- آثار به‌جای مانده حدود ۱۴۰۰ پ.م را با توجه به مکان آنها دسته‌بندی کنید.
- ۴- آثار به‌جای مانده از زیویه در هزاره دوم پ.م را ذکر کرده، نوع و جنس و نقش آنها را شرح دهید.
- ۵- جنس، شکل و نقش آثار تمدن لرستان را بیان کنید.
- ۶- شکل ویژه ظروف تپه سیلک را شرح دهید.
- ۷- جمله زیر را با عبارت مناسب کامل کنید:
نقوش آثار تمدن لرستان بیشتر و می‌باشد.

فصل دوم

دوره تاریخی



هنر و تمدن ماد



اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- چگونگی پایه‌گذاری دولت ماد را توضیح دهد.
- ۲- تأثیرات متقابل هنر مادها با دیگر اقوام ساکن در فلات ایران را توضیح دهد.
- ۳- شاخص‌های فلز کاری ماد را بیان کند.
- ۴- سفالگری در عهد ماد را توضیح دهد.
- ۵- عناصر مهم در معماری ماد را توضیح دهد.
- ۶- نوع پوشاک مادها را توضیح دهد.
- ۷- شواهد وجود هنر موسیقی در عصر مادها را بیان کند.

هنر و تمدن ماد

در حدود سال ۸۰۰ پ.م نیروی تازه‌ای در فلات ایران و به‌ویژه در منطقه کوهستانی غرب پدید آمد. این دولت جدید با دستیابی به «وحدت ملی» بر پایه پیوندهای فرهنگی میان اقوام مختلف و مشترکات مناطق تحت حکومت خود، نخستین دولت متحد فلات ایران را پایه‌گذاری کردند که به مادها شهرت دارند.

آنها پس از استقرار در مناطق غربی ایران با تأثیرپذیری از معماری پیشرفته این مناطق به‌ویژه تمدن ایلام و مراکز محلی توانستند تحولی در ساختار معماری منطقه ایجاد نمایند. همچنین بر اساس یافته‌های تدفینی در منطقه زیویه و با توجه به سفالینه‌های کشف شده چنین به نظر می‌رسد که تأثیرات متقابلی میان مادها و دیگر اقوام ساکن در فلات ایران و سکاها^۱ وجود داشته است. این تأثیر نوعی تمایل به اشکال و موضوعات حیوانی (جانورسان)^۲ در میان هنر اقوام یاد شده است که شکل پیشرفته آن را می‌توان بعدها در هنر هخامنشی ملاحظه کرد (شکل ۱-۴).

یکی از هنرهای برجسته مادها فلزکاری است. از مناطق مهم فلزکاری و هنرهای وابسته به آن در این دوره می‌توان به گنجینه زیویه که آنرا سرآغاز هنر فلزکاری ماد و هخامنشی می‌دانند اشاره کرد. این گنجینه شامل گردنبندها، زره‌ها، سنجاق‌ها و غلاف شمشیر همه از جنس طلا، گلدان‌های سیمین و زرین، اثاثیه مزین به عاج‌های کنده‌کاری و منبت‌کاری و سلاح‌های زرین، سیمین، آهنی و زنگ‌های مفرغی می‌باشد.

نقش‌های شاخص در این آثار شامل نقوش جانوری مثل سرشیر، بزهای کوهی لمیده با شاخ‌های بلند ماریج، اسب، گاو نر همراه با تلفیق میراث هنری و نقش‌پردازی اقوام بومی است (شکل ۲-۴).



▲ شکل ۱-۴- آثار فلزی جانورسان، گنجینه ماد، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۲-۴- کمر بند طلایی، گنجینه زیویه، کردستان، هزاره اول پ.م

۱- سکاها: (Scyths) اقوامی با نژاد ایرانی، ساکن نواحی شرقی دریای مازندران و ترکستان که بعدها در مناطق سیستان و زاگرس

اقامت کردند.

۲- جانورسان: (Animal Style) شیوه هنری که موضوع اصلی آن نقوش جانوری است.

ارتباط فلزکاری مادها با اقوام بومی لرستان را در پیکره‌های کوچک مفرغی بز که از همدان به‌دست آمده است، می‌توان ملاحظه کرد (شکل ۳-۴). تأثیر فلزکاری ماد تا قفقاز و فریژه^۱ (غرب ترکیه امروزی) گسترش یافت و شیوه ساخت فلزکاری آنان را تحت تأثیر قرار داد (شکل ۴-۴).



▲ شکل ۳-۴- پیکره‌های مفرغی، نقش بز، همدان، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۴-۴- ظرف منقاری، یونان، میراث هنر لرستان، سده ۷-۸ پ.م

۱- فریژه: مردمی از نژاد هند و اروپایی ساکن آسیای کوچک (غرب آناتولی - ترکیه امروزی) با گرایشات فرهنگی یونانی که پایتخت آنها شهر گوردیون بود. (سده ۸ و ۷ پ.م)

افزون بر گنجینه زیویه^۱ در کردستان و گنجینه جیحون^۲ در آسیای میانه^۳ (شکل ۴-۵)، آثار به دست آمده از منطقه کلاردشت (مازندران) را هم به هنر مادها نسبت داده‌اند. از جمله این آثار جام طلای کلاردشت است که با نقش‌های برجسته‌ای از چند شیر تزیین یافته است (شکل ۴-۶).



▲ شکل ۴-۵- ارابه طلایی، گنجینه جیحون، هنر ماد، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۴-۶- جام طلایی، کلاردشت (مازندران)، هزاره اول پ.م

- ۱- گنجینه زیویه : مکان تاریخی واقع در ۴۲ کیلومتری سفرز در کردستان که گنجینه طلایی در این منطقه کشف شده است.
- ۲- گنجینه جیحون : (OXUS) گنجینه متعلق به هخامنشیان در آمودریا (مرز کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و افغانستان) است.
- ۳- آسیای میانه : کشورهای حوزه شمال شرقی ایران (ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان و ...) هستند.

آگاهی ما از سفالگری مادها چندان زیاد نیست اما ارتباط آن از جهت شیوه ساخت و شکل ظاهر با سفالینه‌های سیلک هزاره اول پ.م قابل ملاحظه است. مراکز عمده سفالگری این عهد نوسی جان تپه در ملایر، باباجانی در لرستان، بیستون در کرمانشاه، زیویه در کردستان و کلاردشت در مازندران بوده است. سفالگران این مناطق در دوره مادها در توسعه و رواج لعاب برای پوشش ظروف سفالین پیشگام بوده‌اند. هر چند زمینه آن پیش از این در تمدن ایلام وجود داشته است (شکل ۷-۴). از نمونه ظروف سفالین لعاب‌دار به‌دست آمده از منطقه زیویه با نقش چندگاو و شاخه‌های گیاهی، چنین به نظر می‌رسد که مادها با روش مناسب طراحی و نقاشی بر سطوح مختلف آشنا بوده‌اند و شاید بتوان آن‌را به‌عنوان نمونه‌ای از نقاشی دوران ماد معرفی کرد (شکل ۸-۴).



▲ شکل ۸-۴ ظرف سفالین، زیویه، کردستان، هزاره اول پ.م



▲ شکل ۷-۴ آجر نقاشی شده، منطقه باباجانی، لرستان، هنر ماد،

هزاره اول پ.م

بناهای عمارت‌نشین صفه‌ای^۱ در بالای تپه و گور دخمه‌های سنگی از مهم‌ترین آثار معماری ماد به شمار می‌آید. این بناهای با شکوه با تأثیرپذیری از میراث معماری مناطق تحت حاکمیت مادها وارد کردن عوامل معماری جدید توانست به‌عنوان معماری شاخص آریایی شناخته شود. وجود ساختمان‌های مسقف ستون‌دار اساس معماری سنتی ایران گردید. هرچند آثار قابل توجهی از آن دوران در دسترس نیست اما وجود همین آثار اندک بیانگر شکل‌گیری شیوه‌های نوینی در معماری منطقه است (شکل ۹-۴). مادها به ساخت دژ اهمیت بسیار می‌دادند که می‌توان شواهد آن‌را در

۱- صُفَه : Platform - estrade سکو، تختان بخش سکویی زیر ساختمان را می‌نامند.

معماری صفه‌ای: بناها و عمارت‌هایی که بر روی سکو، با حالت پلکانی ساخته می‌شود.



▲ شکل ۹-۴- منطقه نوشی جان تپه، ملایر، هزاره اول پ.م

اسناد و مدارک آشوری به ویژه تصاویری که در نقش برجسته‌ها برجای مانده بررسی کرد. این دژها شامل حصارهای بلند و متحدالمرکزی بودند که از سنگ و خشت ساخته می‌شدند (شکل ۱۰-۴). از نمونه‌های شاخص این دژها در اکباتان (همدان)، وجود هفت حصار مدور که با رنگ‌های - به ترتیب از محیط به مرکز - سفید، سیاه، ارغوانی، آبی، نارنجی، نقره‌ای و طلایی پوشیده شده‌اند می‌باشد.



▲ شکل ۱۰-۴- بنای بازسازی شده کاخ ماد

از دیگر آثار معماری ماد باید به آرامگاه‌های صخره‌ای نظیر فخریکا^۱ و دکان داود در سرپل ذهاب (کرمانشاه)، داو دختر در فارس و قیزقاپان در عراق اشاره کرد. بارزترین نمود نقش

۱- فخریکا: فخریگا، فقرگا: مکان گور دخمه مادها در جنوب دریاچه ارومیه است.

برجسته‌های مادی را بر پیشانی این گور دخمه‌ها می‌توان دید (شکل ۱۱-۴ الف و ب). این نقش برجسته‌ها بیشتر مفهومی تدفینی داشته‌اند و معمولاً فردی مادی را در حالت نیایش روبروی آتش و یا در حالت به‌دست گرفتن برسم^۱ (ترکه‌های نورسیده گیاهان مقدس) نشان می‌دهد (شکل ۱۲-۴). در مجموع باید اظهار داشت گرچه آثار چندان سالم و پابرجایی از معماری ماد به‌دست نیامده است. اما همین نمونه‌ها مقدمه‌ طرح آتشکده‌ها و کاخ‌ها، با نقشه چلیپایی^۲ و طاق‌های ضریبی^۳ عصر ساسانی هستند که به شاخص‌های معماری ایران تبدیل می‌شوند.



▲ شکل ۱۱-۴ ب- گوردخمه دکان داود، سرپل ذهاب، سده ۷ و ۶ پ.م



▲ شکل ۱۱-۴ الف- گوردخمه فخریگاها، هوسین، کرمانشاه، دوره ماد

نقش‌های باقی‌مانده از آثار مختلف این دوره نشان می‌دهد که پوشاک مادها لباسی شامل نیم‌تنه، پیراهن کوتاه تا زانو با آستین‌ها داشتند و پوست حیوانی مانند گوسفند و یا بز بر شانه چپ خود می‌آویختند. آنها موهای خود را با نواری سرخ می‌بستند و کلاه نم‌دی بلندی به نام تیار بر سر می‌گذاشتند. پوشش‌هایی نرم با نوک برگشته داشتند و خنجر یا شمشیری کوتاه به کمر می‌بستند (شکل ۱۲-۴).

وجود نقش برجسته چنگ نوازان در کوه‌های مال میر بختیاری متعلق به اواخر سده هشتم پ.م یکی از معدود آثار است که رواج موسیقی در دوران آریایی‌ها را نشان می‌دهد. با آنچه ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهم‌ترین عملکرد مادها، جذب هنرهای منطقه و تلفیق آن با میراث فرهنگی خود و تنظیم و انتقال آن به هنر هخامنشی بوده است.

◀ شکل ۱۲-۴- لوح طلایی، دوره ماد، گنجینه جیحون، هزاره اول پ.م



۱- برسم: (Barsam) دسته ترکه‌های چوبی که هنگام انجام مراسم آیینی به کار می‌رفت.

۲- نقشه چلیپایی: (Cruciform) طرح یا نقشه صلیب مانند (حالت + بعلاوه) را نقشه چلیپایی می‌نامند.

۳- طاق ضریبی: اجرا و ساخت طاق بندی با آجر و ملات به شکل دو قوس که در یک نقطه تلافی می‌کنند.

گاه نگار درس چهارم

دوره تاریخی (باستان): ماد
سده هشتم تا ششم پ.م
۵۵۰ - ۸۰۰ پ.م
هنرها: فلزکاری (طلایی، نقره‌ای، مفرغی)، سفالگری و لعاب‌سازی، معماری و شهرسازی (دژ، آرامگاه صخره‌ای)، پوشاک، موسیقی، خط
مناطق: زیویه، همدان (اکباتان، هگمتانه) جیحون، کلاردشت، باباجانی لرستان، نوشی جان تپه ملایر، سرپل ذهاب، بیستون

پرسش

- ۱- نخستین دولت فلات ایران چه نام داشت و چگونه حکومت خود را بنیان گذاشت؟
- ۲- نمونه‌هایی از تأثیرات متقابل هنر مادها با دیگر اقوام ساکن در فلات ایران را ذکر کنید.
- ۳- ویژگی‌های آثار گنجینه زیویه را شرح دهید.
- ۴- مراکز عمده سفالگری عهد ماد کدامند؟ ویژگی آثار این مراکز چیست؟
- ۵- آیا نمونه‌ای دال بر نقاشی عصر ماد در دست داریم؟ توضیح دهید.
- ۶- بناهای شاخص در معماری مادی کدامند؟ ویژگی‌های آنها را بیان کنید.
- ۷- تأثیر معماری مادها بر دوران پس از خود را بیان کنید.
- ۸- مادها از چه نوع پوششی به‌عنوان لباس استفاده می‌کردند؟
- ۹- از هنر موسیقی عصر ماد چه شواهدی در دست داریم؟
- ۱۰- مهم‌ترین عملکرد هنر مادها چه بود؟
- ۱۱- عبارت مناسب و کامل‌کننده جمله زیر را در جای خالی بنویسید.
رواج موسیقی در هنر آریایی را می‌توان در منطقه مشاهده کرد.

هنر و تمدن هخامنشی



- اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :
- ۱- گستره قلمرو دولت هخامنشی را بیان کند.
 - ۲- ویژگی های شاخص هنر هخامنشی را بیان کند.
 - ۳- تأثیرات متقابل هخامنشیان و سرزمین های تحت تسلط آنان را توضیح دهد.
 - ۴- بناهای مهم معماری هخامنشی را بیان کند.
 - ۵- هنر حجاری عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۶- خط و کتیبه نگاری در عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۷- جایگاه پیکرسازی در عصر هخامنشی را تشریح کند.
 - ۸- فلزکاری در عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۹- سفالگری در عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۱۰- بافندگی و نساجی در عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۱۱- نمایش در عصر هخامنشی را توضیح دهد.
 - ۱۲- موسیقی در عصر هخامنشی را توضیح دهد.

هنر و تمدن هخامنشی

پس از دولت ماد، پارس‌ها به قدرت رسیدند. این قوم همزمان با مادها در سده هشتم پ.م در مناطق جنوب و جنوب غربی دریاچه ارومیه حضور داشتند. اما در حدود ۷۰۰ پ.م در مناطق جنوبی دره‌های زاگرس سکونت گزیدند و توانستند توسط هخامنش، نخستین حکومت محلی خود را بنا نهند. آنها گستره قلمرو خود را تا مناطق باستانی خوزستان و فارس گسترش دادند. پارس‌ها بعد از آن بر مادها غلبه یافتند و با گسترش دوباره دولت خود، توسط کوروش یکی از بزرگ‌ترین قلمروهای فرمانروایی دنیای باستان را تحت نام هخامنشیان پایه‌گذاری کردند.

بر اساس سنگ نبشته‌های بیستون (کرمانشاه)، نقش رستم (فارس) و تخت جمشید (فارس)، سرزمین‌های زیر پرچم این دولت شامل: ماد، ایلام، پارت، بابل، آشور، لیدیه (ارمنستان و ترکیه کنونی)، فنیقیه (سوریه و لبنان کنونی)، مصر، حبشه، لیبی، ارمنستان، جزایر یونانی نشین کرانه‌های دریای سیاه، مدیترانه و اژه، بلخ، کابل، هند، سکائیه و خوارزم و عربستان می‌شد.

آنچه ویژگی کلی هنر هخامنشی را در بر می‌گیرد، توجه به معماری متقارن و عظمت‌گرایی در آن، گرایش به نقش و نگاره‌های جانوری، توجه و احترام به شخصیت والای انسانی است. آنها توانستند با تلفیق عناصر بومی و عناصر ملل وابسته و با به‌کارگیری مصالح و اندازه‌های مناسب، نگرشی آرمانی، عظمت‌گرا و بدون خشونت را به تحقق رسانند. هنر هخامنشی با به‌کارگیری همزمان شیوه‌های طبیعت‌گرایی (در ترسیم گل و گیاه و جانور) و تجریدگرایی^۱ (پرنده‌گان خیالی و مظاهر مقدس^۲) به نوعی صراحت، سادگی، ظرافت، دقت و تعادل در بیان هنری خود دست یافته که منطبق بر آن حکمفرما بود. گستره وسیع قلمرو هخامنشی زمینه‌تأثیر و تعامل هنری میان ایران و سرزمین‌های تابعه را پدید آورد. هنرمندان هخامنشی با تأکید بر دستاوردهای بومی، ایجاد وحدت و هماهنگی میان همه این هنرها، نوعی هنر فاخر، متناسب با ذوق ایرانی را پدید آوردند که از هویتی ملی برخوردار بود. سهم ایرانی در شکل‌گیری هنر هخامنشی را بایستی در ترکیب کردن، ظرافت بخشیدن، تناسب دادن و عظمت بخشیدن به مجموعه این هنرها دانست.

با نگاهی به تاریخ هنر ایران شاید بتوان گفت عالی‌ترین تجلی هنری به معنی حقیقی در معماری بیان شده است. مهم‌ترین بناهای این دوره را کاخ‌های عظیم و باشکوه تشکیل داده است و از معابد در آن اثری نیست. زیرا هخامنشیان در مکان‌های بلند و زیر سقف آسمان به عبادت می‌پرداختند و ساخت معابد با باور آنها هماهنگ نبوده است. از اولین آثار معماری این عهد می‌توان به مجموعه پاسارگاد (اولین پایتخت هخامنشی) و کاخ آپادانا در شوش (دومین پایتخت هخامنشی) اشاره کرد (شکل ۱-۵). مجموعه پاسارگاد شامل دژ دفاعی، باغی بزرگ، کاخ کوروش، کاخ مسکونی، دروازه‌ایی که گمان می‌رود دو گاو بالدار آن را محافظت می‌کرده و مقبره کوروش، بوده است (شکل ۲-۵). مقبره کوروش که از نمونه‌های پابرجای این مجموعه است؛ ساختمانی چند پله شبیه معبد

۱- تجریدگرایی: (انتزاع‌گرایی) Abstractionism نوعی اجرای هنری بدون تقلید از طبیعت و دنیای واقعی را گویند.

۲- مظاهر مقدس: به مجموعه‌ای از علائم و آثاری گفته می‌شود که جنبه مقدس دارد.



شکل ۱-۵-الف - کاخ آپادانای (کنونی)



شکل ۱-۵-ب - کاخ آپادانا، شوش، دوره هخامنشی (طرح بازسازی شده)



شکل ۲-۵-الف - محوطه تاریخی پاسارگاد



▲ شکل ۲-۵-ب - محوطه تاریخی پاسارگاد، دوره هخامنشی (طرح بازسازی شده)

چغازنبیل است که سقفی شیب‌دار دارد (شکل ۳-۵). اما باید اشاره کرد که مهم‌ترین معماری عصر هخامنشی، بنای تخت جمشید یا پارسه است. این بنا در دامنه کوه رحمت و مشرف بر جلگه وسیع مروودشت در فارس ساخته شده و به نظر می‌رسد کاخی تشریفاتی برای اجرای مراسم آئینی و جشن‌های این عهد بوده است. بنای تخت جمشید شامل کاخ‌ها و تالارهای ستون‌دار و بناهای متعدد بر صفا‌ای بلند است. ورودی آنرا پلکان‌های وسیعی می‌سازد که شمار آنها در هر طرف به ۱۱۰ عدد می‌رسد. این پلکان‌ها، تزئیناتی شامل سه ردیف سربازان پارسی و مادی، سربازان جاویدان و نمایندگان ۲۸ ملل تابعه در حال ارائه هدایا می‌باشند.



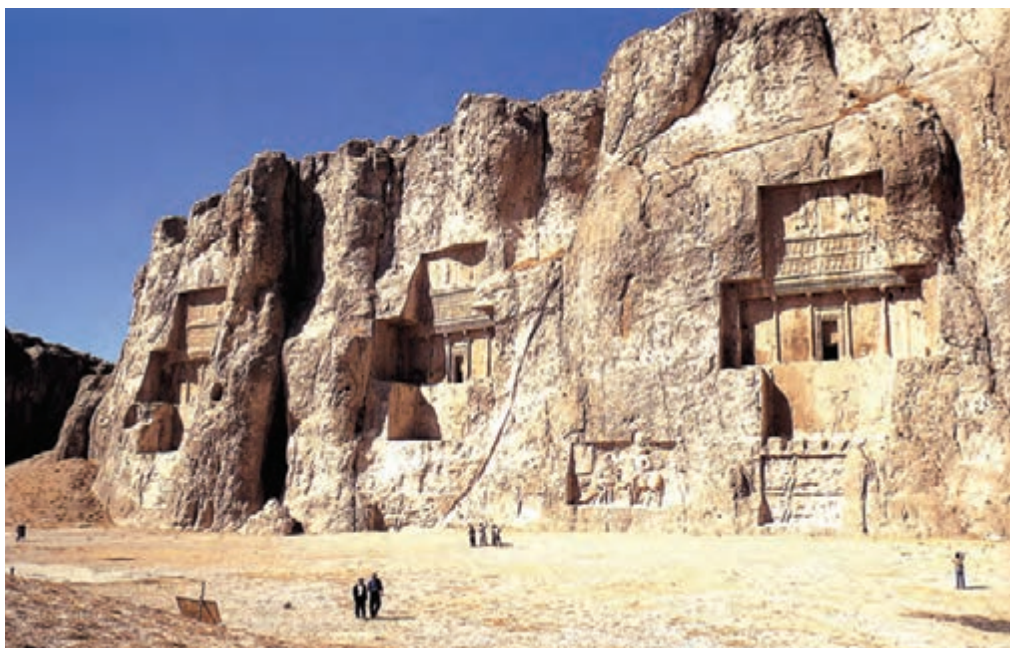
▲ شکل ۳-۵ - مقبره کوروش، پاسارگاد، دوره هخامنشی، سده ۵ پ.م



بناهای موجود در این مجموعه شامل کاخ آپادانا، دروازه و تالار خشایارشا، کاخ داریوش (تجر^۱) یا تالار آئینه، کاخ اردشیر، تالار ورودی، تالار دو دروازه، تالار شورا و تالار هدیش^۲ است (شکل ۴-۵). افزون بر این‌ها یکی از نمونه‌های معماری این عهد یعنی آرامگاه صخره‌ای نقش رستم در نزدیکی این مجموعه است که آرامگاه‌های داریوش اول، خشایارشا و اردشیر در آن قرار دارد (شکل ۵-۵).



▲ شکل ۴-۵ - محوطه تاریخی تخت جمشید

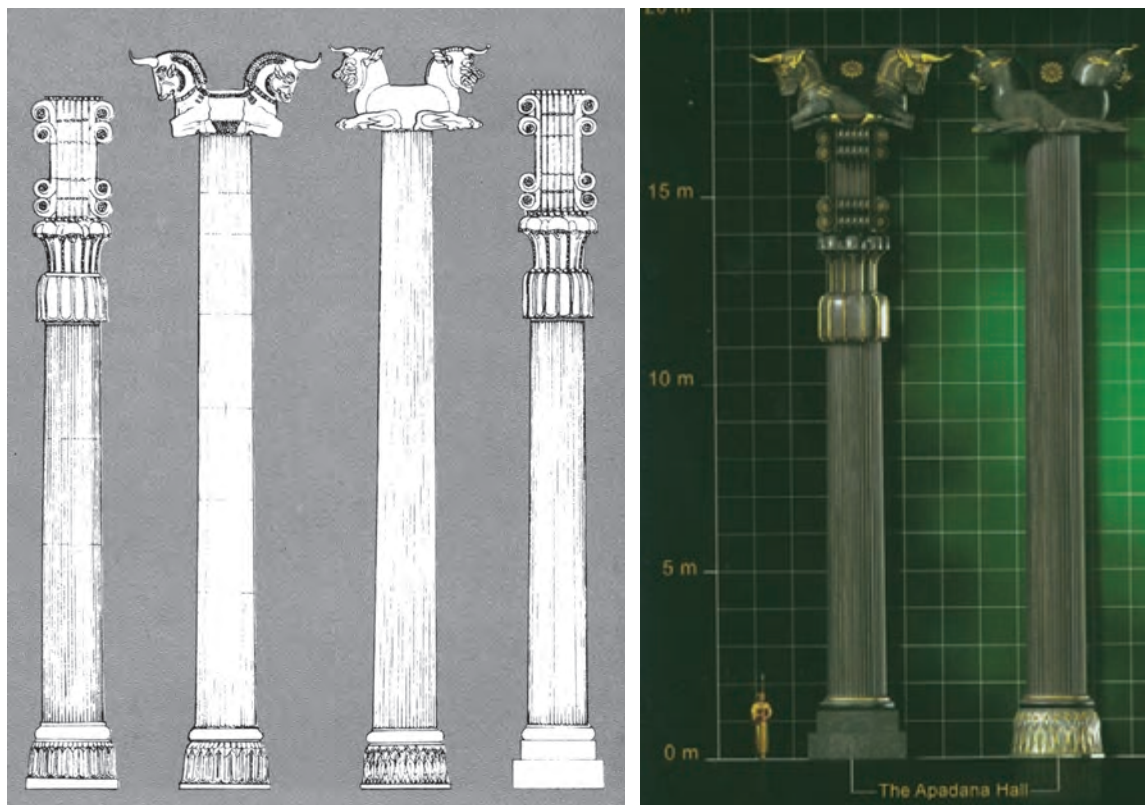


شکل ۵-۵ - نقش رستم، فارس، دوره هخامنشی (از راست به چپ مقبره داریوش اول، خشایارشا و اردشیر) ◀

۱- تجر: به معنای کاخ زمستانی، نام کاخ داریوش در مجموعه پارسه (تخت جمشید) است.

۲- هدیش (هَدش): نام کاخ کوچک خشایارشا در مجموعه پارسه (تخت جمشید) می‌باشد.

ویژگی شاخص معماری هخامنشی در مقایسه با دیگر تمدن‌ها و سرزمین‌های همجوار، کاربرد ستون است. این ستون‌ها که با ارتفاع و تعداد زیاد در کاخ‌های پارسه نیز به کار رفته بود دارای سرستون‌هایی به شکل نیم‌تنه‌های متقارن با پاهای جمع شده از حیوانات پشت کرده به یکدیگر است. نمونه مشابه آن‌را در نقوش جام‌های زیویه نیز می‌توان مشاهده کرد. همه نمونه‌های سرستون در تخت جمشید را می‌توان به چهار نوع ۱- گاو، ۲- شیر، ۳- حیوانات تلفیقی و ۴- لاماسو^۱ (گاو بالدار با سر انسان) تقسیم کرد (شکل ۶-۵).



▲ شکل ۶-۵- طرح سرستون‌های دوره هخامنشی

در تزیینات این کاخ‌ها عنصر رنگ نقش مهمی داشته به گونه‌ای که ستون‌ها، سقف‌ها و نقوش برجسته بر روی دیوارها رنگ می‌شدند و حتی در برخی جاها به عنوان تزئین از روکش‌هایی از جنس مفرغ، طلا و لاجورد استفاده می‌کردند (شکل ۷-۵). اهمیت آن که هخامنشیان برای تزیینات قائل بودند باعث رشد و شکوفایی هنر حجاری و نقش برجسته شد. نمونه برجسته آن، حجاری دیوار پلکان منتهی به کاخ آپادانا (پلکان شرقی) به طول ۹۳ متر است. این اثر صحنه حمله شیر به گاو را نشان می‌دهد که آن‌را نمادی از اعتدال شب و روز یا گردش فصول و یا پیروزی دانسته‌اند (شکل ۸-۵). جلوه دیگر حجاری هخامنشی در نمایش حرکات و شیوه قرار گرفتن انسان‌هاست که همچون عباراتی منظوم و موزون جلوه می‌کنند. نظمی تکرار شده در پیکره‌ها که نسبت به نقش

۱- لاماسو (Lamasu): پیکره‌های گول‌آسای سنگی بر دروازه ورودی (کاخ خنساپارشا) با سر انسان، بدن گاو و دارای بال را گویند.

حیوانات از تحرک کمتری برخوردارند و به شیوه معمول آن دوره به حالت نیمرخ حجاری شده‌اند (شکل ۹-۵).



▶ شکل ۷-۵- نمای درونی کاخ آپادانای هخامنشیان (طرح بازسازی شده)



▶ شکل ۸-۵- نقش برجسته، تخت جمشید، سده ۵ پ. م.



▲ شکل ۹-۵- نقش برجسته سربازها، تخت جمشید، سده ۵ پ. م

از دیگر نمونه‌های شاخص حجاری در این عصر که شاید اولین نمونه‌ی این عهد نیز باشد، پایه ستون سنگی باقی‌مانده در مجموعه پاسارگاد است. بر روی این پایه ستون نقش برجسته‌ای به شکل انسان بالدار (چهار بال) در لباسی ایلامی و با تاجی شاخ‌مانند (دو شاخ) حجاری شده است. کتیبه‌ی بالای آن هویت این شخصیت را کوروش هخامنشی معرفی می‌کند (شکل ۱۰-۵).

وجود کتیبه‌های میخی به سه زبان پارسی باستان، ایلامی و بابلی در گنج‌نامه عباس آباد همدان (شکل ۱۱-۵) و نقش برجسته بیستون در کرمانشاه (شکل ۱۲-۵) از جلوه‌های توجه به خط و نوشتار در فرهنگ هخامنشی است. خط میخی پارسی خطی زیبا، ساده و شیوا و شامل ۴۲ حرف می‌باشد.



▶ شکل ۱۰-۵- نقش برجسته، فرشته بالدار، پاسارگاد، دوره هخامنشی



▲ شکل ۱۱-۵- کتیبه خطی، گنج نامه، عباس آباد همدان، دوره هخامنشی



▲ شکل ۱۲-۵- نقش برجسته سنگی، بیستون، کرمانشاه، دوره هخامنشی

توجه زیاد به تزئین بخش‌های خارجی بناها در این عصر موجب شد که به پیکره‌سازی کمتر توجه شود. اما با این وجود تعداد معدودی پیکره به دست آمده که از این میان می‌توان به پیکره سگ یا شیر ساخته شده از مرمر سیاه (شکل ۱۳-۵) و سردیس‌هایی از یکی از بزرگان هخامنشی اشاره کرد (شکل ۱۴-۵).



▲ شکل ۱۴-۵- سردیس شاهزاده هخامنشی، تخت جمشید، دوره هخامنشی



▲ شکل ۱۳-۵- پیکره شیرسنگی، دوره هخامنشی

از دیگر صنایع و هنرهای عصر هخامنشی ساخت مهر و حکاکی است که بیشتر بر روی سنگ‌های قیمتی اجرا شده‌اند. این مهرها از نظر هنری دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در ترکیب‌بندی، ظرافت و مفهوم‌گرایی است. مهرهای این عهد به سه گونه استوانه‌ای، مسطح و حلقه‌ای (انگشتی) ساخته می‌شدند (شکل ۱۵-۵).



ب



الف

▲ شکل ۱۵-۵- مهر استوانه‌ای و طرح آن، دوره هخامنشی

در فلزکاری‌های این عهد باید به نمونه‌های شاخصی به نام جام‌های شاخی (تکوک^۱) اشاره کرد که از جنس طلا و ترکیبی از نقوش جانوری ساخته می‌شدند (شکل ۱۶-۵).

۱- تکوک (جام شاخی): (Rhyton) ظروف و جامی به شکل شاخ و یا سرو شاخ جانوران را تکوک می‌نامند.



▲ شکل ۱۶-۵- جام جانوری (تکوک) طلایی، دوره هخامنشی

نمونه‌های دیگر شامل سکه‌هایی از جنس طلا با نام‌های «دریک^۱» و «سیکِل» یا «شِکِل» (شکل ۱۷-۵) و همچنین اشیایی از جنس مفرغ و نقره بود که با شیوه و تزئیناتی خاص ساخته می‌شد. بز بالدار نقره‌ای با تزئینات طلایی از نمونه‌های ویژه این دوران است (شکل ۱۸-۵).

در این دوره علاوه بر تداوم سنت‌های سفالگری، ساخت ظروف ساده با تزئینات خطی کنده‌کاری، ظروفی به شکل ساغرهای جانورسان همانند ظروف فلزی (تکوک) متداول شد. معتبرترین سفالینه‌های این عهد از مناطق فارس، خوزستان و همدان به دست آمده است.



▲ شکل ۱۸-۵- ظرف فلزی با دسته، دوره هخامنشی، سده ۵ و ۶ پ.م



▲ شکل ۱۷-۵- سکه، دوره هخامنشی

۱- دریک (سیکل، سیکل): واحد پول (سکه‌های طلایی) در دوره هخامنشی است.

استفاده از لعاب برای پوشش و تزئین ظروف سفالی و آجرها در این دوره متداول بوده است. از این میان آجرهای لعابدار کاخ‌ها شامل نقوش انسانی و حیوانی می‌شد که به جزئیاتی چون جنس و نقش لباس‌ها در آن توجه شده است (شکل ۱۹-۵).

هنر و صنعت بافندگی در عصر هخامنشی توسعه و رونق بسیاری داشته و منسوجات این دوره سرمایه تجارتهی ارزشمندی در تبادلات اقتصادی هخامنشیان با همسایگان بوده است. دلیل این ادعا وجود بافته‌ها و اشیاء هنری این عصر در نواحی مختلف است. از جمله این آثار قدیمی‌ترین قالی جهان موسوم به قالی بازیگر در سرزمین آلتایی سیبری است (شکل ۲۰-۵) که نمود هنر هخامنشی در آن آشکار است. همچنین در منابع تاریخی آمده که کاخ‌های هخامنشی با پرده‌های زیبا و رنگارنگ مزین می‌شده است.



▲ شکل ۱۹-۵- آجر لعابدار، کاخ آپادانا، شوش، دوره هخامنشی



▲ شکل ۲۰-۵- قالی، بازیگر، جنوب سیبری، دوره هخامنشی

گستره فرهنگ هخامنشی به دلیل وجود نگرش‌های آیینی و مذهبی توانست زمینه‌های پیدایش و تکامل نمایش را ایجاد کند. در این نمایش‌ها، رنگ کردن بدن، استفاده از صورتک‌ها و پوشیدن لباس‌های مبدل معمول بود. از اسناد تاریخی چنین برمی‌آید که در همدان و کرمان تماشاخانه‌هایی در این دوره وجود داشته است. همچنین در میان سپاهیان به هنگام جشن‌ها و حمله‌های نظامی سرودهای خاصی خوانده می‌شد و نوعی موسیقی ویژه جنگ رایج بود. این موسیقی با بوق، شیپور و طبل نواخته می‌شد و با سرودهایی همراه بود. افزون بر این نوعی موسیقی مذهبی در هنگام عبادت در سرودها و مناجات نیز در این دوره اجرا می‌شده است.

در انتها باید اشاره کرد که گستره فرهنگی هخامنشی در طول دوران شکل‌گیری، اوج و افول آن تا به امروز، تجلی‌گاه میراث شکوهمندی است که مایه افتخار و اوج‌گیری فرهنگ ایرانی بوده و هست. هنر این دوره همواره الگویی بود که در دوره‌های بعد از هخامنشی از آن تبعیت گردیده و با وجود سقوط این فرمانروایی گسترده میراث فرهنگی و هنری آنان پایدار ماند.

گاه‌نگار درس پنجم

دوره تاریخی (باستان): هخامنشی
سده ششم تا چهارم پ.م
۳۳۱-۵۵۰ پ.م
هنرها: معماری (کاخ‌سازی و آرامگاه‌سازی)، حجاری (ستون‌سازی، نقش برجسته، کتیبه‌نگاری و پیکره‌سازی)، مهرسازی، فلزکاری، ضرب سکه، آجر لعاب‌دار، بافندگی، موسیقی
مناطق: بیستون، نقش رستم، تخت جمشید (پارسه)، پاسارگاد، شوش، همدان و ...

پرسش

- ۱- گستره قلمرو دولت هخامنشی را بیان کنید.
- ۲- ویژگی‌های شاخص هنر هخامنشی را بیان کنید.
- ۳- سهم ایرانی در شکل‌گیری هنر هخامنشی چه بود؟
- ۴- عالی‌ترین تجلی هنر در گستره وسیع تاریخ هنر ایران در چه قالبی ظهور یافته است؟
- ۵- آیا از دوران هخامنشی آثاری از ساخت معابد می‌توان دید؟ توضیح دهید.
- ۶- مهم‌ترین بناهای معماری عصر هخامنشی کدام‌اند؟ مثال بزنید.
- ۷- ویژگی شاخص معماری هخامنشی چیست؟ انواع آن را معرفی کنید.

- ۸- ویژگی‌های بنای پارسه را توضیح دهید.
- ۹- رشد حجاری و نقش برجسته در عصر هخامنشی به چه دلیل بود؟
- ۱۰- ویژگی‌های نقش برجسته پلکان شرقی کاخ آپادانا را توضیح دهید.
- ۱۱- جلوه‌های توجه به خط و نوشتار در فرهنگ هخامنشی را با ذکر مثال بیان کنید.

- ۱۲- نمونه‌های شاخص در فلزکاری عصر هخامنشی کدامند؟
- ۱۳- سفالگری عصر هخامنشی را توضیح دهید.
- ۱۴- مصادیق بارز هنر نساجی و بافندگی عصر هخامنشی را ذکر کنید.
- ۱۵- هنر نمایش در عصر هخامنشی در چه وضعیتی قرار داشت؟
- ۱۶- مصادیق وجود موسیقی در عصر هخامنشی را بیان کنید.
- ۱۷- با توجه به تصویر گزینه مناسب برای جای خالی در جمله را انتخاب کنید.

جام شاخی (تکوک) مربوط به دوره می باشد.



- الف) هخامنشی
ب) اشکانی
ج) ساسانی
د) ماد

۱۸- مهرهای رایج در دوره هخامنشی به چه اشکالی رایج بوده است؟

- الف) حلقه‌ای
ب) مسطح
ج) استوانه‌ای
د) هر سه مورد

هنر و تمدن اشکانی



- اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :
- ۱- ظهور دولت اشکانی را توضیح دهد.
 - ۲- مشخصات خط و زبان در عصر اشکانی را بیان کند.
 - ۳- دوره‌های هنری در عصر اشکانی را توضیح دهد.
 - ۴- بنیادهای شرقی هنر عصر اشکانی را بیان کند.
 - ۵- میراث هنری و مهم‌ترین دستاوردهای هنری دوره اشکانی را بیان کند.
 - ۶- معماری در عصر اشکانی را توضیح دهد.
 - ۷- آثار مهم فلزکاری در عصر اشکانی را شرح دهد.
 - ۸- نمودهای سفالگری در عصر اشکانی را توضیح دهد.
 - ۹- نقاشی دیواری در عهد اشکانی را توضیح دهد.
 - ۱۰- شواهد وجود نمایش در عهد اشکانی را توضیح دهد.
 - ۱۱- شواهد وجود موسیقی در عصر اشکانی را بیان کند.

هنر و تمدن اشکانی

در دوره‌ای از تاریخ این سرزمین یعنی در حدود سده سوم پ.م، دوران افول و تشکیل دولت‌های محلی با گرایش‌های یونانی سپری شد. پارت‌ها که از اقوام آریایی ساکن در شمال شرقی ایران بودند با تکیه بر روحیه جنگجویی و شجاعت خود و نیز مهارتشان در سوارکاری و تیراندازی به تدریج بر مناطق هم‌جوار خود حاکم شدند. آنها حکومت خود را تثبیت کردند و یکی از بزرگ‌ترین قلمروهای فرمانروایی جهان را به مدت ۵۰۰ سال تحت نام اولین حاکم اشکانی اداره کردند. آنان به دلیل متصرفات گسترده‌شان سه پایتخت داشتند که به ترتیب شامل نِیسا^۱ (در عشق‌آباد ترکمنستان)، صد دروازه یا (قُوس^۲) (در جنوب دامغان) و تیسفون (در عراق) می‌شد. زبان رایج آنان پهلوی اشکانی بود اما برای تجارت و روابط سیاسی از زبان یونانی استفاده می‌کردند. این امر خود از یک سو موجب تثبیت حکومت اشکانیان می‌شد و از جهت دیگر باعث نفوذ آیین مهرپرستی در تمدن یونان و روم گردید. اشکانیان به توسعه راه‌های قلمرو خود و امنیت و تجارت در این مناطق همت گماشتند. پس از اقتدار کامل در حدود سیصد سال در حفظ سنت‌های ایران تلاش کردند. از حدود نیم سده اول میلادی، در رسم الخط ایرانی، زبان پهلوی را جایگزین حروف یونانی کردند. این زمان نفوذ گرایش‌های یونانی که اشکانیان به دلیل ملاحظات سیاسی با آن تعارضی نداشتند، به تدریج در منطقه روبه زوال رفت. در نیمه دوم سده دوم میلادی تجارت جاده ابریشم در قلمرو وسیع اشکانی رونق یافت که این امر موجب تقویت تبادلات هنری و تعامل هنر به‌ویژه در مسیر جاده ابریشم گردید. از مهم‌ترین شهرهای اشکانی می‌توان به شیز (تخت سلیمان)، داراب‌گرد، فیروزآباد، هاترا^۳ در میان رودان شمالی و نِیسا اشاره کرد.

اشکانیان به دلیل برخورداری از روحیه‌ای نظامی، تأکید زیادی بر هنر نداشتند. اما با کاوش‌های به‌عمل آمده از نِیسا و دورا اروپوس^۴ (سوریه در کنار رود فرات) آثار مهمی از اشکانیان به‌دست آمده که پژوهشگران آنها را به سه گروه مشخص تقسیم می‌کنند:

اول آنهایی که از آثار پیشین شرقی، ایرانی و یونانی اقتباس و تقلید شده‌اند.

دوم - هنر اشکانی که اوج هنر تلفیقی عناصر پیشین با ویژگی فرهنگی و هنری در سده اول پ.م و بعد از آن به‌شمار می‌رود.

سوم - هنر دوره انحطاط که شامل آثار سده دوم میلادی تا پایان عهد اشکانی هستند. هرچند که این حکومت طولانی‌ترین دوران حکومتی ایران را تشکیل می‌دهد اما آثار پراکنده و شاید کشف نشده‌ای این عصر موجب شده تا تصویر درستی از هنر این دوره نداشته باشیم. از همین آثار اندک می‌توان میراث هنری اشکانیان شامل گردش نرم و آزاد خطوط و نقش‌های تخیلی را

۱- نِیسا: (Nisa) نخستین پایتخت اشکانی (نزدیک عشق‌آباد کنونی در ترکمنستان) است.

۲- قوس (کوس): (صد دروازه) ناحیه مرکزی باستانی در استان سمنان را گویند.

۳- هاترا: (Hatra) (الحضر) شهری در بخش شمالی میان رودان (بین‌النهرین) می‌باشد.

۴- دورا اروپوس: (Dura - Europos) شهری در سوریه نزدیک فرات که در سال ۲۸۰ پ.م بنا شد و در سده اول میلادی به

صرف اشکانیان درآمد.

مشاهده کرد. ویژگی‌هایی که پایه‌های هنر عالی دوره ساسانی را بنا نهادند و همچنان در هنر ایران جاری هستند.

برخلاف آنچه که برخی هنر اشکانی را الهام گرفته از هنر یونانی می‌دانند؛ هنر اشکانی ریشه در هنر مشرق زمین دارد. چرا که طرح‌ها و مایه‌های آئینی و روحانی، علاقه به ظرافت و ریزه‌کاری و پرداختن به جزئیات و تزئین و شیوه نمایش روبه‌رو نگاری که از ویژگی‌های هنر اشکانی است، منبع شرقی دارد. افزون بر این، موضوعات رایج در آثار هنری این دوره از جمله پیکره‌های انسانی، تقدیم نذورات، مراسم جشن، شکار، قربانی و سوارکاری دلیل دیگری بر این مدعا است (شکل ۱-۶).

مهم‌ترین دستاورد هنر اشکانی را می‌توان معماری و شهرسازی به‌ویژه شهرسازی دایره‌ای و ابداع ایوان، گنبد، قوس و طاق گهواره‌ای به‌شمار آورد. در این دوره تالارهای ستون‌دار عصر هخامنشی اهمیت خود را از دست می‌دهند و به‌منظور دستیابی به فضاهایی بزرگ، در ایوان‌ها ستون‌ها به‌صورت تزئینی (شبه ستون) به‌کار می‌روند و کاربرد اصلی خود را از دست می‌دهند. حیاط‌های باز مرکزی و ایوان‌های کم‌عرض از ویژگی بناهای این دوره است که بعدها الگوی ساخت بناهای چهار ایوانی عصر اسلامی قرار می‌گیرند. بناهای دوره اشکانی بیشتر در نمای بیرونی با روش یونانی آراسته می‌شد اما در بخش داخلی شیوه‌ای شرقی و ایرانی داشت و این نکته ماهیتی تلفیقی به معماری این آثار می‌داد (شکل ۲-۶).

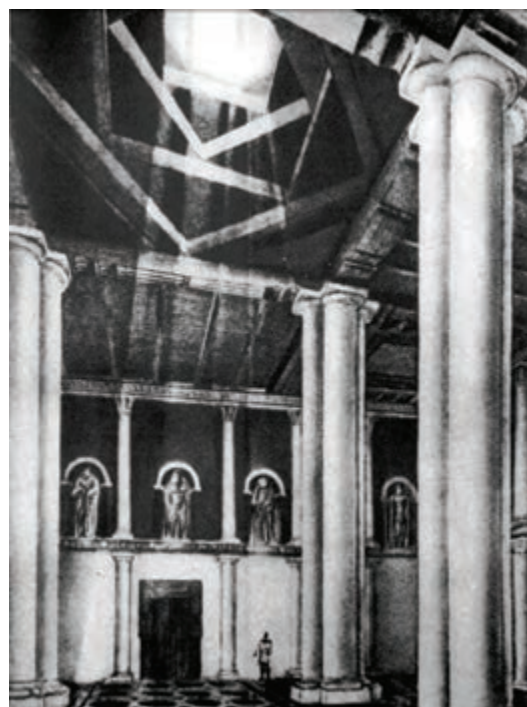
علاوه بر کاخ‌هایی مانند کاخ نیسا، و کاخ و عمارت کوه خواجه، از دیگر بناهای این عصر می‌توان به معبد خورشید در هاترا اشاره کرد (شکل ۳-۶).



▲ شکل ۱-۶- نقش برجسته فلزی، طرح اسب سوار، دوره اشکانی



▲ شکل ۳-۶- کاخ اشکانی، هاترا (الحضر)، عراق، سده دوم میلادی



▲ شکل ۲-۶- طرح نمای کاخ نیسا، عشق‌آباد، سده ۲-۳ پ.م

تزئینات بناهای اشکانی شامل نقش برجسته و حجاری، گچ‌بری و نقاشی بوده که از این میان می‌توان به نقوش برجسته تنگ سروک (شکل ۶-۴)، گچ‌بری‌ها و نقاشی‌های کوه خواجه (شکل ۶-۵) و حجاری و مجسمه‌سازی پالمیر (شکل ۶-۶)، اشاره کرد.



▲ شکل ۶-۴- نقش برجسته، تنگ سروک، نزدیک بهبهان، حدود سال ۲۰۰ میلادی



▲ شکل ۶-۶- نقش برجسته، پالمیر، سوریه، مقبره زیرزمینی، ۲۲۰ میلادی



▲ شکل ۶-۵- نقاشی دیواری، کوه خواجه، سیستان، دوره اشکانی

ظروف فلزی عصر اشکانی نیز با شیوه‌ای تلفیقی ساخته شده به گونه‌ای که شکل جام‌ها و ساغر‌ها از تکوک‌های هخامنشی تقلید شده اما تزئینات آنها به شیوه یونانی بوده و با عناصر هنر اشکانی کامل شده است (شکل ۶-۷). همچنین فنون فلزکاری عصر اشکانی در ابعادی گسترده‌تر را می‌توان در ساخت پیکره‌های مفرغی که همزمان با پیکره‌های سنگی رواج داشته ملاحظه کرد (شکل ۶-۸).



▲ شکل ۸-۶- پیکره مفرغی، منطقه شمی، خوزستان، سده ۲ میلادی



▲ شکل ۷-۶- جام عاجی، نسای باستانی (عشق آباد)، سده ۲ پ.م

این پیکره‌ها نشان از توانایی فن ریخته‌گری و مهارت هنرمندان مفرغ کار اشکانی دارد و دقت بالای آنها در واقع‌نمایی در چهره و پوشاک را نشان می‌دهد. یکی از عوامل رشد فلزکاری در این عصر ضرب سکه و نیاز به جواهرات و تزئینات لباس بود که مهارت خاصی در ساخت آنها به کار می‌رفت (شکل ۹-۶ الف و ب).



▲ شکل ۹-۶- ب- جواهرات، هنر اشکانی



▲ شکل ۹-۶- الف- سکه اشکانی

سفالینه‌های اشکانی به دلیل کاربرد روزمره و استفاده مردم عادی کمتر جنبه هنری داشت. مهم‌ترین آثار سفالگری این عهد تابوت‌های سفالینی است که با تصاویر و نقوش مختلف خطی

کنده کاری، تزئین و سپس با لعاب پوشش یافته است (شکل ۱۰-۶).



▲ شکل ۱۰-۶- تابوت سفالین، دوره اشکانی

دوره اشکانی تجلی نقاشی دیواری است که توانست نقش مهمی در تزئینات معماری این عهد ایفا کند. مهم‌ترین مراکز این هنر کوه خواجه در سیستان و منطقه دوراوپوس در سوریه کنونی بوده‌اند. این نقاشی‌ها دارای طرح‌هایی ساده و تزئینی، نقش گیاهان، جانوران و انسان همراه با حرکت‌های آزاد را دربر می‌گیرد. این طرح‌ها با استفاده از رنگ‌های تخت و خطوط کناره‌های سیاه (قلم‌گیری) و نقوش خاص ایرانی چون گل نیلوفر، برگ کنگر، نقش نخلچه و ... اجرا شده‌اند. اشکانیان علاقه خاصی به نمایش و موسیقی از خود نشان می‌دادند به گونه‌ای که حتی تراژدی‌های اورپید^۲ (نمایشنامه‌نویس یونانی) در تیسفون اجرا می‌شده است. در کاخ هاترا نقاب‌های نمایشی همراه با نقوش تزئینی به دست آمده که هر یک از آنها نمایشگر شخصیت‌های نمایشی آن روزگار بوده‌اند (شکل ۱۱-۶). در این عصر همچنین ادبیات حماسی و پهلوانی رشد کرد که معروف‌ترین اثر به یادگار مانده از آن کتاب «خدای نامه» است که بعدها مایه اصلی شاهنامه فردوسی گردید.

علاقه به نظامی‌گری یکی از دلایل علاقه اشکانیان به موسیقی بود. آنان برای برانگیختن سربازان در میدان جنگ از سازهایی شبیه شیپور، کرنا، سنج‌های برنجی و دهل‌های چرمی که گرداگرد آن را زنگوله‌هایی آویخته بودند استفاده می‌کردند. آنها به غیر از مراسم جنگ در جشن‌ها و مجالس سازهای بادی به همراه نی و سنتور می‌نواختند و نوازندگان و خوانندگان آنها به «گوسان»^۳ معروف بوده‌اند.

هنر اشکانی میراثی است که همراه با دیگر جنبه‌های فرهنگی این عصر به دوره‌های بعد به‌ویژه ساسانیان انتقال یافت و توانست با شکوه و عظمت هنر ساسانی فراگیرتر شود. لازم به ذکر است هنر اشکانی علاوه بر عصر ساسانی بر هنر هند و بیزانس نیز تأثیر مستقیم داشته و توسط آنها ادامه یافت.



▲ شکل ۱۱-۶- پیکره سنگی، الحضر (هاترا)، عراق، سده ۲ میلادی

- ۱- تراژدی : (Tragedy) نوعی نمایش و گونه ادبی به شکل غم‌نامه که بار عاطفی فراوان دارد.
- ۲- اورپید : (Oripid) نام نمایشنامه‌نویس یونانی در دوره کلاسیک است.
- ۳- گوسان : (Gwsan) kusan واژه‌ای اشکانی - سامانی به معنای موسیقی‌دان یا خنیاگر است.

گاه نگار درس ششم

دوره تاریخی (باستان): اشکانی
سده سوم پ.م تا سده سوم میلادی
۲۲۴ م - ۲۳۸ پ.م
هنرها: معماری و شهرسازی، گنبدسازی، تزیینات معماری (حجاری، گچ‌بری، نقاشی) پیکره‌سازی، فلزکاری، ضرب سکه، جواهرسازی، ظروف عاجی، سفالگری، تابوت‌سازی، پوشاک، نمایش، موسیقی، ادبیات حماسی، خط پهلوی
مناطق: شیز (تخت سلیمان)، دارابگرد، فیروزآباد، هاترا (الحضر) نيسا، کوه خواجه (سیستان)، شمی، تنگ سروک، پالمیر

پرسش

- ۱- بعد از دوران افول چگونه حکومت ایران به دست اقوام آریایی افتاد؟
- ۲- پایتخت‌های اشکانیان را نام ببرید.
- ۳- خط و زبان‌های رایج در عصر اشکانی را نام برده و بازتاب آن بر جامعه آن عصر را توضیح دهید.
- ۴- تأثیر جاده ابریشم بر هنر اشکانی را توضیح دهید.
- ۵- هنر دوره اشکانی را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد؟ توضیح دهید.
- ۶- ویژگی‌های کلی میراث هنری اشکانیان را بیان کنید.
- ۷- ریشه‌های هنر اشکانی را در کجا باید جستجو کرد؟ توضیح دهید.
- ۸- مهم‌ترین دستاوردهای هنری عصر اشکانی را بیان کنید.
- ۹- شاخص‌های معماری در عصر اشکانی را توضیح دهید.
- ۱۰- آثار به‌جا مانده از فلزکاری عصر اشکانی را بیان کنید.
- ۱۱- انواع سفالینه‌های رایج در عصر اشکانی را توضیح دهید.
- ۱۲- جایگاه نقاشی دیواری در عصر اشکانی را بیان کرده و نمونه‌هایی از آن ذکر کنید.
- ۱۳- وضعیت نمایش در عهد اشکانی را شرح دهید.
- ۱۴- موسیقی در عهد اشکانی چه کاربردهایی داشت و سازهای رایج در آن چه بودند؟

۱۵- این کتاب بعدها مایه اصلی شاهنامه قرار گرفت.

الف) بوستان سعدی ب) خدای نامه

ج) ورقه و گلشاه د) هیچ کدام

۱۶- عبارات و کلمات مرتبط با یکدیگر را با خطی به یکدیگر وصل کنید :

تنگ سروک

برجسته کاری

مجسمه پالمیر

رشد ادبیات حماسی و پهلوانی

گوسان

پیکرتراشی

خدای نامه

نوازندگان و خوانندگان

هنر و تمدن ساسانی



اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- چگونگی ظهور و سقوط دولت ساسانی را بیان کند.
- ۲- ویژگی و ماهیت هنر ساسانی را تشریح کند.
- ۳- معماری در عصر ساسانی را توضیح دهد.
- ۴- حجاری و پیکرتراشی در عصر ساسانی را توضیح دهد.
- ۵- بارزترین نموده‌های نقاشی در عصر ساسانی را توضیح دهد.
- ۶- ویژگی پارچه‌های عصر ساسانی را شرح دهد.
- ۷- معروف‌ترین قالی ایرانی در عصر ساسانی را نام ببرد.
- ۸- وضعیت سفالگری در عصر ساسانی را توضیح دهد.
- ۹- نمونه‌های مهم فلزکاری در عصر ساسانی را شرح دهد.
- ۱۰- شاخص‌های موسیقی در عهد ساسانی را توضیح دهد.
- ۱۱- ویژگی‌های هنر نمایش در عصر ساسانی را بیان کند.
- ۱۲- شاخص‌های ادبیات در عصر ساسانی را بیان کند.

هنر و تمدن ساسانی

در سده سوم میلادی گروهی از طوایف ایرانی که در منطقه فارس می‌زیستند، توانستند قدرت سیاسی و مذهبی ایران را به دست آورده و دولت مستقلی بنا نهند. اساس تفکر آنان بر اصالت فرهنگی و هنری گذشته استوار بود و تأکید بر احیای مجدد آن داشتند. آنان به مدد آئین زرتشت و فرهنگ دوران هخامنشی - به عنوان نیروی معنوی و گردآورنده اقوام مختلف ایرانی - توانستند سازمان‌دهی سیاسی، لشکری و مذهبی جدیدی را پدید آورند که بیش از چهارصد سال (۶۵۱-۲۲۶ م.) دوام یافت.

ساسانیان در عصر خود هنری درباری را پدید آوردند که نگرشی مذهبی بر آن حاکم بود. آنان از یک سو دنباله رو سنت‌های کهن هنری ایران، هخامنشیان و پارتیان^۱ بودند و از دیگر سو در مسیر جریان‌های هنری شرق و غرب قرار داشتند. آنها از این میان به هویت و سبک ویژه خود دست یافتند و به جریانی تأثیرگذار و الهام بخش در عصر خود تبدیل شدند که حتی بعدها مورد تقلید قرار گرفت.

ساسانیان سبک معماری اشکانی را دنبال کردند و ضمن ایجاد تحول در این شیوه، به ویژه در ساختن بناهای گنبددار و تالارهای وسیع بدون ستون برتری خود را نسبت به دوره‌های قبل نشان دادند. آنان از نقشه‌های مستطیل شکل برای ساختمان‌سازی استفاده کردند و مصالح اصلی آنها سنگ، قلوه سنگ، گل و خشت بود.

از مهم‌ترین بناهایی که از عصر ساسانیان به جای مانده می‌توان به طاق کسری (ایوان مدائن)، کاخ کیش^۲ و کاخ تیسفون^۳ با گچبری‌های زیبا و کف موزائیک کاری شده اشاره کرد که دارای اهمیت تاریخی می‌باشد (شکل ۱-۷).



▲ شکل ۱-۷-الف - ایوان مدائن (طاق کسری)، نزدیک بغداد، دوره ساسانی

۱- پارتیان: (Parthians) قوم پارت بنیانگذاران سلسله اشکانی که ابتدا ساکن نواحی شمال شرقی ایران (حوزه خراسان، جلگه گرگان تا هرات) بودند.

۲- کاخ کیش: کاخ ساسانی واقع در جزیره کیش است.

۳- کاخ تیسفون: (ایوان مدائن، طاق کسری) واقع در شهر تیسفون نزدیک بغداد که توسط اشکانیان بنا نهاده شد، پایتخت اشکانی و ساسانی بوده است.



▲ شکل ۱-۷-ب - تصویر بازسازی شده ایوان مدائن



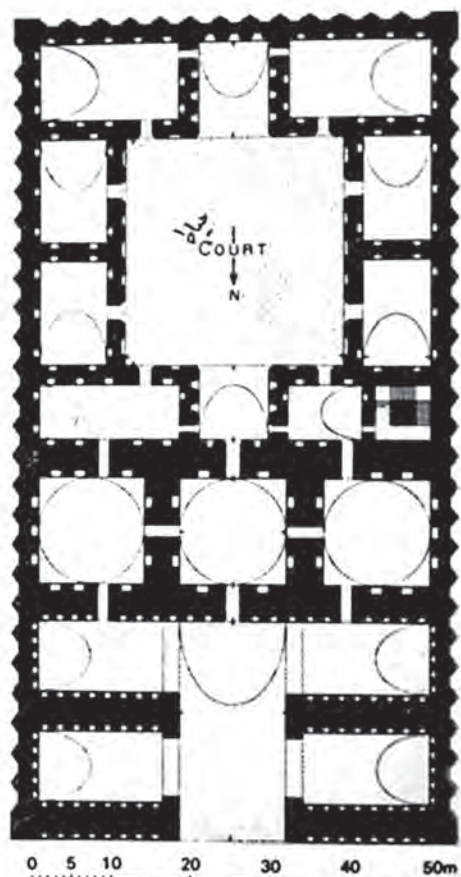
▲ شکل ۲-۷ - الگوی شهرسازی، فیروزآباد، دوره اشکانی - ساسانی، (طرح بازسازی شده)، نیمه نخستین سده سوم میلادی

بسیاری از محققین ابتکارات جدید اصول شهرسازی و معماری، ایجاد پل، کاروانسرا و آتشکده را به ساسانیان نسبت داده‌اند (شکل ۲-۷). همچنین استفاده از گوشواره^۱ در چهار گوش بنا به منظور ایجاد گنبد بود که برای اولین بار در معماری ساسانی یعنی کاخ تیسفون ظاهر شد که بعدها در دوره اسلامی مورد توجه قرار گرفت. نقشه و طرح کاخ بیشاپور به شکل چلیپایی (صلیبی شکل) نیز از ابداعات معماری این دوره است که بنیان اصلی نقشه آتشکده‌ها و زمینه ساز سبک چهار ایوانی^۲ دوره اسلامی می‌شود (شکل ۳-۷ الف و ب).

۱- گوشواره یا سه کُنج: (squinch) اصطلاحی معماری است و به نوعی طاق سه کنجی گفته می‌شود که برای قرار گرفتن گنبد بر روی آن در بنا به کار گرفته می‌شود.
 ۲- چهارایوانی: نوعی نقشه ساختمانی با چهار ایوان در طرفین حیاط مرکزی را چهار ایوانی می‌نامند.



▲ شکل ۳-۷-ب - بيشاپور، منظره هوایی شهر (نیمه دوم سده سوم میلادی)



▲ شکل ۳-۷-الف - پلان کاخ بيشاپور نزدیک کازرون (فارس)

آتشگاه و آتشکده، مکان تشریفات مذهبی و نیایشی زردشتیان است که در دوره هخامنشی به شکل فضای آزاد و سرگشاده (آتشگاه) بود. در دوره ساسانی به صورت ساختمانی با چهار ورودی و چهار طاقی و گنبد (آتشکده) ساخته شد (شکل ۴-۷). از مهم ترین این مکان ها، آتشکده آذرفرنبغ^۱ در فارس، آتشکده آذرگشنسب^۲ در آذربایجان و آتشکده آذربرزین مهر^۳ در خراسان است.

۱- آتشکده آذرفرنبغ: آتشکده ای ویژه موبدان در فارس (لازم به ذکر است که در دوره ساسانی مردم به سه طبقه اجتماعی موبدان، جنگاوران و بزرگان تقسیم می شدند).

۲- آتشکده آذرگشنسب: آتشکده ای ویژه جنگاوران بود.

۳- آتشکده آذربرزین مهر: آتشکده ای ویژه بزرگان و کشاورزان بود.



▲ شکل ۴-۷ - آتشکده چهارطاقی، فراشبند (فارس) دوره ساسانی



▲ شکل ۷-۵- موزائیک کاری کف ایوان، بیشاپور، نیمه دوم سده سوم میلادی

گچبری و موزائیک از تزیینات مهم معماری دوره ساسانی است که با موضوعاتی از جمله طرح‌های گیاهی، پرندگان، جانوران و صحنه‌های انسانی اجرا می‌شده است. این شیوه تزیینات، پوشش مناسبی برای معماری خشن آجری یا قلوه سنگی بوده است (شکل ۷-۵).

در دوره ساسانی همچنین شیوه و سبک جدیدی از حجاری پدید آمد و هنرمندان ساسانی نقش برجسته‌های باشکوه و عظیمی بر روی صخره‌ها بوجود آوردند. بخش عمده این آثار در فارس یعنی مرکز اصلی ساسانی بوجود آمد و طرح آنها شامل صحنه‌های تشریفاتی، اعطای پُست (منصب)، پیروزی و غلبه بر دشمن، شکار و ... بود (شکل ۷-۶). همه این نقش برجسته‌ها دارای ترکیب بندی کاملاً حساب شده در چهار چوب مشخص و متقارن هستند که با نوعی گرایش به واقع‌گرایی، دارای ارزش تاریخی اند.



▲ شکل ۷-۶- نقش برجسته پیروزی شاپور بر والرین (امپراتور روم)، نقش رستم، دوره ساسانی

از نمونه‌های خاص پیکرتراشی ساسانی می‌توان به مجسمه شاپور اول با ابعادی سه برابر قامت انسان اشاره کرد که بر ستون سنگی طبیعی در ورودی غاری تراشیده شده است (شکل ۷-۷). بارزترین نمونه‌های نقاشی دوره ساسانی را می‌توان در سنت تصویرسازی مانوی، دیوارنگاری‌ها و روایت‌های نقل شده از آن دوره جستجو کرد. هنر تصویرسازی مانویان در کتاب دینی آنها به نام ارتنگ یا ارژنگ ظهور یافته است. تذهیب کاری‌های این کتاب شامل حاشیه‌های گل و بوته‌ای، طرح‌های هندسی و انتزاعی همراه با نقاشی‌هایی از پیکره‌های انسانی و پرندگان است که زمینه‌ساز سنت کتاب آرایبی در دوره‌های بعد به‌ویژه دوران اسلامی می‌باشد (شکل ۷-۸).



▲ شکل ۷-۷- پیکره شاپور، تنگ چوگان، بیشاپور، سده سوم میلادی



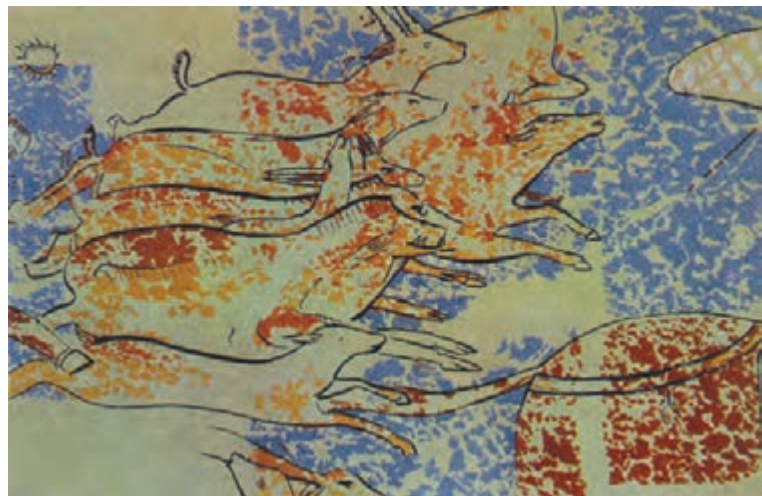
▲ شکل ۷-۸- برگی از ارزنگ، تورفان (جنوب مغولستان)، هنر مانوی، سده سوم هجری

شاخص مهم دیگر نقاشی ساسانی را می‌توان در دیوارنگاری‌های باقیمانده از این عصر مانند کاخ تیسفون، پنج کنت^۱ سمرقند (شکل ۷-۹) و صحنه شکارگاهی شوش مشاهده کرد (شکل ۷-۱۰). افزون بر این‌ها روایات حاکی از آن است که در این عهد نمونه‌های منحصر به فردی از نقاشی در سالنامه‌ها وجود داشته که چهره فرمانروایان ساسانی را در آن به تصویر می‌کشیدند.

۱- پنج کنت: (Pendjikent) مکان تاریخی اقوام سُغدی در نزدیکی سمرقند (تاجیکستان) است.



▲ شکل ۹-۷. پنج کنت، آسیای میانه (تاجیکستان)، ضیافت، سده ۸-۷ میلادی، به تأثیر از هنر ساسانی



▲ شکل ۱۰-۷. صحنه شکارگاهی، شوش، نقاشی دیواری، سده ۴ میلادی، دوره ساسانی

سنت نقاشی ساسانی همچنان پایدار ماند و الهام بخش هنرمندان دوران بعد از خود قرار گرفت که از این میان تأثیر بارز آن را می‌توان در دیوارنگاری‌های کاخ صفوی مشاهده کرد. تولید پارچه در زمان ساسانیان پیشرفت قابل توجهی داشت و کارگاه‌های نساجی در نقاط مختلفی چون بیشاپور، شوشتر و جندی شاپور^۱ دایر شد. جنس، طرح و رنگ در بافته‌های ساسانی شهرتی جهانی داشت و ظرافت و طرح‌های متنوع پارچه‌های زربفت به حدی بود که مورد تقلید دیگر

۱- جندی شاپور: مهم‌ترین مرکز علمی (دانشگاه- کتابخانه- مرکز درمانی و ...) دوره ساسانی در خوزستان (۳۰ کیلومتری شرق شوش)

ملل قرار می‌گرفت. امروزه بسیاری از این منسوجات به صورت پراکنده در موزه‌ها وجود دارد. این پارچه‌ها بیشتر به صورت دو رنگ یا پنج رنگ بافته می‌شد و با تصاویر حیوانات، پرندگان خیالی و واقعی همراه با اشکال دایره و بیضی به شکل مرواریدی تزیین می‌شد (شکل ۷-۱۱). جنس آنها از پشم، ابریشم، پنبه و کتان بوده و با عرض زیاد بافته می‌شدند. از دیگر بافته‌های این عهد می‌توان به قالی

معروف به «بهارستان» یا «چهارفصل» در کاخ تیسفون اشاره کرد. بنا به روایات تاریخی این قالی از ابریشم، گلابتون، تارهای زرین و سیمین به همراه جواهرات رنگارنگ بافته و تزیین شده بود.



▲ شکل ۷-۱۱ ب - پارچه سده ۸ میلادی، حوزه ایران شرقی، دوره ساسانی

▲ شکل ۷-۱۱ الف - پارچه با نقش خروس، سده ۶-۷ میلادی، دوره ساسانی

سفالگری در عهد ساسانی پیشرفت چشمگیری نداشت چرا که توجه اصلی به ظروف فلزی زرین و سیمین بود. این هنر محدود به ساخت ظروفی می‌شد که برای رفع نیاز روزمره مردم عادی بود. از آثار به دست آمده چنین برمی‌آید که سفالگری این عهد ادامه دهنده سنت سفالگری در عهد اشکانی است. تزیینات این سفالینه‌ها متأثر از آثار فلزی و به شکل کنده‌کاری و قالب زنی با نقش‌های گیاهی، هندسی و گاه نوشتاری (به خط پهلوی) بوده‌اند. این ظروف به رنگ‌های آبی و سبز فیروزه‌ای لعاب‌کاری می‌شدند (شکل ۷-۱۲). مهم‌ترین مراکز این سفال‌های کشف شده، بیشاپور، کنگاور، سیراف، تورنگ تپه، تخت سلیمان، کرمان و دشت گرگان بوده است. برخلاف سفال‌گری، شیشه‌سازی در عهد ساسانی رونق بسیاری داشت و شیشه‌سازان ساسانی از مهارت قابل توجهی برخوردار بودند. آنان به‌ویژه در استفاده از تزئینات و تراش شیشه با چرخ شیشه‌بری استاد بوده‌اند (شکل ۷-۱۳).



▲ شکل ۷-۱۲ - سفال ساسانی



▲ شکل ۱۳-۷- کاسه شیشه‌ای تراش خورده دوره ساسانی

ساخت ظروف زرین و سیمین در فلزکاری دوره ساسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و پیشرفت زیادی در آن صورت گرفته است. این ظروف از نظر شکل، شیوه و نقش قابل بررسی است. شیوه اجرایی این آثار شامل چکش کاری^۱، ریخته‌گری^۲، طلاکوب^۳ و آستر دادن ظروف نقره با ورق طلائی است (شکل ۱۴-۷ الف و ب). از دیگر آثار مهم فلزی در این عهد، سکه‌ها هستند که با



▲ شکل ۱۴-۷- ب- تنگ فلزی، سده ۶-۷ میلادی، دوره ساسانی



▲ شکل ۱۴-۷- الف- ظرف فلزی، سده ۶-۷ میلادی دوره ساسانی

- ۱- چکش کاری : روش شکل دادن ظروف با ضربه‌زدن به وسیله چکش بر ورقه‌های فلزی را چکش کاری می‌نامند.
- ۲- ریخته‌گری : روش ساخت ظروف با استفاده از ذوب کردن فلزات و ریختن آن در قالب را ریخته‌گری می‌گویند.
- ۳- طلاکوب : کوبیدن ورق یا مفتول طلا و نقره بر روی بدنه‌های فلزی از جنس دیگر را طلاکوب می‌گویند.

مهارت فنی و هنری بالایی تولید می‌شدند. بر یک‌روی این سکه‌ها نقش‌هایی از پادشاهان ساسانی و بر روی دیگر، تصویری از بناهای مقدس همراه با عبارتی به خط پهلوی ضرب می‌شد. ظرافت، دقت و برجستگی جزئیات در این آثار به حدی است که باستان‌شناسان آن را یکی از معتبرترین اسناد شناخت هنر ساسانی می‌دانند (شکل ۱۵-۷).

آنچه امروزه به‌عنوان موسیقی ملی ایران شناخته می‌شود ریشه در هنر دوره ساسانی دارد. در این دوره به‌ویژه در عهد خسرو پرویز موسیقی دانان بزرگی حضور داشتند که از این بین باربُد و نکیسا به‌دلیل انتساب اختراع دستگاه‌های موسیقی ایرانی به آنان، از شهرت بیشتری برخوردارند. آنان موسیقی ایرانی را در قالب هفت نوای خسروانی^۱، سی لحن^۲ و ۳۶۰ دستان^۳ یا آهنگ که بر اساس ایام هفته، ماه و روزهای سال تنظیم شده بود؛ ترتیب دادند.

سازهای شناخته شده دوره ساسانی شامل عود، رُبَاب، چَنگ، سازهای زهی دیگر و چند ساز کوچک ضربی بوده است. سنت موسیقی ایرانی توانست به شکل سینه به سینه به دوره‌های بعد منتقل شود. قدیمی‌ترین سروده بازمانده از روزگاران قدیم، بخشی از اوستا^۴ به نام «گات‌ها»^۵ است که از نظر شعری و موسیقایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نمایش نیز ریشه در آیین‌ها، جشن‌ها، اساطیر و گونه‌های ادبی دارد. مراسم تشریفاتی در دوره ساسانی دلالت بر وجود نمایش‌های متفاوتی دارد که همراه با اجرای سرودهای مذهبی، در جشن‌ها اجرا می‌شده است. آثار بسیاری از این دوره در قالب نمایش‌های سنتی تا عصر حاضر برجای مانده است که از این میان می‌توان به آیین‌های ستایش، قَوالی^۶، سوگ سیاوش، آتش‌افروزی و خُرده نمایش‌ها اشاره کرد.

همچنین ادبیات ساسانی در کنار آثار دینی و مذهبی رشد کرد. بسیاری از ساختارهای ادبی ساسانی با وجود اوضاع اجتماعی و آسیب‌های دوران همچنان به یادگار مانده است. از نمونه‌های شاخص این عهد می‌توان به اوستا و یادگار زیریران اشاره کرد که گویای افکار فلسفی، دینی و شیوه نگرش مردمان در این عهدند.

در انتهای این عصر، عواملی نظیر تسلط موبدان بر تمامی امور زندگی مردم و نارضایتی آنان از این امر، شورش‌های داخلی و کشتار مانویان و مزدکیان روبه‌گسترش یافت. اختلافات درباری و خاندان سلطنتی، وجود شعارهای رهایی‌بخش، برابری و عدالت بین مردم و همچنین تضعیف قدرت نظامی به‌دلیل مقاومت‌های طولانی در برابر دشمنان خارجی موجب سقوط ساسانیان شد.



▲ شکل ۱۵-۷. سکه طلایی، دوره ساسانی، سده هفتم میلادی

۱، ۲، ۳- از نوایهای موسیقی ایرانی هستند.

۴- اوستا: کتاب مقدس زرتشتیان است.

۵- گات‌ها: سرودهای مذهبی موجود در کتاب اوستا هستند.

۶- قوالی: آوازها و سرودهایی که در ستودن بزرگان و پیشوایان می‌خوانند.

گاه نگار درس هفتم

دوره تاریخی (باستان): ساسانی
سده سوم میلادی تا هفتم میلادی
۶۵۱-۲۲۴ م
هنرها: معماری و شهرسازی، گنبدسازی، تزیینات معماری (حجاری، گچ‌بری، نقاشی، موزاییک‌کاری) بیکره سازی، نقاشی و کتاب‌آرایی، فلزکاری، ضرب سکه، جواهرسازی، سفالگری، شیشه‌گری، پوشاک، نساجی و بافندگی
مناطق: فیروزآباد، بیشاپور، تیسفون، کیش، جندی‌شاپور، شوشتر

پرسش

- ۱- اساس فکری حکومت ساسانی بر چه چیز استوار بود و ظهور آن چگونه میسر شد؟
- ۲- ویژگی‌های کلی و ماهیت هنر ساسانی را بیان کنید.
- ۳- ویژگی آثار معماری در عصر ساسانی چه بود و در این حوزه به چه ابداعاتی نائل آمدند؟
- ۴- ویژگی حجاری‌های عصر ساسانی را بیان کنید.
- ۵- بارزترین نمودهای نقاشی عصر ساسانی کدامند و چه تأثیری بر دوران بعد از خود گذاشتند؟
- ۶- ویژگی پارچه‌های عصر ساسانی را بیان کنید.
- ۷- سفالگری در عصر ساسانی از چه موقعیتی برخوردار بود؟ چرا؟
- ۸- علت اهمیت سکه‌های عصر ساسانی را بیان کنید.
- ۹- معروف‌ترین موسیقیدانان عصر ساسانی چه کسانی بودند و علت شهرت آنها در چیست؟
- ۱۰- شکل‌گیری قالب‌های موسیقی ایرانی در عصر ساسانی را توضیح دهید.
- ۱۱- نمایش در عصر ساسانی از چه جایگاهی برخوردار بوده و به چه شکل‌هایی اجرا می‌شده است؟
- ۱۲- عامل رشد ادبیات در عصر ساسانی چه بود؟ نمودهای شاخص ادبی این عصر را نام ببرید.

۱۳- هریک از عبارات زیر را به گزینهٔ مربوط به خود وصل کنید.

سفالگری	ساختمانی با چهار ورودی و چهار طاقی و گنبد
شاپور اول	منقوش به خط پهلوی و دارای لعاب به رنگ‌های آبی و سبز فیروزه‌ای است.
آتشکده	گچ‌بری و موزاییک‌کاری
ظروف زرین و سیمین	نمونهٔ خاص پیکرتراشی ساسانی
تزیینات معماری ساسانی	این آثار به صورت چکش‌کاری و طلاکوب ساخته می‌شده‌اند.

۱۴- فرش معروف در دورهٔ ساسانی نام داشت.

- الف) بهارستان
ب) چهارفصل
ج) لچک‌ترنج
د) مورد الف و ب

۱۵- دلایل سقوط دولت ساسانی را بیان کنید.

فصل سوم

دوره میانه



▲ نقشه دوره طاهریان تا آل بویه

هنر و تمدن ایران در سده‌های اول تا سوم هجری

اهداف رفتاری: از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند:

- ۱- تحولات معماری دوران اول اسلامی - ایرانی را با قبل از آن مقایسه کند.
- ۲- بناهای جدید دوره اول اسلامی - ایرانی را نام ببرد.
- ۳- ویژگی‌های سفال دوره اول اسلامی - ایرانی را بیان کند.
- ۴- وضعیت خوشنویسی در دوره اول اسلامی - ایرانی را شرح دهد.
- ۵- عناصر معماری دوره اول اسلامی - ایرانی را نام ببرد.

هنر و تمدن ایران در سده‌های اول تا سوم هجری^۱

ظهور و پیدایش اسلام دگرگونی ژرفی در زندگی سیاسی، اقتصادی و مذهبی داشت. چرا که دین اسلام صاحب اندیشه و شعار مبارزه با زورگویان بود. از این رو توانست گروه‌های بزرگی از مردم شرق را برانگیزد تا با نام خداوند یکتا جهان را فتح کنند. گسترش اسلام چنان بود که توانست تمدن‌های شرق را یکپارچه کرده و از آن‌ها فرهنگی نو بسازد. طولی نکشید که این نظام مذهبی فرصت‌های مناسب و تازه‌ای را برای ظهور تفکر و اندیشه ایرانی، هنر، معماری و تزیینات وابسته به آن فراهم آورد. در پایان سده سوم هجری است که به طور کامل می‌توان شاهد شکوه فکری و آثار فاخر در تمامی رشته‌های هنری ایرانی در گستره جهان اسلام بود. استقرار کامل فرهنگ اسلامی در ایران در این دوره بنا به دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار چشمگیر است. هنرهای کهن دوباره احیاء شدند و هنرهای تازه‌ای ابداع شد و ایران نیز به تدریج زندگی ملی خود را بازیافت و روحیه‌ای مستقل و متکی به خود، به دست آورد. تاجایی که در سده‌های سوم و چهارم هجری شاهد تولد شعر، خوشنویسی و جلوه‌های بسیار زیبای هنری در ایران می‌شویم.

شکل‌گیری هنر در این دوره، تداوم برخی سنت‌های هنری پیشین است که بنا به نیاز باورهای اسلامی با کاربردی جدید مورد توجه و استفاده قرار گرفت. این هنرها همچنان در راستای زندگی

۱- در دوره میانه یا دوره اسلامی به دلیل فراوانی سلسله‌ها و برای پرهیز از ذکر نام آنها، از شاخص سده استفاده شده است.

مردم در مناطق مختلف با فرهنگ و باور اسلامی مورد حمایت قرار می‌گرفت. به طوری که از زمان پیروزی مسلمانان تا پایان سده سوم هجری، معماری بر پایه سنت‌های معماری ساسانی توسعه یافت. آثار به جای مانده و گزارش‌های توصیفی از برخی مساجد اولیه این زمان، نوعی هماهنگی بین معماری طاق‌دار و ستون‌دار ساسانی با نیازها و ویژگی‌های اسلام را نشان می‌دهد. در اواخر سده دوم هجری روش‌های ساخت جدیدی که در ادامه سنت معماری ساسانی بود توانست آثار ویژه‌ای را در معماری اسلامی پدید آورد. ضرورت و نیاز به معماری با کاربردی جدید، توانست آثار منحصر به فردی از جمله مسجد، مدرسه، آرامگاه و ... را براساس نیاز دوران اسلامی به وجود آورد. هنرهای دیگر از جمله سفال، نقاشی، فلزکاری و خوشنویسی و کتابت مورد توجه قرار گرفت.

نظام معماری اسلامی همان‌گونه که اشاره شد مستقیماً ریشه در سنت ساسانی داشته و از همان آغاز برخی از کاخ‌ها و آتشکده‌های ساسانی بدون هیچ‌گونه اصلاح و تغییری به مسجد تبدیل شده است. از نمونه‌های شاخص این تبدیل می‌توان به ایوان مدائن در تیسفون، آتشکده باستانی مسجدسلیمان و مسجد سنگی داراب گرد (در اصل آتشکده بوده) اشاره کرد (شکل ۱-۸). از آنجایی که مسجد مکان ویژه‌ای است که نه تنها مرکزیت دینی دارد بلکه در تمام دوران‌ها نهادی سیاسی، مکانی برای قضاوت و نهادی آموزشی نیز به‌شمار می‌آید، بنابراین دارای منزلتی والا بوده و رفته‌رفته می‌بایست تحولاتی در ساخت آن پدید آید. به همین علت ابتدا ساختار کلی مسجد به شیوه‌ای ستون‌دار یعنی با شبستان‌های ستون‌دار (چهل‌ستونی) و حیاط ساخته می‌شد که جهت آن‌رو به قبله بود. از کهن‌ترین مساجد شناخته شده در ایران می‌توان به تاریخانه^۱ دامغان، مسجد فهرج یزد (روستایی اطراف یزد)، مسجد جامع شوش، مسجد جامع سیراف (بوشهر) و مسجد جامع اصفهان اشاره کرد (شکل ۲-۸). از دیگر موارد تحول یافته در ساختار معماری اسلامی وجود مدرسه است که با ساخت صحن گشاده، سرسراه‌های گنبددار و ایوان در چهار نمای حیاط معرفی می‌شود. این ساختار از الگوهای کاملاً ایرانی است که تلفیق آن با مسجد در مسیر تحول خود عالی‌ترین الگوی تلفیق معماری مسجد و مدرسه را به بار آورد.



▲ شکل ۱-۸ - مسجد سنگی داراب گرد

۱- تاریخانه: تری به معنای خدا و تاریخانه به معنای خانه خداست.



▲ شکل ۸-۲- مسجد تاریخانه، دامغان، سده اول تا سوم هجری

در دوره اسلامی استفاده از آجر به دلیل سادگی و ایجاد ترکیب‌های متفاوت، همواره ترجیح داده می‌شد. زیرا آجر از چوب بادوام‌تر و از سنگ ارزان‌تر بود. همچنین کار با آن سریع‌تر و انعطاف‌پذیرتر از سنگ بوده و می‌توانست هرگونه بنایی را با هر قابلیتی پدید آورد که همین زمینه‌ساز فرصت‌های مناسبی برای تجلی‌ترینات ساختمان‌ها شد (شکل ۸-۳).



▲ شکل ۸-۳- طرح آجرکاری، نمای داخلی آرامگاه امیر اسماعیل سامانی، بخارا

در سده سوم هجری توجه خاصی به ساخت محراب در مساجد شد و این عنصر به بهترین وجهی در سده‌های بعد مورد بهره‌برداری قرار گرفت (شکل ۴-۸). عنصر دیگری که از سده سوم به بعد مورد توجه قرار گرفت ساخت آرامگاه‌های گنبد پوش است که ریشه در آتشکده‌های ساسانی دارد. قدیمی‌ترین آنها آرامگاه امیراسماعیل سامانی است (شکل ۵-۸) که الهام‌بخش ساختار آرامگاه‌ها در سده‌های بعدی شد. وجود دو عنصر ایوان و گنبد در شکل اصلی فضا به بناهای مذهبی ایران حالت عظمت و شکوه‌مندی می‌بخشد. ایوان یا همان اتاق، سرسرا و رواق، شیوه‌ای در معماری است که با اقلیم شرق تناسب بسیاری دارد. گنبد، نقطه اوج طراحی طاق به‌شمار می‌آید که در معماری اسلامی بسیار پیشرفت کرد. این ویژگی‌ها در معماری این دوره به شیوه یا سبک خراسانی شهرت یافت.



▲ شکل ۴-۸- محراب، مسجد جامع نایین، سده سوم و چهارم هجری ▲ شکل ۵-۸- آرامگاه امیر اسماعیل سامانی، بخارا

از سده دوم هجری به بعد شاهد تکمیل فنون و سبک‌های متعدد در تولید انبوه سفالینه‌ها هستیم که چشم‌انداز هنر ایرانی در آنها به‌خوبی دیده می‌شود. سفالگری بیانگر کهن‌ترین و فراگیرترین هنر ایرانی در همه اعصار بوده و شاید بهترین سند و مدرک زندگی هنری ایران دوران اسلامی باشد. این آثار پیوند بسیار نزدیکی با زندگی مردم داشته و در تمام زمینه‌ها علاوه بر کاربرد، زیبایی نیز دارد. همچنین در مقایسه چنین برمی‌آید که پیشرفت سفالگری دوره اولیه اسلامی بیشتر از فن سفالگری در دوره ساسانی است. در این سیر تحول، لعاب‌های سبز و قهوه‌ای دوره ساسانی تداوم می‌یابد اما به دلیل اهمیت بیشتر سفالگری و جایگزینی آن نسبت به فن فلزکاری، در این زمان شیوه‌های تزیین یافته‌تر و ظریف‌تری در سفال‌ها پدید می‌آید. این توجه و اهمیت به سفالگری در دوره اسلامی

توانست سفالینه‌هایی مرغوب و با کیفیت ایجاد کند. تاجایی که در سده سوم هجری نقاشی زرین فام بر روی سفال به‌عنوان جانشینی ابتکاری برای ظروف سیمین (نقره‌ای) و زرین (طلایی) پدید آید. از این رو شیوه‌ای عالی در تناسب شکل خارجی ظرف و هماهنگی با کاربرد آن تحولی در این هنر پدید آورد (شکل ۸-۶).

رایج‌ترین سفالینه‌ها در این دوره با رنگ‌های لاجوردی تیره روی پوشش سفیدرنگ و همچنین رنگ آبی و سبز زمردی ارائه می‌شد. اما تزئین زرین فام تحولی زیبایی شناسانه در نگرش و هنر ایرانی است که کاملاً تازه و نو به‌شمار می‌آمد.

از دیگر تحولات در این دوره تزئین سفالگری با هنر خوشنویسی در خراسان است (شکل ۸-۷). این تحول ریشه در شکل‌گیری هنر خوشنویسی و جایگاه آن در فن کتابت و نگارش قرآن مجید در سده سوم هجری دارد. هنر خوشنویسی تأثیری عمیق و تعیین‌کننده بر طراحان این دوره داشت و توانست جلوه‌گر همه هنرهای زمان خود شود و از بناها گرفته تا اشیاء کاربردی را دربرگیرد.



▲ شکل ۸-۶- ظرف زرین فام، با طرح و نقش گیاهی



▲ شکل ۸-۷- ظرف سفالی، نیشابور، سده سوم و چهارم هجری

خط کوفی به‌دست توانای یک هنرمند ایرانی به‌صورت خطی زیبا، با ارزش تزئینی بسیار بالا درآمد. هرچند خواندن آن با اشکالاتی روبه‌رو بود اما باز هم توسط هنرمندان ایرانی اصلاح شد و خطوط دیگر به‌دست محمدبن علی فارسی معروف به ابن مقله پدید آمد. خط کوفی همچنان به‌عنوان خطی تزئینی به مدت ۵ سده در نواحی مختلف به‌شیوه‌های گوناگون به‌کار می‌رفت. این خط به‌عنوان رایج‌ترین نقش تزئینی روی ظروف فلزی و سفالی، پارچه و یا کتیبه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. با سیر تحول خط، از خط کوفی «اقلام سته» پدید آمد که به خطوط شش‌گانه، محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع، شهرت یافته‌اند (شکل ۸-۸).



▲ شکل ۸-۸- برگه از قرآن مجید به خط کوفی، سده سوم هجری



▲ شکل ۸-۹- ظرف فلزی، نقره طلا اندود،
سده سوم هجری

همچنین در این دوره هنر فلزکاری بازمانده از دوران ساسانی ادامه یافت و ظروف بزرگ و باشکوهی تولید شد (شکل ۸-۹). اما به دلایل گوناگون هیچ نمونه‌ای از مصورسازی کتاب دیده نشده و تنها نمونه موجود شاید همان نسخه ارژنگ مانی (یافته شده در منطقه تورفان^۱ در سده دوم و سوم هجری) باشد. آثار پراکنده به ویژه دیوارنگاری‌های دوران حکومت‌های اسلامی (اموی و عباسی) و یا نگاره‌های سفالینه‌ها، بیانگر تداوم سنت نقاشی از دوره ساسانی به دوره آغازین اسلامی است. اما منابع مشخصی برای تعیین ماهیت نقاشی این دوران نیست و بیشترین اعتبار نقاشی را بایستی در سده‌های بعد شاهد باشیم (شکل ۸-۱۰).



▲ شکل ۸-۱۰- نقاشی دیواری، نیشابور، سده سوم و چهارم هجری

۱- تورفان (توربان): ناحیه‌ای بین قرقیزستان و مغولستان (واقع در جغرافیای چین کنونی) دارای فرهنگ ترک‌های مغول (اویغوری) است.

گاه نگار درس هشتم

دوره میانه (اسلامی)	
سده اول تا سوم هجری	سده هفتم تا نهم میلادی
(۲۰۰-۳۰۰) (۱۰۰-۲۰۰) (۱۰۰-۲۰۰) هجری	۶۲۱-۷۲۱ م
هنرها: معماری، آجرکاری، سفالگری، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نقاشی	
مناطق: دامغان، فهرج، شوش، سیراف، اصفهان، نائین، نیشابور، بخارا	
سلسله‌ها: دوره صدر اسلام، طاهریان، صفاریان، سامانیان	

پرسش

- ۱- ظهور اسلام چه تأثیری در فرهنگ و تمدن سده‌های اول تا سوم گذاشت؟
- ۲- وضعیت معماری در قرون اولیه اسلام با قبل از آن را مقایسه کنید.
- ۳- انواع آثار جدید معماری ایران در دوره اسلامی را نام ببرید.
- ۴- کهن‌ترین مساجد دوره اسلامی را ذکر کنید.
- ۵- مواد و مصالح مورد استفاده در معماری دوره اسلامی چه بودند؟
- ۶- عناصر (اجزاء) جدید معماری دوره اسلامی را بیان کنید.
- ۷- چرا در دوره اسلامی سفال مورد توجه فراوان قرار گرفت؟
- ۸- سفالینه‌های دوره اول اسلامی را به لحاظ رنگ توصیف کنید.
- ۹- وضعیت خط و خوشنویسی در دوره اول اسلامی را شرح دهید.
- ۱۰- فلزکاری سده‌های اول تا سوم اسلامی چگونه بود؟
- ۱۱- کدام یک از مسجدهای زیر از کهن‌ترین مساجد دوره اسلامی می‌باشد؟

الف) مسجد جامع اصفهان	ب) مسجد تاریخانه دامغان
ج) مسجد جامع زواره	د) مسجد جامع کرمان



هنر و تمدن ایران در سده‌های چهارم تا ششم هجری

اهداف رفتاری: از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند:

- ۱- تحولات معماری در سده‌های چهارم تا ششم هجری را بیان کند.
- ۲- انواع بناهای معماری سده‌های چهارم تا ششم هجری را نام ببرد.
- ۳- وضعیت کتاب آرای و هنرهای مرتبط با آن را در سده‌های چهارم تا ششم شرح دهد.
- ۴- ویژگی‌های نگارگری این دوره را بیان کند.
- ۵- کتاب‌های تصویرسازی شده این دوره را نام ببرد.
- ۶- پارچه‌بافی و نقوش آن را در این دوره شرح دهد.
- ۷- وضع فلزکاری سده‌های چهارم تا ششم را بیان کند.
- ۸- موضوع تزئینات و نقاشی‌های سده‌های چهارم تا ششم را شناسایی کند.

هنر و تمدن ایران در سده‌های چهارم تا ششم هجری

در طی سده‌های چهارم تا ششم هجری حکومت‌های متفاوتی از جمله آل بویه، آل زیار، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان حکومت کردند و این حکومت‌های متفرقه در مناطق مختلف ایران باعث شد تا آثار قابل توجهی نیز به یادگار بماند. آثاری که شاید به سبب رقابت با حکومت مرکزی جهان اسلام همزمان در دوران خلافت عباسی نیز وجود داشت. با این حال این دوره تاریخی مهم‌ترین دوران همزمانی ادبیات فارسی و هنر اسلامی است که آثار بسیار بدیع زبان و ادب پارسی همراه با آثار بی‌شماری پدید آمد. از جمله اتفاقات دیگر توسعه ساخت و ساز مسجد بود که در شیوه‌های ساختمانی جدیدی به‌عنوان شیوه و سبک رازی ظاهر می‌شود. همزمان با اوج معماری هنرهای فلزکاری، سفالگری، کتیبه‌نگاری، کاشی، نقاشی، کتاب‌آرایی و بافت گسترش یافتند.

این هنرها در اصل میراث‌دار سنت‌های کهن بازمانده در خراسان و فارس است که توانست پیوندی بین گذشته و عصر خود ایجاد نماید.

مهم‌ترین تحول معماری در این دوره را می‌توان در تلفیق کامل ایوان و گنبد و تبدیل مساجد

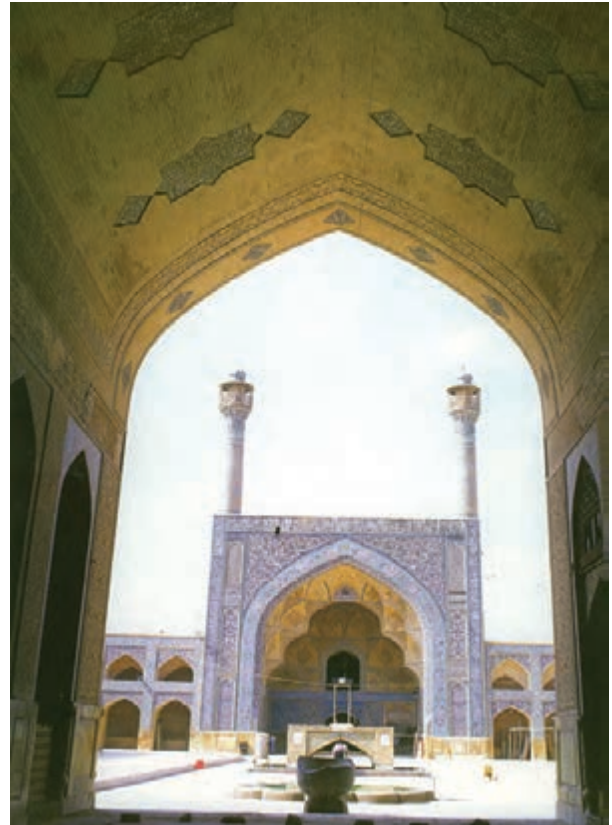


▲ شکل ۹-۱- آرامگاه قابوس و شمگیر،
گنبد رُک (گنبد کاووس، سده چهارم و پنجم هجری

شبستانی به ایوانی، ساخت بناهای چهار ایوانی، ایوان‌های پهن و کوتاه، قوس‌های جناقی یا تیزه‌دار نام برد (تصویر ۹-۱). توجه زیاد به آجرکاری، ساخت مناره و برج‌های آرامگاهی، کاربرد کاشی تک لعاب، گچ‌بری و نوعی گنبدسازی مخروطی معروف به «رُک» از دیگر ویژگی‌های معماری این دوره است. (تصویر ۹-۲ الف و ب) شیوه ساخت بناها به حدی مستحکم و بادوام بود که قادر به تحمل گچ‌بری‌های انبوه و فراوان بودند. ساخت مساجد در این دوره از ساختار بناهای تک یا دو ایوانه (مانند مسجد جامع اصفهان) به چهار ایوانه تبدیل شد (شکل ۹-۲ الف و ب).



▲ شکل ۹-۲- ب- طرح بازسازی شده، نمای کلی مسجد جامع اصفهان



▲ شکل ۹-۲- الف- مسجد جامع، اصفهان، طرح تکمیلی
سده‌های چهارم تا ششم هجری



▲ شکل ۹-۳- مسجد جامع زواره، اصفهان، سده چهارم و پنجم هجری

پس از ساخت این بنا الگویی در مسجدسازی پدید می‌آید که مورد الهام دیگر بناها می‌شود. مسجد جامع زواره (شروع ساخت ۵۱۵ هـ.) نخستین نمونه کامل تاریخ‌دار به شیوه چهار ایوانی است (شکل ۹-۳).

همچنین نخستین آرامگاه‌های ایران، در سده چهارم و پنجم هجری است که دارای ارزش و اهمیت تاریخی و هنری می‌گردند. این آرامگاه‌ها به صورت برج مانند ساخته می‌شد. انواع آن را می‌توان به صورت برج آرامگاهی با نقشه گرد از جمله گنبدکاووس (شکل ۹-۱) و یا آرامگاه‌های قبه‌ای شکل با نقشه چند ضلعی از جمله برج‌های خرقان (شکل ۹-۴) و همچنین برج‌های چند ضلعی و ترکیبی از جمله گنبد سرخ و کبود مراغه (شکل‌های ۹-۵ و ۹-۶) مشاهده کرد. از دیگر نوآوری‌های این دوره ساخت میل^۱ و مناره^۲ است که قدمتی کهن در معماری ایران دارد و نخستین میل تاریخ‌دار را می‌توان در میل ازدها^۳ ممسنی متعلق به دوره اشکانی دانست (شکل ۹-۷). در این دوره مناره‌ها به شیوه‌های مختلف ستاره شکل یا استوانه‌ای ساخته شد (شکل ۹-۸).



▲ شکل ۹-۴- برج خرقان، نزدیک قزوین



▲ شکل ۹-۶- گنبد سرخ، مراغه، آذربایجان شرقی



▲ شکل ۹-۵- گنبد کبود، مراغه، آذربایجان شرقی

۱- میل : در قدیم برای تعیین مسافت (هر هزارگام درجاده‌ها) ستونی برای مسافران می‌ساختند که به آن میل می‌گفتند.
 ۲- مناره (گلدسته) : محل نور (برافروختن آتش) - اذان - دیده‌بانی و رساندن اخبار - بنایی استوانه‌ای شکل که در مکان‌های مقدس از جمله مسجد می‌سازند.
 ۳- میل ازدها : ستون سنگی برای روشن کردن آتش (اشاره به آتش ازدها) است.



▲ شکل ۸-۹- منار جام، افغانستان



▲ شکل ۷-۹- میل ازدها، نورآباد ممسنی، فارس، دوره اشکانی

توجه به معماری‌های غیرمذهبی بنا به ضرورت و نیاز فرمانروایان این دوره در شکل کاخ‌ها (شکل ۹-۹) و دیگر بناهای مرتبط با تجارت، بازرگانی و سفر از جمله رباط‌ها و کاروانسراها (شکل ۹-۱۰) به ظهور رسیده است. در تمامی بناهای این دوره از مصالح و فنون ساخت عالی، طاقسازی، گنبد و عناصر مختلف معماری به خوبی بهره‌برداری شده است. همچنین کتیبه‌نگاری در تمامی بخش‌های بنا به کار رفته و توانسته ضمن نقش تزئینی، جنبه‌های کاربردی آن نیز مورد توجه باشد.



▲ شکل ۱۰-۹- رباط شرف، خراسان



▲ شکل ۹-۹- کاخ لشکری بازار، غزنه، افغانستان

۱- رباط (کاروانسرا) : محلی بین راه برای استراحت و اقامت مسافر و کاروان است.

شکوفایی عظیم هنرها در این دوره در هنر کتاب آرایبی نیز تجلی یافته است. تذهیب و خوشنویسی در تزئین کتابت قرآن مجید و همچنین کاربرد هنر کتاب آرایبی در آثار ادبی قابل توجه است. در این زمان همه کتاب‌ها دارای جلد‌های چرمی نفیس شدند. خوشنویسی هم با ظهور ابن بواب که توانست اقلام سته را با نقطه اندازه‌گذاری کند، رونق و شکوه فراوانی یافت (شکل ۹-۱۱).

شاخص‌ترین هنر کتاب آرایبی همان نقاشی و مصورسازی بود که نه تنها در نسخه‌های خطی بلکه در کلیه هنرها از جمله دیوارنگاری، کنده کاری سنگ‌ها، فلزکاری و ... به کار رفت. از این رو در نگارگری این دوره وحدت میان شیوه‌های نقاشی پیشین قابل توجه است. سطوح گسترده دیوارها، ظروف سفالین و نسخ خطی با سهولتی یکسان با شیوه نگارگری آراسته می‌شد.

مهم‌ترین ویژگی هنر نگارگری این دوران را می‌توان در استفاده رنگ سرخ زمینه، پرکردن زمینه با نقش اسلیمی، پوشش لباس‌های بدون چین و چروک و شیوه ترسیم انتزاعی نقوش گیاهی دانست. همچنین پیکره‌های کوتاه قامت، صورت‌های تمام رخ با دهان تنگ و چشمان مورب و قلم‌گیری (که بازمانده از سنت‌های نقاشی مانوی است) از دیگر ویژگی‌های نگارگری این دوره است. از نقش‌های پارچه، ظروف فلزی و سفالینه‌ها می‌توان وجود هنر نگارگری بسیار ظریفی را بازشناخت. بنا به اسناد تاریخی، نخستین نمونه نقاشی کتاب در این دوره اندرزنامه (قابوس‌نامه) است. اما شاخص‌ترین اثر کتاب فارسی مصور، کتاب «ورقه و گلشاه» است که در آن پیوند شعر و نقاشی به‌طور کامل مشهود است (شکل ۹-۱۲). نقاشی این دوره ریشه در نگرش تصویرسازی کهن ایرانی دارد.



▲ شکل ۹-۱۱- برگه‌ای از قرآن کریم با خطوط مختلف



▲ شکل ۹-۱۲- برگه‌ای از کتاب ورقه و گلشاه

در بین سده‌های چهارم تا ششم هجری مهارت بافندگی پارچه منقوش نیز به کمال رسید. در این پارچه‌ها طرح، نقش و بافت با وحدتی بی‌نظیر باعث شده تا آثار نفیسی به وجود آید. هنرمند با آوردن درخت مقدس زندگی^۱، تاک‌های پیچاپیچ، نخل، خوشنویسی و هیكل‌های نرم و لطیف جانوران و

۱- درخت زندگی: نماد جاودانگی به شمار می‌رود.

صورت‌های متین انسانی، نوعی وحدت موضوعی با بافت پارچه پدید آورده است (شکل ۹-۱۳). جنس اغلب این پارچه‌ها، ابریشمی و میراث‌دار هنر و سنت ساسانی است. از جمله نقش‌های منحصر به فرد، نقش شیر و طاووس در دو طرف درخت زندگی است که در دایره‌ای محاط شده (طاووس نشانه آسمان پرستاره) است. همچنین وجود برگ پهن با نقطه‌های درشت از سبک سفال‌های مینایی اقتباس شده است. وجود حشرات (پروانه) در این نوع نقش و بافت پارچه، نوعی بدعت و ابتکار در نقوش است. طرح دو طاووس و نخل با ساقه نازک که شاخ و برگش مانند چهره انسانی است از ابداعات هنرمندان دوره اسلامی به‌شمار می‌رود (شکل ۹-۱۴). این پارچه‌ها معمولاً در کاربردهای مختلف و با رنگ‌های متنوع که نشان دهنده مهارت بالای رنگرزی الیاف است، تولید می‌شده است.



▲ شکل ۹-۱۳- نمونه پارچه آل بویه با طرح ساسانی، ابریشم



▲ شکل ۹-۱۴- بخشی از پارچه با طرح پرده

فلزکاران نیز در این دوره همه گونه اشیاء زیبا را به شیوه‌های گوناگون فلزکاری می‌ساختند و بیشترین شکل‌ها و نقش‌های به‌جا مانده نقوش جانوری، پرندگان و یا موجودات تلفیقی است. شاخص اصلی شکل ظروف در کاربردهای مختلف، نقش پرده و شاخه با تزیینات شبدری^۱ و ترنجی^۲ بوده است (شکل ۹-۱۵). همچنین بیشتر این نقوش بر روی گچ‌بری‌ها و سفالگری نیز دیده می‌شود. هنر سفالگری در این دوره نیز به تدریج از لحاظ کمیت و کیفیت پیشرفت کرد و به موازات هنر فلزکاری مفرغی به عالی‌ترین درجه خود نائل گردید. پخت سفال‌هایی خاص و نازک به نام «پوست تخم مرغی» که با طرح‌های ظریف شاخ و برگ گیاهی تزیین شده و به وسیله لعاب شفاف قلیایی پوشانده شده بود، در این دوره به وجود آمد (شکل ۹-۱۶). وجود ظروف با تزیین مینایی^۳ که از نظر ظرافت و تنوع نقوش با نسخه‌های خطی این دوره قابل مقایسه است، بر همکاری نگارگران و سفالگران دلالت دارد. بیشترین



▲ شکل ۹-۱۵- ظرف فلزی

۱- شبدری: تزیینات به شکل شبدر (گیاهی سه‌پر) را گویند.

۲- ترنجی: تزیینات طرح مرکزی دایره یا بیضی شکل را ترنجی می‌نامند.

۳- مینایی: به کارگیری لعاب‌های رنگارنگ بر روی ظروف را مینایی می‌گویند.

موضوع این نقاشی‌های روی ظروف، مجالس بزم و رزم و گاه موضوعات داستانی برگرفته از ادبیات فارسی است (شکل ۹-۱۷).



▲ شکل ۱۶-۹ ظرف سفید، طرح چینی



▲ شکل ۱۷-۹ ظرف مینایی، دوره خوارزمشاهی

گاه‌نگار درس نهم

دوره میانه (اسلامی)	
سده چهارم تا ششم هجری	سده دهم تا دوازدهم میلادی
(۵۰۰-۶۰۰)(۴۰۰-۵۰۰)(۳۰۰-۴۰۰)	
هنرها: معماری، گچ‌بری، آجرکاری، سفالگری، کاشی‌کاری (تکرنگ)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نقاشی، بافندگی	
مناطق: اصفهان، زواره، گنبد کاووس، خرقان، مراغه، غزنه، ری	
سلسله‌ها: سامانیان، آل زیار، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اتابکان	

- ۱- تحولات معماری سده‌های چهارم تا ششم هجری را بیان کنید.
- ۲- مساجد چهار ایوانی از چه دوره‌ای در ایران ساخته شدند؟ دو نمونه را نام ببرید.
- ۳- عناصر (اجزاء) جدید معماری در سده‌های چهارم تا ششم هجری نسبت به گذشته را نام ببرید.
- ۴- معماری غیر مذهبی در چه نوع بناهایی تجلی یافت؟
- ۵- مهم‌ترین تزئینات معماری سده‌های چهارم تا ششم هجری را بیان کنید.
- ۶- کتاب‌آرایی سده‌های چهارم تا ششم هجری چگونه بود و از چه هنرهایی بهره می‌گرفت؟
- ۷- ویژگی‌های مهم نگارگری سده‌های چهارم تا ششم را ذکر کنید.
- ۸- وضعیت پارچه‌بافی سده‌های چهارم و ششم را شرح داده و نقوش آنها را با دوران قبل مقایسه کنید.
- ۹- نقوش آثار فلزی سده‌های چهارم تا ششم را توصیف کنید.
- ۱۰- تزئینات و نقاشی‌های سده‌های چهارم تا ششم هجری دارای چه موضوعاتی بوده‌اند؟
- ۱۱- کدام یک از مساجد زیر از مساجد چهارایوانی به‌شمار می‌روند؟ این مساجد در چه دوره‌ای در ایران ساخته شده‌اند؟
 - الف) مسجد جامع اصفهان، سده ۴ تا ۶ هجری
 - ب) مسجد جامع شوش، سده ۱ تا ۳ هجری
 - ج) مسجد جامع زواره، سده ۴ تا ۶ هجری
 - د) مورد الف و ج

هنر و تمدن ایران در سده هفتم و هشتم هجری



- اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :
- ۱- تحولات عناصر معماری سده هفتم و هشتم هجری را بیان کند.
 - ۲- آثار شاخص معماری سده هفتم و هشتم را نام ببرد.
 - ۳- تزیینات معماری سده هفتم و هشتم را بشناسد.
 - ۴- وضعیت نگارگری سده هفتم و هشتم را شرح دهد.
 - ۵- ویژگی نگارگری های سده هفتم و هشتم را بیان کند.
 - ۶- کتاب های تصویرسازی شده سده هفتم و هشتم را نام ببرد.

- ۷- ویژگی‌های نگارگری مکتب شیراز را بیان کند.
- ۸- ویژگی‌های مکتب نگارگری جلایری را ذکر کند.
- ۹- وضعیت خوشنویسی سده هفتم و هشتم را بیان کند.
- ۱۰- مراکز سفالگری سده هفتم و هشتم را نام ببرد.
- ۱۱- تحولات پارچه‌بافی در سده هفتم و هشتم را بیان کند.

هنر و تمدن ایران در سده هفتم و هشتم هجری



▲ شکل ۱-۱۰ الف- گنبد سلطانیه، آرامگاه اولجایتو، زنجان

در سده‌های هفتم و هشتم هجری با حملات فراگیر مغول به مرز و بوم ایران برای مدتی اوضاع نابسامانی شکل گرفت. اما با درایت اندیشمندان و سیاستمداران ایرانی و نفوذ آنان به دستگاه حکومت این اقوام وحشی شرایط به گونه دیگری رقم خورد. همین مردمانی که با نگرشی وحشیانه و خونخوار تربیت یافته بودند به فرمانروایان هنردوست تبدیل شدند. از جمله اقدامات مهم فرهنگی در این دوره رَبع رشیدی^۱ است. در این دوره شاهد برپایی برخی از عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین بناها و همچنین هنرهای متفاوت هستیم. این دوران زمینه‌ساز حکومت‌های متفاوت مغولی از جمله بر سرکار آمدن ایلخانان، جلایریان، آل مظفر و ... می‌باشد.



▲ شکل ۱-۱۰ ب- طرح بازسازی شده گنبد سلطانیه

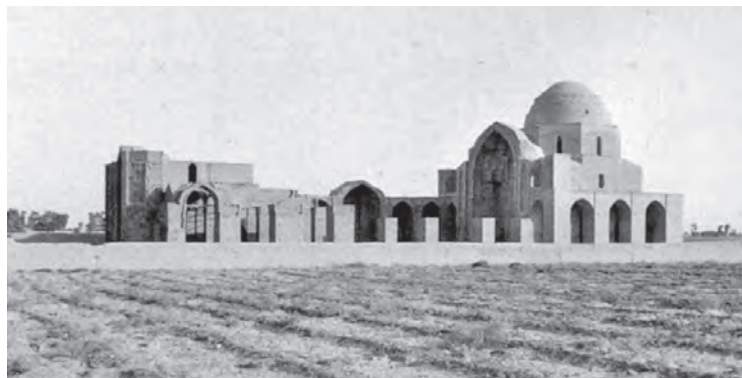
در معماری این دوره نیز ساختن آرامگاه‌های بلند و برج مانند برای مشایخ و بزرگان همچون دو سده قبل رواج بسیاری یافت. با این تفاوت که با کاشی لعاب‌دار تزئین می‌شد و بر فراز آنها پوشش گنبدی یا هرمی هشت‌گوش وجود داشت که نمونه دیگر آن را می‌توان در گنبد سلطانیه دید (شکل ۱-۱۰ الف و ب).

۱- ربع رشیدی: مجموعه بناهای علمی فرهنگی (مسجد، مدرسه، دارالشفاء، و کتابخانه) که در اواخر سده هفتم هجری به دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله در تبریز ساخته شد.

مهم‌ترین تحول معماری در این دوره که در برخی منابع آن را به شیوه آذری خوانده‌اند، شامل بلندی بنا، گنبد‌های ساق بلند، نقشه هشت ضلعی و گنبد دو پوسته و ایوان‌های باریک و بلند است. همچنین بلندتر شدن سقف اتاق‌ها و ارتفاع مناره‌ها، تزیینات بنا با پوشش کاشی، گچ کاری رنگی و مقرنس کاری^۱ است (شکل ۲-۱). شاخص‌ترین اثر معماری این دوره را می‌توان مسجد جامع ورامین (شکل ۳-۱)، مسجد جامع یزد (شکل ۴-۱)، مسجد جامع کرمان (شکل ۵-۱)، آرامگاه بایزید بسطامی (شکل ۶-۱)، آرامگاه شیخ عبدالصمد



▲ شکل ۲-۱ نمای داخلی گنبد سلطانیه، زنجان



▲ شکل ۳-۱ مسجد جامع ورامین



▲ شکل ۶-۱ آرامگاه بایزید بسطامی



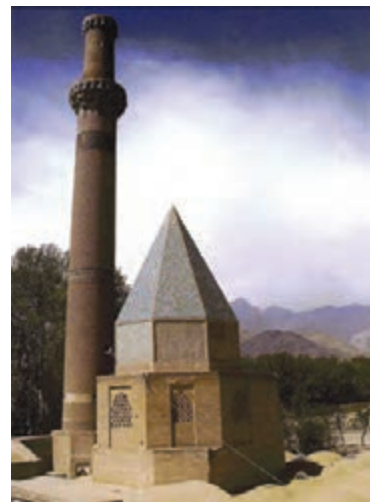
▲ شکل ۵-۱ مسجد جامع کرمان



▲ شکل ۴-۱ مسجد جامع یزد

۱- مقرنس کاری: تزیینات پله پله، کنگره‌ای و قرنیزدار در معماری را مقرنس کاری گویند.

(شکل ۷-۱) و بناهای دیگر از جمله رصدخانه مراغه و قصر ایلخانی در تخت سلیمان (شکل ۸-۱) را نام برد. همچنین بارزترین تزینات معماری را می‌توان در محراب‌سازی مسجد جامع اصفهان دید (شکل ۹-۱). اما تحول دیگر در زمینه کاشی معرق است که جایگزین آجرکاری‌ها و تلفیق آن با کاشی بنایی شده است.



▲ شکل ۸-۱ چشم انداز کلی، تخت سلیمان، آذربایجان غربی

▲ شکل ۷-۱ آرامگاه شیخ عبدالصمد، نطنز



▲ شکل ۹-۱ محراب مسجد جامع اصفهان

میراث هنری دیگری که در این دوره به حد شکوفایی خود می‌رسد، نگارگری است. در این دوره تحریم نگارگری تا اندازه‌ای شکسته شد و جنبه همگانی‌تری یافت. این زمان با بهره‌گیری از تأثیرات هنری پیشین، نگارگری ناب ایرانی پدید آمد.

هنرمند ایرانی با آگاهی و درک مناسب از تصویرگری توانست تأثیرات هنر خاور دور (چین) مانند دقت در جزئیات، ترسیم کوه به شیوه لایه لایه، ابرهای پیچان، هاشورزنی و ترسیم آب به صورت پولک پولک را با شیوه هنر بیزانسی^۱ یعنی استفاده از رنگ نقره‌ای و حالات چهره اشخاص را ترکیب نموده و با هوشمندی مناسب در هنر خود آورده و به آنها رنگ و بویی ایرانی ببخشد. تمامی این ویژگی‌ها برای کتاب‌هایی که بیانگر روح ایرانی هستند بسیار مناسب به نظر می‌رسید. برجسته‌ترین این آثار، شاهنامه فردوسی و کتب تاریخی است که همت والایی برای مصورسازی آن به کار رفته است (شکل‌های ۱۰-۱۱ و ۱۰-۱۱). در نیمه دوم سده هفتم هجری مرحله انتقالی سنت نگارگری با حضور هنرمندانی که وفادار به سنت ایرانی هستند، با آگاهی از ویژگی‌های هنری سرزمین‌های دیگر شکل گرفت (شکل ۱۰-۱۲). آنها توانستند با غنا بخشیدن به فنون هنری، توانمندی‌هایی در منظره‌سازی و استفاده همزمان از رنگ‌های جسمی و روحی پدید آوردند (شکل ۱۰-۱۳). اما همچنان آثاری نیز با تلفیق سنت‌های تصویری سده‌های چهارم تا ششم هجری و عناصر آسیای میانه در این زمان مشاهده می‌شود.

همزمان با دوران تسلط ایلخانان مغول، نگارگران شیراز توانستند میراث‌دار سنت‌های پیشین هنری ایران در نگارگری باشند. آنها همت بسیاری در تولید آثار



▲ شکل ۱۰-۱۰- برگی از کتاب شاهنامه بزرگ مغول، مکتب تبریز



▲ شکل ۱۰-۱۲- برگی از کتاب منافع الحيوان



▲ شکل ۱۰-۱۱- برگی از کتاب جوامع التواریخ، رشیدالدین فضل‌الله

۱- بیزانس: هنر و معماری سده چهارم تا پانزدهم میلادی در مردم شرقی به هنر بیزانس معروف است.



▲ شکل ۱۴-۱۰- برگي از مجموعه شعر مکتب شیراز سال ۸۰۰ هجری



▲ شکل ۱۳-۱۰- برگي از کتاب کلیله و دمنه



▲ شکل ۱۵-۱۰- برگي از کتاب دیوان خواجه کرمانی

مکتوب و سنت کتابت داشتند و ابداعاتی را در زمینه نقاشی و نگارگری ایجاد کردند. در این مکتب بر انسان تأکید تصویری بسیاری شده است. پیکره‌ها بیش از حد بلند قامت و بی‌تناسب با منظره و معماری کشیده می‌شد، پیرامون وی را نقوش گیاهی بسیاری پر می‌کرد و زمینه افق در بالا به کار می‌رفت. همچنین نوعی هماهنگی خط و رنگ رعایت می‌شد (شکل ۱۴-۱۰).

سنت دیگر نقاشی این دوره تاریخی در مکتب جلایری دیده می‌شود که در آن نوعی تحول پدید آمد و توانست شیوه و الگوی مناسبی را در سنت نگارگری ایجاد کند که تداوم آن را در دوره تیموری می‌توان جستجو کرد. این مکتب میراث‌دار سنت مکتب ایلخانی در تبریز، مکتب شیراز و بغداد بود. همراه با سیر تحول ادبیات فارسی و ظهور سبک عراقی و ادبیات تغزلی نوعی فضای شاعرانه و تصویرسازی خیالی را با هماهنگی میان پیکره و فضای تصویر، تنوع رنگ، ترکیب‌بندی دایره‌وار، تزئینات ماهرانه و تفکیک فضا (همزمانی) پدید آورد. شاخص آثار این دوره را می‌توان در دیوان خواجه کرمانی و مجموعه همای و همایون و دیوان سلطان احمد جلایر دید که برای اولین بار هنر تشعیر^۱ نیز به عنوان شیوه‌ای در تزئین دیوان اشعار به کار رفته است (شکل‌های ۱۵-۱۰ و ۱۶-۱۰).

۱- تشعیر: نوعی طراحی، قلم‌گیری و رنگ‌آمیزی محدود با نقوش سنتی که در کتاب‌آرایی به کار می‌رود.

همچنین هنر کتاب آرایي و خوشنویسی در زمینه‌های گسترده‌ای رواج یافت و کتابت را به هنری فاخر مبدل ساخت. این تحول با حضور استادان شش‌گانه خوشنویسی - از شاگردان یاقوت مستعصمی - در سه منطقه مهم فارس، خراسان و آذربایجان شکل می‌گیرد. این خوشنویسان هنر خویش را در کاربردهای مختلف تزیین بناها و کتابت نسخه‌های خطی گسترش دادند (شکل ۱۷-۱۰). همچنین ابداع خط نستعلیق توسط میرعلی تیریزی نیز به دوره جلایریان بازمی‌گردد.



▲ شکل ۱۷-۱۰ - برگي از قرآن مجيد



▲ شکل ۱۶-۱۰ - تشعير، برگي از کتاب ديوان سلطان احمد جلایر

سفالگری در این دوره نیز مورد توجه بوده است و از مهم‌ترین مراکز تولید سفال کاشان، ری و سلطان‌آباد است. سفالگران کاشانی به دلیل دارا بودن امکانات منطقه‌ای رشد قابل ملاحظه‌ای در سفالگری داشتند. آنها توانستند در این دوره نوشته‌های برجسته‌ای را به نقاشی بیفزایند و فن مشبک‌سازی ظروف سفالین را به کمال برسانند. همچنین در تزیین از طراحی و خطاطی و شیوه نگارگری بهره بردند (شکل ۱۸-۱۰). از مناطق رقیب کاشان بایستی به ری اشاره کرد که غالباً بر روی سفالینه‌ها موضوعاتی از جمله مجالس شکار یا چوگان را بر زمینه سفید یا لاجوردی به همراه نقش ترنج‌های زیبا و پرکار استفاده می‌کردند (شکل ۱۹-۱۰). همزمان شیوه سلطان‌آباد با نوعی ترنج چهارپر که درون آن را با تصاویر بسیار زنده از جمله گوزن و آهو پر می‌کردند به شیوه‌ای خاص و بدیع مبدل شد. در آن طرح شکوفه‌هایی با خط‌های باریک آبی روی زمینه‌های تاریک اجرا می‌شد (شکل ۲۰-۱۰ الف و ب).



▲ شکل ۱۸-۱۰ - ظرف سفالین، کاشان



ب



الف



▲ شکل ۱۹-۱۰- ظرف سفالین، سده ۸ هجری، ری

▲ شکل ۲۰-۱۰- ظرف سفالین، دوره ۸ هجری سلطان آباد، اراک

با وجود نمونه‌های اندک آثار فلزی در این دوره از جمله شمعدان‌های فلزی (شکل ۲۱-۱۰) باز هم نمی‌توان روش تولید این هنر در سده‌های هفتم و هشتم هجری را روشن نمود اما در برخی نسخه‌های مصور، ابزارهای فلزی گوناگونی دیده می‌شود.
هنر چوب نیز در این دوره براساس آثار باقیمانده، دارای اهمیت بوده است که از نمونه‌های شاخص آن می‌توان به منبر مسجد جامع نائین (شکل ۲۲-۱۰)، منبر مسجد جامع اصفهان و رحل چوبی اشاره کرد.



▲ شکل ۲۲-۱۰- منبر چوبی مسجد جامع نائین



▲ شکل ۲۱-۱۰- پایه شمعدان فلزی، شیراز

طراحی و بافت پارچه در این دوره به کلی تغییر می‌کند. نقش‌های پیش از اسلام از رواج افتاد و به جای آن رنگ‌های تند و تیره در زمینه پارچه معمول شد و تنها وسیله ایجاد برجستگی و تضاد به کار بردن الیاف فلزی در آنها بود. پارچه‌هایی با نقش راه راه و شاخ و برگ‌هایی از گل نیلوفر رایج شد. تزیینات پرندگان خیالی و جانوران به شکل رودوزی با الیاف فلزی بر روی پارچه‌ها به صورت تکراری به کار می‌رفت. گاهی این نقش‌ها به گونه‌ای قرار می‌گرفتند که بیننده احساس حرکت مورب می‌کرد (شکل ۲۳-۱۰).

به طور کلی در این دو سده نقش‌ها در آثار مختلف (پارچه، قلم‌زنی، کتاب‌آرایی، نگارگری و...) به شکل طرح‌های آزاد و گردان، عناصری چون گل نیلوفر آبی، ازدها، سیمرخ، ابرهای پیچان، پرندگان در حال پرواز و حیوانات در حال جست و خیز مشاهده می‌شود.



▲ شکل ۲۳-۱۰ نمونه‌های پارچه و لباس مغولی (برگرفته از آثار نگارگری)

گاه‌نگار درس دهم

دوره میانه (اسلامی)	
سده هفتم و هشتم هجری	سده سیزدهم و چهاردهم میلادی
(۷۰۰-۸۰۰) (۶۰۰-۷۰۰)	
هنرها: معماری، گچ‌بری، آجرکاری، سفالگری، کاشی‌کاری (معرق)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی، بافندگی	
مناطق: سلطانیه زنجان، ورامین، یزد، کرمان، بسطام، نظنز، تخت سلیمان، اصفهان، مراغه، تبریز، شیراز، ری	
سلسله‌ها: اتابکان، ایلخانان، مظفریان، جلاریان	

۱- عناصر (اجزاء) تازه معماری سده‌های هفتم و هشتم هجری را نسبت به دوره قبل بیان کنید.

۲- تزینات معماری سده هفتم و هشتم هجری چه بود؟

۳- شاخص‌ترین آثار معماری سده هفتم و هشتم هجری را نام ببرید.

۴- آثار غیر مذهبی معماری سده هفتم و هشتم چه بناهایی را شامل می‌شد؟

۵- وضعیت نگارگری سده‌های هفتم و هشتم را بیان کنید.

۶- مکتب نگارگری شیراز چه ویژگی‌هایی داشت؟

۷- وضعیت کتاب‌آرایی سده‌های هفتم و هشتم را شرح دهید.

۸- مراکز مهم سفالگری ایران در سده‌های هفتم و هشتم را نام ببرید.

۹- آثار سفالی سده‌های هفتم و هشتم چه تزیناتی داشته‌اند؟ شرح دهید.

۱۰- طراحی پارچه و بافت آن در سده هفتم و هشتم چه تغییراتی پیدا کرد؟

شرح دهید.

۱۱- جدول زیر را با توجه به محتوای درس با عبارات مناسب کامل کنید :

زمان	شاخص‌ترین آثار معماری سده ۷ و ۸ هجری	ویژگی نگارگری سده ۷ و ۸ هجری	مراکز سفالگری سده ۷ و ۸ هجری
سده ۷ و ۸ هجری		دقت در جزئیات، ترسیم کوه‌های لایه‌لایه، ابرهای پیچان، ترسیم آب به صورت پولک پولک، استفاده از رنگ نقره‌ای	

هنر و تمدن ایران در اواخر سده هشتم و نهم هجری

اهداف رفتاری: از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند:

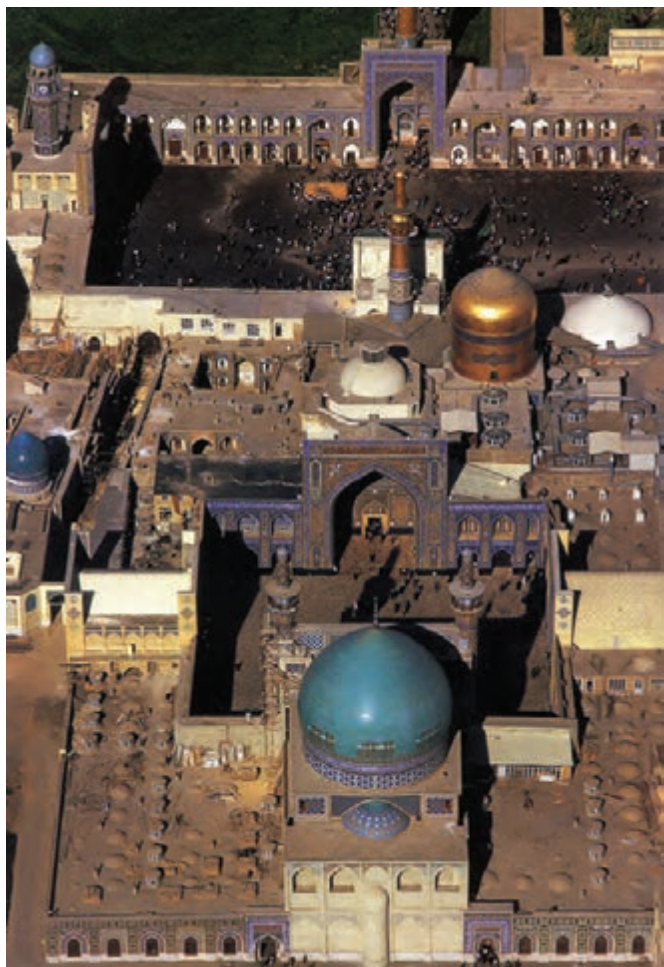
- ۱- تحولات معماری دوره تیموری را بیان کند.
- ۲- تحولات نگارگری دوره تیموری را بیان کند.
- ۳- آثار شاخص نگارگری دوره تیموری را نام ببرد.
- ۴- ویژگی‌های نگارگری دوره تیموری (مکتب هرات) را بیان کند.
- ۵- وضعیت سفالگری و تزیینات آن‌را در دوره تیموری شرح دهد.
- ۶- وضعیت پارچه‌بافی در دوره تیموری را بیان کند.

هنر و تمدن ایران در اواخر سده هشتم و نهم هجری

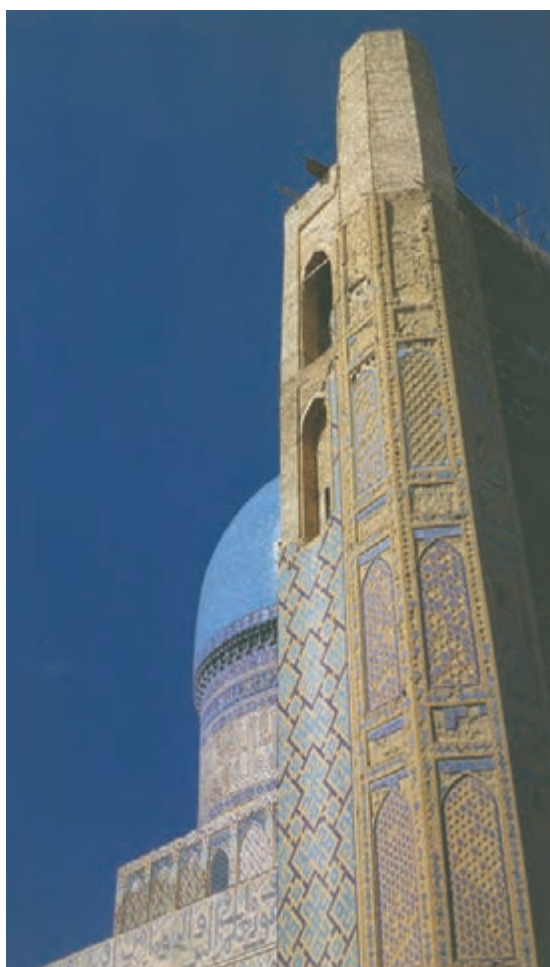
با به قدرت رسیدن تیمور و جانشینان وی تلاشی فراگیر انجام گرفت تا منابع هنری قلمرو آنان به صورت فرهنگ شاهانه‌ای همچون تجلی هنر پیشینیان و همسایگان قلمرو خود به وجود آید. از این رو تیمور با ساخت بناهای باشکوه و عظیم و پرداخت هزینه‌های بالا توانست آثار پدید آمده را همچون پوشش‌های جواهرنشان بیاراید. این ویژگی در تمامی قلمرو تحت سیطره تیمور و جانشینان او گسترش یافت و بناهای باشکوه با نمای کاشیکاری رنگارنگ آراسته شد. در دیگر سو هنر کتاب‌آرایی و نگارگری به عصر طلایی خود وارد شد. آن چنان که کامل‌ترین مکتب نگارگری ایرانی به دلیل ایرانی بودن سبک و نیز گسترش و تعالی هنرهای وابسته از جمله خوشنویسی و جلدسازی پدید آمد. در دوره تیموری شهر سمرقند به عنوان شهر سبز نامیده و مرکز اولیه حکومت تیموریان شد. پس از آن دو مرکز عمده با آثار فاخر هنری را می‌توان شیراز و هرات نامید که به عنوان دو مکتب اصلی هنری نیز شناخته می‌شوند.

مهم‌ترین اقدام تیمور پس از استقرار حکومت ساخت مسجد جامع شهر سمرقند به یاد همسر خود بی‌بی‌خاتون است (شکل ۱-۱۱) که براساس مساجد چهار ایوانی ساخته شده است. در دوران شاهرخ به دلیل گسترده‌گی شیعه، معماری بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) نوسازی گسترده‌ای یافت و

در کنار آن مسجد جامع بزرگ گوهرشاد با ۲ تالار اجتماع یعنی دارالسادات (جایگاه سیدان) و دارالحفاظ (حافظان قرآن مجید) ساخته و افزوده شد (شکل ۱۱-۲). همچنین الگوی مدرسه‌سازی توسط معمار بزرگ این دوران یعنی قوام‌الدین شیرازی به اوج می‌رسد (شکل ۱۱-۳ الف و ب).



▲ شکل ۱۱-۲ - مسجد گوهرشاد و بارگاه امام رضا (ع)، مشهد



▲ شکل ۱۱-۱ - مسجد بی بی خاتون، سمرقند



▲ شکل ۱۱-۳ ب - مدرسه غیانیه، خرگرد، خراسان



▲ شکل ۱۱-۳ الف - نمای داخلی مدرسه غیانیه

همانگونه که اشاره شد هنر کتابت و نگارگری در این دوره به اوج و شکوفایی می‌رسد و باعث پدید آمدن مکتب‌های کمال یافته شیراز و هرات می‌شود. مهم‌ترین تحول نگارگری در ادامه با تسلط رنگ قرمز در مکتب شیراز است. تداوم سنت هنری دوران جلایری نیز با تسلط رنگ آبی در مکتب هرات به کار می‌رود. آثار مهم تولید شده مکتب هرات در سه دوره شاه‌رخ، بایسنقر میرزا و کمال‌الدین بهزاد شامل معراج نامه (شکل ۴-۱۱) شاهنامه بایسنقری (شکل ۵-۱۱) و بوستان سعدی با نقاشی کمال‌الدین بهزاد (شکل ۶-۱۱) می‌شود. همچنین از مهم‌ترین تحولات نقاشی بعد از سده نهم هجری، رواج روزافزون تک چهره‌پردازی می‌باشد (شکل ۷-۱۱) که زمینه‌ساز نوعی مجلد به صورت مجموعه‌های نقاشی و خطاطی موسوم به مرقعات^۱ است. هنر کتاب‌آرایی با به‌کارگیری جلدهای سوخت و زرکوب در این زمان، مراحل تکامل خود را می‌پیماید که آثار به‌جامانده مایه افتخار و مباهات است. ویژگی بارز نقاشی و نگارگری در این دوره ایجاد کمال تعادل در اندازه‌ها، ترکیب‌بندی و رنگ‌آمیزی فاخر است. در این نقاشی پیکره انسان در برابر معماری با منظره طبیعی به درستی جای داده شده و به آن وحدت بخشیده است. در این جا نگارگر از توان خود برای تجسم جهانی تازه بهره برده که اوج آن‌را در شاهنامه بایسنقری می‌توان دید. تداوم نگرش هنری مکتب هرات را به گونه‌ای دیگر در مکتب ترکمانان و مکتب تبریز در دوره صفوی به دلیل حضور بهزاد و همچنین مکتب بخارا به دلیل حضور شاگردان بهزاد به خوبی می‌توان دید.



▲ شکل ۴-۱۱- برگی از کتاب معراج نامه



▲ شکل ۷-۱۱- تک چهره‌نگاری، بهزاد



▲ شکل ۶-۱۱- برگی از کتاب بوستان سعدی، اثر بهزاد



▲ شکل ۵-۱۱- برگی از شاهنامه بایسنقری

۱- مرقعات: مجموعه‌ای از قطعات نگارگری و خوشنویسی که از کناره‌ها به یکدیگر متصل شده است.

هنر خوشنویسی نیز در این دوره با کاربردها و تنوع چشمگیری تداوم می‌یابد.

هنر چوب و فلز با دقت عمل و ظرافت، بسیار هنرمندانه در این دوره پدید می‌آید. از شاخص‌های هنر چوبی می‌توان به درهای یک بقعه معروف (شکل ۸-۱۱) اشاره کرد. فلزکاری همراه با فن طلاکوبی و نقره‌کوبی روی مفرغ به کمال خود می‌رسد. وجود طرح‌های بسیار ظریف و زیبا که در اختیار تمامی گروه‌های هنری این دوره بود توانست تا به تکامل شیوه ساخت اشیاء در هنر فلزکاری کمک فراوانی کند. این امر سبب شد تا، آثار با ارزشی از فلزات دیگر به جای ظروف زرین و سیمین که ایشکال شرعی داشتند، به وجود آید (شکل ۹-۱۱).

با گسترش روابط میان ایران و چین و نیاز روزافزون به آثار سفالین، ساخت محصولات از قبیل چینی‌های آبی و سفید و تک‌رنگ در برخی از کارگاه‌های سفالگری ایران آغاز می‌شود. آثار مورد توجه در این دوره بیشتر شامل نمونه‌هایی با قلم‌گیری تیره در زیر لعاب شفاف فیروزه‌ای و سبز یا به صورت نقاشی با رنگ‌های مختلف در زیر لعاب شفاف بی‌رنگ بود. برخی نیز به صورت نقاشی زرین فام^۱ بودند که در قالب اشیاء تزئینی و کاربردی، و کاشی به کار می‌رفتند (شکل ۱۰-۱۱).



▲ شکل ۸-۱۱- در چوبی، بقعه احمد یَسوی



▲ شکل ۹-۱۱- ظرف فلزی



▲ شکل ۱۰-۱۱- ظرف سنگی

۱- زرین فام: نوعی لعاب براق و درخشان که تداعی کننده تالو طلا است.

در این دوره استفاده از کاشی معرق^۱ برای تزئین بنا، بسیار رواج داشت. نمونه بارز آن را می‌توان در کاشی‌کاری مسجد گوهرشاد و مسجد کبود دید (شکل ۱۱-۱۱).

همچنین در سفالگری این دوران، ساخت ظروف معروف به «آبی و سفید» در مناطق گرگان (جرجان قدیم) و کرمان رواج داشته است (شکل ۱۱-۱۲).

پارچه‌های ظریف و با کیفیت بسیار بالا را تنها می‌توان در دیگر آثار هنری از جمله نگارگری یافت. با این حال براساس این نمونه‌های غیر مستقیم از فن پارچه‌بافی دلیلی بر وجود کیفیت بالای پارچه در این دوره است. هر چند که ممکن است نقاش و نگارگر براساس سلیقه خود یا هماهنگی در تصویر در رنگ‌آمیزی آنها دخل و تصرف انجام داده باشد (شکل ۱۱-۱۳).



▲ شکل ۱۱-۱۱- کاشی‌کاری، مسجد کبود، تبریز



▲ شکل ۱۱-۱۳- طرح پارچه و لباس دوره تیموری (برگرفته از نگارگری)



▲ شکل ۱۱-۱۲- ظرف آبی و سفید، سده ۹ هجری، شرق ایران

۱- کاشی معرق: نوعی تزئینات کاشی‌کاری که از بردن و کنار هم گذاشتن کاشی‌های رنگارنگ در طرح‌ها و نقوش سنتی به کار می‌رود.

گاه نگار درس یازدهم

دوره میانه (اسلامی)	
اواخر سده هشتم و نهم هجری	اواخر سده چهاردهم و پانزدهم میلادی
(۸۰۰-۹۰۰) (۸۰۰-۷۵۰)	
هنرها: معماری، گچ‌بری، آجرکاری، سفالگری، کاشی‌کاری (معرق)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی، بافندگی، هنر چوب، آثار سنگی	
مناطق: سمرقند، هرات، شیراز، مشهد، خرگرد، تبریز	
سلسله‌ها: جلایریان، تیموریان، قراقویونلو، آق‌قویونلو	

پرسش

- ۱- مهم‌ترین آثار معماری دوره تیموری کدامند؟
- ۲- نگارگری در دوره تیموری چه تحولی پیدا کرد؟ توضیح دهید.
- ۳- آثار شاخص کتاب‌آرایی و نگارگری دوره تیموری را ذکر کنید.
- ۴- مکتب نگارگری هرات (تیموری) را چه کسانی رونق می‌بخشیدند؟
- ۵- ویژگی‌های نگارگری دوره تیموری (مکتب هرات) را بیان کنید.
- ۶- سفالگری دوره تیموری چه وضعیتی داشت و از چه تزییناتی برخوردار بود؟
- ۷- پارچه‌بافی در دوره تیموری را با قبل از آن مقایسه کنید.
- ۸- تزیینات معماری دوره تیموری چه بود؟
- ۹- معماری دوره تیموری را با قبل از آن مقایسه کنید.
- ۱۰- جای خالی در جمله زیر را با کلمات مناسب پر کنید:
نمونه کاشی معرق در سده ۸ و ۹ هجری در دوبنای و مشاهده می‌شود.
- ۱۱- مسجد کبود تبریز دارای چه نوع کاشی‌کاری بوده است؟
- الف) کاشی هفت‌رنگ ب) کاشی زرین‌فام ج) کاشی معرق د) هیچ‌کدام
- ۱۲- جدول زیر را با توجه به عناوین هر قسمت کامل کنید:

زمان	شاخص‌ترین آثار معماری سده ۸ و ۹ هجری	نام افرادی که در جهت رشد نگارگری در سده ۸ و ۹ هجری تلاش کردند	آثار شاخص نگارگری
	بارگاه ملکوتی امام رضا، مسجد گوهرشاد، تالار اجتماع دارالسلطات و دارالحفاظ		معراج‌نامه، شاهنامه بایسنقری، بوستان سعدی

هنر و تمدن ایران در سده دهم و یازدهم هجری



▲ نقشه سده دهم تا دوازدهم هجری

اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- چگونگی معماری دوره صفوی را شرح دهد.
- ۲- تنوع آثار معماری دوره صفوی را بیان کند.
- ۳- ویژگی‌های نگارگری مکتب تبریز صفوی را ذکر کند.
- ۴- آثار شاخص نگارگری دوره صفوی را نام ببرد.
- ۵- نگارگری شاخص دوره صفوی را نام ببرد.
- ۶- ویژگی‌های مکتب هنری قزوین را ذکر کند.
- ۷- تحولات نگارگری دوره صفوی در مکتب اصفهان را بیان کند.
- ۸- تأثیر نگارگری بر سایر هنرها را ذکر کند.
- ۹- ویژگی‌های قالی‌بافی دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۰- پارچه‌بافی دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۱- سفالگری دوره صفوی را شرح دهد.
- ۱۲- هنر فلزکاری دوره صفوی را شرح دهد.

هنر و تمدن ایران در سده دهم و یازدهم هجری

در دوران صفوی مراکز هنری ایران به سمت ناحیه غربی و مرکزی ایران کشیده شد و توانست با حفظ سنت‌های کهن هنر ایرانی جایگاه مهم و خاصی را در تمدن ایرانی رقم زند. همچون دیگر سلسله‌های حکومتی، در این دوره نیز تلاش بر آن بود که آثار مهمی در راستای اهداف اسلامی برداشته شود. باشکوه‌ترین مساجد از نظر طول، بزرگی و زیبایی با تزیینات و کتیبه‌های خوشنویسی شده در این زمان ساخته شد (شکل ۱-۱۲ الف و ب). همچنین به دلیل اهمیت به امر تعلیم و تربیت در فرهنگ اسلامی مدرسه‌هایی با ایوان‌های بزرگ دو طبقه و حجره‌دار همچون مدرسه چهار باغ در اصفهان



ب



الف

▲ شکل ۱-۱۲- مسجد امام، میدان نقش جهان، اصفهان

ساخته شد (شکل ۲-۱۲). در این زمان به پاس بزرگداشت مذهب شیعه و بزرگان دین، تلاش بسیاری برای ساخت آرامگاه‌هایی در شأن بزرگان و ائمه به‌ویژه در کر بلا، سامرا و نجف اشرف صورت گرفت. در این مکان‌ها گنبدهایی بی‌بازی شکل همراه با گلدسته‌های استوانه‌ای بلند بنا شد (شکل ۳-۱۲).



▲ شکل ۳-۱۲- بارگاه ملکوتی امام علی (ع) در نجف اشرف



▲ شکل ۲-۱۲- مدرسه چهار باغ، اصفهان

بناهای دینی در این دوران با کاشی‌های زیبا و نقش گل و بوته به شکلی چشم‌نوازترین می‌شد که دلالت بر خوش ذوقی و عشق به هنر است. سبک معماری این دوره که بیشتر در اصفهان خودنمایی می‌کرد به شیوه‌های متفاوت در تجربیات هنری گوناگون از جمله کاخ‌سازی، راهسازی، شهرسازی و مکان‌های عمومی، توجه داشت. آثار منحصر به فردی از بناهای غیردینی نظیر کاخ چهل ستون، هشت بهشت (شکل ۴-۱۲)، بازارها و کاروانسراها در شهرهای بزرگ و راه‌های اصلی بازرگانی و تجارت، ایجاد شد.

دوره صفویه ابتدا با حضور کمال‌الدین بهزاد (از استادان برجسته مکتب هرات) که به سرپرستی کتابخانه سلطنتی در تبریز منسوب شده بود توانست موقعیت هنری خود را تثبیت کند. پس از بهزاد، شاگردان وی این مسئله مهم را پی‌گرفتند. این دوره هنری، تلفیق سنت‌های مکتب هرات و

ویژگی محلی تبریز بود که توسط سلطان محمد انجام گرفت. رنگ طلایی در آن بیش از حد استفاده می‌شد و بیشتر موضوعات نقاشی را موضوعات درباری و گاهی موضوعات عادی دربر می‌گرفت.



▲ شکل ۴-۱۲- کاخ هشت بهشت، اصفهان

نگارگری از نوعی ترکیب بندی حلزونی پیروی می‌کرد که شاخص آن را می‌توان در نسخه شاهنامه نفیس این دوران دید (شکل ۵-۱۲). پس از تبریز، برای مدت زمان کوتاهی، مکتبی هنری در مشهد (در نیمه دوم سده دهم هجری) ظهور کرد که در آن ویژگی‌های مکتب تبریز با عناصر محلی ادغام و روش جدیدی پدید آمد. در این مکتب بیشترین توجه به موضوعات عادی و ترسیم درخت کهنسال با تنه و شاخه گره‌دار و استفاده از رنگ سفید خودنمایی می‌کند. حاصل این تجربه هنری را می‌توان در کتاب هفت اورنگ جامی دید (شکل ۶-۱۲).



▲ شکل ۶-۱۲- برگي از كتاب هفت اورنگ جامي



▲ شکل ۵-۱۲- برگي از شاهنامه شاه طهماسبی

در اواخر سده دهم (۹۴۷ هـ.) با حضور مکتب هنری قزوین، هنرمندان درباری، بیشتر به دیوارنگاری گماشته شدند. از این رو برخی از هنرمندان به دلیل رویکرد تجاری و سفارش‌دهندگان معمولی رو به تولید مرقعات آوردند. به همین دلیل سنت کتاب‌آرایی به میزان اندکی رو به ضعف گذاشت. در مکتب قزوین با تغییر و تحول سبک مشهد روبه‌رو هستیم. در این دوره هنری، کاهش تنوع رنگ و پیکره‌ها در نگارگری پدید می‌آید. با این وجود همچنان سنت شاهنامه‌نگاری (شکل ۷-۱۲) وجود دارد. دیوارنگاری در دیگر اماکن نیز تحولی در دوره‌های بعد پدید می‌آورد (شکل ۸-۱۲). تا این دوره معمولاً خوشنویسان آثار خود را رقم (امضا) می‌زدند اما به دلیل ارزش یافتن مقام نقاش تحولی در برابری میان صاحبان قلم (نویسندگان و خوشنویسان) و قلم‌مو (نقاشان) ایجاد شده و نگارگران نیز آثار خود را رقم می‌زدند. این سنت از جُنید در دوره جلایری به بعد مرسوم شده بود.



▲ شکل ۸-۱۲- عمارت چهلستون، قزوین



▲ شکل ۷-۱۲- برگی از شاهنامه قوام

در میانه سده یازدهم هجری با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت صفوی تحولی نیز در عرصه نگارگری ایجاد شد. شیوه مستقل رضاعباسی^۱ (مکتب اصفهان) با گرایش واقع‌نگاری و تأکید بر قلم‌گیری شکل‌گرفت. رویکرد تجارت جهانی و حضور هنرمندان هلندی و اروپایی، تأثیر به‌سزایی بر هنرهای بصری این دوره داشت. هرچند که هنر ایرانی در دوره صفویه توانست سهم بسزایی را در هنر گورکانی (مغولان هند)، کشمیر (هند) و عثمانی (ترکیه) بگذارد اما خود نیز تحت تأثیر هنر اروپایی قرار گرفت و نوعی هنر به‌عنوان فرنگی‌سازی در ایران رایج شد (شکل ۹-۱۲).

این رویکرد جدید باعث شد تا هنرمندان سبک‌ترین پیشین و موضوعات مبتنی بر ادبیات غنی فارسی را کنار گذاشته و براساس سلیقه روز به‌چهره‌پردازی و منظرهای طبیعی و دورنما‌سازی توجه کنند. آنها روشی تلفیقی نیز از سنت‌های هنری با تأثیرات اروپایی ایجاد کردند (شکل ۱۰-۱۲). پیامد این تحول زمینه‌ساز گرایشات متعدد از جمله، رواج سیاه‌قلم، مرقعات، دیوارنگاری، نقاشی گل و مرغ و شیوه‌های مردم‌نگاری^۲ شد (شکل ۱۱-۱۲).

در این دوره همه هنرها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برخوردار از تجربیات هنری نگارگران بودند. تاجایی که شیوه طراحی و ایجاد نقش و رنگ‌آمیزی آنان بر دیگر هنرها تأثیر غیرقابل‌انکاری داشته است. از جمله هنرهای تأثیرگرفته؛ فن بافندگی یعنی پارچه‌بافی و قالی‌است. تحول بافت و

۱- رضاعباسی: هنرمند مشهور نگارگر دوره صفویه و پایه‌گذار مکتب اصفهان بوده است.

۲- شیوه مردم‌نگاری: شیوه هنری که موضوع آن زندگی روزمره مردم عادی است.



▲ شکل ۱۰-۱۲- نقاشی اثر محمد زمان



▲ شکل ۹-۱۲- نقاشی اثر رضا عباسی



▲ شکل ۱۱-۱۲- گل و مرغ

منسوجات با وجود پیشینه بسیار غنی در این دوره به نیمه اول سده دهم هجری باز می‌گردد که زمینه‌ساز تولید فرش‌هایی مانند فرش‌های اردبیل (شکل ۱۲-۱۲) و فرش‌های اصفهان شد. غنای فرش‌های تولید شده به دلیل کاربرد طرح‌های اسلیمی، ختایی، شمشه‌ها و ... با الیاف ابریشم است (شکل ۱۲-۱۳). همچنین وجود ابریشم فراوان در این دوره، زمینه‌ساز تولید پارچه‌های نفیس از جمله زربفت بود (بسیار مورد توجه دربار بوده). این پارچه‌ها با زمینه رنگی و از تار و پود طلا بافته می‌شد. نقش گل‌ها از ابریشم براق با رنگی نزدیک به متن بود و در آن از طرح‌های نگارگری نیز بهره می‌بردند (شکل ۱۲-۱۴). فن بافت نیز با بافت پارچه‌های مخمل همراه با طرح گل و بوته برجسته و تافته براق با نخ‌های چند تایی (چند نخ تابیده در هم) تحول اساسی یافت. ایجاد طرح‌های نگارگری در



▲ شکل ۱۳-۱۲- بخشی از قالی با نقش‌های اسلیمی و ختایی



▲ شکل ۱۲-۱۲- فرش اردبیل

بافت پارچه، کاری بسیار دشوار بود ولی هنرمندان یزدی و کاشانی در این زمینه ابداعات و نوآوری‌های زیبایی پدید آوردند (شکل ۱۵-۱۲).

در اوایل سده دهم همراه با حفظ سنت‌های پیشین در عرصه سفالگری، تحولات چشمگیری پدید آمد. علت اساسی آن تلاش برای رقابت در بازارهای جهانی آن عصر بود. ایران در این زمینه توانست با بهره‌گیری از فن‌آوری ظروف چینی در اصفهان، آثار بسیار نفیس و ارزشمندی را تولید کرده و صادر نماید. نزدیک‌تر بودن ایران به بازار اروپا نسبت به چین (دوره مینگ^۱) این آثار به‌خوبی در عرصه بازار جهانی حضور یافت. تولیدات ایران از نظر کیفیت هم با محصولات چین کاملاً برابری می‌کرد (شکل ۱۶-۱۲).

زیرا ظروف چینی تولید شده در ایران دارای جداره‌ای نازک، ظریف و نیمه شفاف بود که تا پایان سده سیزدهم هجری نیز رواج داشت. در این دوره تمامی روش‌های شکل‌دهی و تزئین مانند روش‌های زیررنگی، رورنگی (ظروف مینایی)، زرین فام و روش تزئین هفت رنگ رایج بود (شکل ۱۷-۱۲).



▲ شکل ۱۴-۱۲- نقش پارچه، دوره صفویه

۱- دوره مینگ : سلسله فرمانروایان چین در سده ۱۴ تا ۱۷ میلادی



▲ شکل ۱۶-۱۲- ظرف کوباجه ای (بدل چینی)



▲ شکل ۱۵-۱۲- پارچه بانقش نگارگری، دوره صفویه



▲ شکل ۱۷-۱۲- نقش کاشی هفت رنگ، دوره صفویه

در دوره صفوی علاوه بر کاشی معرق، از نوعی کاشی هفت رنگ^۱ برای سرعت بخشیدن در تکمیل تزئین دیوار بناها استفاده می شد (شکل ۱۸-۱۲ الف و ب). نقوش به کار رفته در این کاشی ها غالباً نقوش اسلامی و ختایی با رنگ های متنوع لاجوردی، آبی، سفید، زرد اُکر، سیاه، قهوه ای و سبز بودند.

۱- کاشی هفت رنگ: نقاشی با لعاب بر روی کاشی های کنار یکدیگر را کاشی هفت رنگ می نامند.



▲ شکل ۱۸-۱۲-ب - کاشی کاری هفت رنگ، مسجد شیخ لطف الله، اصفهان



▲ شکل ۱۸-۱۲-الف - کاشی کاری هفت رنگ
مسجد امام، اصفهان

هنر فلزکاری نیز دوران تحول و رشد خود را گذراند به طوری که در اواخر سده دهم ترصیع کاری با فلزات گرانبها و کتیبه‌هایی به خط نستعلیق، نوعی زیبایی چشمگیر را در این هنر پدید آورد. دوباره هنر فلزکاری احیا شد و تزیینات گل و گیاهی و اسلیمی و ختایی اهمیت ویژه‌ای در این هنر یافت (شکل ۱۹-۱۲).



▲ شکل ۱۹-۱۲ - ظرف فلزی

گاه نگار درس دوازدهم

دوره میانه (اسلامی)	
سده دهم و یازدهم هجری	سده شانزدهم و هفدهم میلادی
(۱۱۰۰-۹۰۰) (۱۰۰۰-۹۰۰)	
هنرها: معماری، سفالگری و بدل چینی، کاشی کاری (هفت رنگ)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی، بافندگی (پارچه و فرش)، هنر چوب، آثار سنگی	
مناطق: تبریز، قزوین، مشهد، اصفهان	
سلسله‌ها: شیبانی (ازبک)، صفویه	

پرسش

- ۱- معماری در دوره صفوی چه وضعیتی پیدا کرد؟
- ۲- آثار معماری دوره صفوی را از نظر نوع بنا دسته‌بندی کنید.
- ۳- نگارگری مکتب صفوی تبریز چه ویژگی‌هایی داشته است؟
- ۴- آثار شاخص و نگارگران معروف دوره صفوی را نام ببرید.
- ۵- مکتب هنری قزوین چه ویژگی‌هایی داشت؟
- ۶- تحولات نگارگری مکتب اصفهان را شرح دهید.
- ۷- نگارگری دوره صفوی بر سایر هنرها چه تأثیری داشت؟ نمونه‌هایی را ذکر کنید.
- ۸- قالی‌بافی در دوره صفوی چه وضعیتی داشت؟
- ۹- وضعیت فلزکاری دوره صفوی را توضیح دهید.
- ۱۰- تزیین ظروف سفالی در دوره صفوی چگونه بود؟
- ۱۱- کدام یک از آثار زیر از شاخص‌ترین آثار نگارگری در سده ۱۰ و ۱۱ هجری است؟

الف) شاهنامه بایسنقری	ب) هفت اورنگ
ج) شاهنامه طهماسبی	د) مورد ب، ج

فصل چهارم

دوران جدید



▲ نقشه ایران، دوره قاجاریه تا معاصر

هنر و تمدن ایران در سده دوازدهم و سیزدهم هجری

اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- وضعیت هنر و تمدن ایران در دوره افشاری را بیان کند.
- ۲- تأثیر پذیری هنر دوره زندیه از دوران قبل را شرح دهد.
- ۳- ویژگی مکتب زندیه در هنر ایران را توضیح دهد.
- ۴- موضوع نقاشی های مکتب زندیه را بیان کند.
- ۵- زمینه های بروز هنر دوره قاجار را نام ببرد.
- ۶- تأثیر پذیری هنر ایران از غرب در دوره قاجار را بیان کند.
- ۷- تحولات خوشنویسی در دوره زند و قاجار را شرح دهد.

هنر و تمدن ایران در سده دوازدهم و سیزدهم هجری

در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری دولت های متفاوتی پس از انقراض صفویان و فروپاشی اقتدار مرکزی با خاتمه دادن به هرج و مرج داخلی در ایران شکل می گیرد. در این دوره دولت های محلی به مرور به قدرت رسیدند که می توان به دولت افشاریه، زندیه و قاجاریه اشاره کرد. در ابتدای این دوره بیشترین تلاش برای بازپس گیری سرزمین های اشغالی و کشورگشایی گذشت. اما جریان هنری همچنان با تأثیرپذیری از روند فرنگی سازی و حفظ ارزش های سنتی در هنر ایران ادامه داشت. در دوره افشاریه با توجه به تداوم سنت فرنگی سازی دوران صفویه، نمونه هایی از آثار هنرمندانی که همچنان در این دوره زندگی می کردند مشاهده می شود (شکل ۱-۱۳ الف و ب). محل حکمرانی نادر، به عنوان نمونه مشخص معماری در این دوره نیز با تأثیرپذیری از معماری هندی ساخته شد (شکل ۲-۱۳).

در دوره زندیه ابتدا آرامش نسبی برقرار شد و نوعی هنر به عنوان «مکتب زند» یا «مکتب گل» در شیراز پدید آمد. زیرا بیشترین توجه به نقاشی های گل و مرغ و نقاشی زیرلاکی^۱ می شد و میراث این هنر توسط زندیه به عنوان تحولی که از دوران صفویه آغاز و به هنر قاجاریه انتقال یافت، شناخته می شود.

۱- زیرلاکی : نوعی نقاشی سنتی ایرانی که پس از اتمام کار، روی اثر با لایه ضخیمی از روغن شفاف پوشیده می شد.



▲ شکل ۱-۱۳-ب - تصویری از کتاب تاریخ جهانگشای نادری (جنگ نادر با اشرف افغان)، ۱۱۷۱ هـ



▲ شکل ۱-۱۳-الف - نادرشاه افشار، اثر علی بن عبدالبیگ علی قلی جبه دار



▲ شکل ۲-۱۳-کلات نادری، دوره افشاریه، خراسان



▲ شکل ۳-۱۳- ارگ کریمخان، شیراز

بنابراین زندیه با حفظ میراث هنری دوره صفویه با وجود اندک زمان حضور این سلسله توانست ویژگی‌های منحصر به فرد و خاصی را در هنر پدید آورد که در زمینه نقاشی، معماری و دیگر هنرها، شاخص باشد (شکل ۳-۱۳).

نقاشی‌های دوره زندیه که به «مکتب گل» شهرت یافته در بردارنده جنبه‌های مختلف با موضوعات متنوع و همچنین در بردارنده نقاشی‌های رنگ و روغنی با ابعاد بزرگ، نقاشی‌های لاک‌ی و روغنی و گل و مرغ می‌باشد (شکل ۴-۱۳). تحول اساسی در این دوره را بیشتر می‌توان در شیوه‌های جدید هنری به ویژه نقاشی بر اشیاء مختلف از جمله قاب آینه، صندوقچه‌های جواهر و ... دید (شکل ۵-۱۳).



▶ شکل ۴-۱۳- نقاشی رنگ و روغن از چهره کریمخان زند



▶ شکل ۵-۱۳- قاب آینه، نقاشی لاک‌ی روغنی

در دوره قاجاریه که دوران نسبتاً طولانی‌تری را به خود اختصاص داده در ابتدا نوعی گرایش سنتی همراه با بزرگ‌نمایی ارزش‌های باستانی دیده می‌شود. هنر این دوره برخوردار از سنت انتقالی میراث هنری صفویه از طریق زندیه است. از این رو این هنر را بیشتر به‌عنوان زند و قاجار می‌شناسند. اما به‌طور کلی جریان‌های هنری در دوره قاجاریه با گرایش‌های متعددی به‌وجود آمد. آن‌گرایش‌های هنری که به حفظ و نگهداری میراث هنری صفویه و زندیه پرداخته است، به مرور به زوال می‌گراید. این هنر شامل نقاشی‌های دیواری، تک‌نسخه‌ها، نقاشی‌های لاک‌روغنی و پشت‌شیشه و نقش برجسته‌های سنگی، ساخت بناها و کاخ‌های متعدد است.

شیوه نگارگری و نقاشی در این دوره با فضای معماری و گرایش به جلال و شکوه ظاهری بسیار هماهنگ است. گرایش به هنر غربی و فرنگی‌سازی در نقاشی این دوره را می‌توان تنها در منظره‌هایی دید که زمینه نقاشی‌ها را در برگرفته است (شکل ۶-۱۳). تلفیق نقاشی و معماری به‌ویژه در کاشی‌کاری بناها به خوبی قابل مشاهده است (شکل ۷-۱۳).

پس از تأسیس مدرسه دارالفنون و دارالصنایع به‌عنوان اولین مرکز دولتی آموزش هنر نوعی گرایش کامل به هنر اروپایی به‌وجود می‌آید و تمایل به هنر اشرافی و درباری به این‌گونه آثار روزه‌روز بیشتر می‌شود. تمایلات هنر اروپایی بیشتر در منظره‌سازی و صورت‌سازی و دور شدن از نگارگری ایران دیده می‌شود (شکل ۸-۱۳). تحولات معماری در این دوره نیز مانند نقاشی با تلفیق عناصر سنتی و شکل‌های ظاهری معماری اروپایی می‌باشد (شکل ۹-۱۳).



▲ شکل ۸-۱۳- چهره ناصرالدین شاه



▲ شکل ۷-۱۳- کاشی‌کاری قاجاری



▲ شکل ۶-۱۳- شمایل‌نگاری (بیکرنگاری) فتحعلی شاه



▲ شکل ۹-۱۳- شمس‌العماره، عمارت قاجاری، تهران

خوشنویسی این دوره که بیشتر به شیوه نستعلیق می‌باشد به دلیل کاربردهای جدید هنری به شکل سیاه مشق (شکل ۱۰-۱۳) و یا نوعی نگارش مناسب برای چاپ سنگی^۱ است (شکل ۱۱-۱۳).

به دلیل توجه مردم به آثار هنری نوعی گرایش مردمی نیز در هنر این دوره به چشم می‌خورد که می‌توان در آثار چاپ سنگی، کتاب‌آرایی، پرده‌های قلمکار، نقوش کاشی‌کاری و نقاشی دیواری در مکان‌های عمومی و مذهبی دید (شکل ۱۲-۱۳).

ارتباط روزافزون با غرب و حضور اندیشمندان ایرانی در این دوره که با فرهنگ اروپایی آشنا شده بودند باعث شد که زمینه مناسبی برای شکل‌گیری و کاربرد رسانه‌های جدیدی از جمله ایجاد روزنامه و مطبوعات، عکاسی و حتی سینما را به وجود آورد. هر چند تمایل به استفاده از عکاسی که بسیار سریع‌گسترش یافت، خود باعث ایجاد رکودی در نقاشی شد. این روند سریع سبب شد تا بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تحول بیشتری به سمت تجدد و نوگرایی بیابد (شکل ۱۳-۱۳ الف و ب).



▲ شکل ۱۰-۱۳- سیاه مشق به خط نستعلیق

۱- چاپ سنگی: یکی از شیوه‌های چاپ روزنامه و کتاب است.



شکل ۱۱-۱۳- چاپ سنگی، کتاب
 عجایب المخلوقات

کوبن.



▲ شکل ۱۲-۱۳- ب- کاشی کاری هفت رنگ، دوره قاجاریه



▲ شکل ۱۲-۱۳- الف- برگي از کتاب هزار و یک شب،
 صنیع الملک، دوره قاجاریه



الف



ب

▲ شکل ۱۳-۱۳- عکاسی دوره قاجاریه



▲ شکل ۱۳-۱۴- نقاشی پشت شیشه، دوره قاجاریه

همزمان با شکل‌گیری انقلاب مشروطه نوعی گرایش به سمت هنرهایی با زمینه‌های سنتی و مذهبی و حتی عامیانه به‌عنوان نقاشی پشت شیشه^۱ (نقاشی پشت بدل) برای شمایل‌سازی و مصورسازی قصه‌های مذهبی به‌وجود آمد (شکل ۱۳-۱۴).

رویکرد دیگر در این زمینه شکل‌گیری نقاشی قهوه‌خانه‌ای (خیالی‌سازی) است که با گرایش به مضامین مذهبی و حماسی در شکل‌های مختلف پرده‌ای، نقاشی و نقاشی دیواری در مکان‌های عمومی شکل گرفته است. این نوع نقاشی به روش رنگ و روغن و با بیان چند واقعه در کنار یکدیگر در مفهومی داستان‌گونه ارائه می‌شد (شکل ۱۳-۱۵).

آخرین گرایش هنری دوره قاجاریه شکل‌گیری هنر آکادمی و رسمی است

۱- نقاشی پشت شیشه: نوعی نقاشی رنگ و روغن سنتی با مراحل معکوس در پشت شیشه به‌گونه‌ای

که از روبه‌رو عادی دیده می‌شود.

که با تأسیس مدرسه صنایع مستظرفه به همت کمال الملک شکل گرفت. این هنر، نوعی نقاشی ایرانی با گرایشات هنر غربی و شاعرانه همراه با چشم‌اندازهایی از مکان‌هایی واقعی است که بیان‌کننده هنر رسمی است (شکل ۱۶-۱۳).



▲ شکل ۱۵-۱۳- نقاشی قهوه‌خانه‌ای، استاد محمد فراهانی



شکل ۱۶-۱۳- حوض‌خانه (کاخ گلستان)، کمال الملک (محمد غفاری)، رنگ و روغن روی بوم ◀

گاه‌نگار درس سیزدهم

دوره جدید (نوگرایی)	
سده دوازدهم و سیزدهم هجری	سده هجدهم و نوزدهم میلادی
(۱۳۰۰-۱۲۰۰) (۱۲۰۰-۱۱۰۰)	
هنرها: معماری، کاشی‌کاری (هفت رنگ)، فلزکاری، خوشنویسی و کتابت، نگارگری و نقاشی (رنگ و روغن، لاک، پشت شیشه) بافندگی (پارچه و فرش)، چاپ سنگی، عکاسی، سینما	
مناطق: مشهد، شیراز، تهران	
سلسله‌ها: افشاریه، زندیه، قاجاریه	

پرسش

- ۱- وضعیت هنر و تمدن در دوره افشاری را بیان کنید.
- ۲- هنر دوره زندیه چه تأثیری از دوران قبل گرفت؟
- ۳- مکتب گل زندیه را معرفی کرده و بستر بروز آن را بیان کنید.
- ۴- رویکرد تازه خوشنویسی در دوره قاجار را بیان کنید.
- ۵- هنر دوره قاجار در چه بسترهایی بروز پیدا کرد؟
- ۶- تأثیرات هنر غرب بر هنر ایران در دوره قاجار را شرح دهید.
- ۷- خیالی‌سازی در چه دوره‌ای در ایران رواج یافت و چه مضامینی را شامل می‌شد؟
- ۸- کمال‌الملک که بود و چه تأثیری در هنر دوره قاجار گذاشت؟
- ۹- جای خالی در جمله زیر را با کلمات مناسب پر کنید:
اولین مراکز آموزشی هنری ایران در سده ۱۲-۱۳ و می‌باشند.
- ۱۰- مدرسه صنایع مستظرفه به همت چه کسی پایه‌گذاری شد؟
الف) سلطان محمد
ب) تیمور
ج) کمال‌الملک
د) قوام‌الدین شیرازی
- ۱۱- خوشنویسی به شکل سیاه مشق در کدام دوره به وجود آمد؟
الف) سده ۱۰-۱۱ هجری
ب) سده ۱۱-۱۲ هجری
ج) سده ۱۲-۱۳ هجری
د) سده ۱۳-۱۴ هجری

هنر دوره معاصر ایران

اهداف رفتاری : از هنرجو انتظار می‌رود پس از پایان این درس بتواند :

- ۱- گرایش‌های عمده هنری دوره معاصر را نام ببرد.
- ۲- تأثیر فعالیت‌های باستان‌شناسی بر هنر دوران معاصر را بیان کند.
- ۳- تأثیر تمایل به باستان‌گرایی بر هنر دوره معاصر را شرح دهد.
- ۴- تأثیر تأسیس فعالیت‌های هنری دانشگاهی را بر هنر دوره معاصر شرح

دهد.

- ۵- عوامل بازگشت به هنر سنتی در دوره معاصر را معرفی کند.
- ۶- مکتب سقاخانه‌ای را در هنر دوره معاصر معرفی کند.
- ۷- مضامین هنر دوره انقلاب اسلامی را بیان کند.

هنر دوره معاصر ایران

پس از دولت قاجاریه شرایط فرهنگی و اجتماعی ایران همزمان با تأثیرپذیری از هنر غرب و گرایش‌های ایرانی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. این دوره که می‌توان آن را دوره معاصر نامید حدود یک سده را به خود اختصاص می‌دهد که در آن شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم.

در این دوره تمایلات و گرایش‌های متفاوتی به‌طور همزمان با گرایش هنر رسمی و مردمی که در نهایت به سمت مذهب‌گرایی و وحدت کامل تبدیل می‌شود پدید می‌آید. عمده این گرایش‌ها را می‌توان با یک تقسیم‌بندی کلی در مسیر گرایش‌های باستان‌گرایی، ملی‌گرایی، سنت‌گرایی و مذهب‌گرایی تقسیم کرد.

دوره اول بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ شمسی همگام با دوره اوج فعالیت‌های باستان‌شناسی ایران شکل می‌گیرد که در آن گروه‌های مختلف اقدام به فعالیت‌های حفاری در مناطق باستانی ایران می‌کنند. این تمایل به باستان‌شناسی که از اواخر دوره قاجاریه شروع شده بود باعث شد تا متخصصان اروپایی همگام با رویکرد حکومت‌های وقت وارد ایران شوند و با وجود این که عمده آنان معمار هم



▲ شکل ۱-۱۴- سر در موزه ملی ایران، تهران، آندره گدار

بودند اما به لحاظ رویکرد باستان‌شناسی سعی داشتند تا طرح‌های معماری خود را به شیوه باستانی بسازند (شکل ۱-۱۴).

در این دوره تحولات علمی نیز با رویکرد جدید و تأسیس دانشگاه در ایران صورت می‌پذیرد (شکل ۲-۱۴) و سعی می‌شود تا جلوه‌هایی تازه در معرفی بزرگان ادب فارسی پدید آید و آرامگاه‌های باشکوهی از فردوسی، سعدی و حافظ ساخته شود (شکل ۳-۱۴ الف و ب و ج). در زمینه نقاشی و نگارگری نیز تحول بنیادینی شکل می‌گیرد و مدرسه صنایع مستظرفه به دو بخش هنرستان کمال‌الملک



▲ شکل ۲-۱۴- سر در دانشگاه تهران



ج - حافظیه، شیراز، آندره گدار



ب - سعدیه، شیراز، آندره گدار



الف - آرامگاه فردوسی، توس، مشهد، لرزاده

▲ شکل ۳-۱۴



▲ شکل ۴-۱۴ - منظره، علی محمد حیدریان، رنگ روغن روی بوم

با گرایش به نقاشی طبیعت‌گرایی و کلاسیک و رسمی (شکل ۴-۱۴) و دیگری در قالب هنرستان هنرهای سنتی یا صنایع قدیمه است که حاصل آن شکل‌گیری نگارگری معاصر است (شکل ۵-۱۴). تمایل به باستان‌گرایی باعث شد تا با معرفی میراث‌های کهن ایرانی نوعی هنر احیاء شده گذشتگان پدید آید. اما به دلیل تمایل روزافزون به غرب‌گرایی، این نوع گرایشها به مراکز خصوصی و یا با حمایت دولتی برای کاربردهای خاص (و یا حتی انزواطلبانه‌ای) تبدیل شد. در پایان این دوره



▲ شکل ۵-۱۴- گنبد ارغوانی، محمدهادی تجویدی، نگارگری



▲ شکل ۶-۱۴- آرامگاه باباطاهر، همدان، محسن فروغی

هنر اروپایی و شیوه‌های نوین آموزش هنر غلبه کرده و حاصل آن به وجود آمدن هنرکده هنرهای زیبا شد^۱.

دوره دوم که حد فاصل سال‌های ۱۳۴۰- ۱۳۲۰ شمسی می‌باشد همزمان با فعالیت هنرکده هنرهای زیبا و آموزش‌های نوین در سه رشته نقاشی، پیکرتراشی و معماری است. در این زمان با بازگشت تحصیل کردگان هنر ایرانی در خارج از کشور موج جدیدی از نوگرایی (مدرنیسم) و تجددگرایی همراه با پذیرش نوعی رویکرد ملی در برخی موارد به وجود می‌آید. در این دوره تلاش می‌شود تا عمده فعالیت‌های هنری و معماری در کشور به دست هنرمندان ایرانی سپرده شود.

معماران ایرانی در این زمان با بهره‌گیری از دانش روز و تحولات مدرنیسم در غرب سعی در ایرانی کردن آثار معماری خود می‌کنند و حتی تلاش می‌کنند تا نوعی سبک معماری نوین ایرانی را به وجود آورند (شکل ۶-۱۴).

۱- در تاریخ ۱۳۱۹- ۱۳۱۸ تأسیس شد.

با توجه به عملکرد و نیاز مراکز آموزش رسمی در کشور هنرکده هنرهای زیبا به دانشگاه تهران انتقال می‌یابد و با نام دانشکده هنرهای زیبا به کار خود ادامه می‌دهد. همزمان با این انتقال، موج جدیدی از جنبش نوگرایی و مدرنیسم با عنوان «خروس جنگی»^۱ به وجود می‌آید (شکل ۷-۱۴). این موج جدید تلاش می‌کند تا با روحیه‌ای تندرو به مقابله با باستان‌گرایی در هنر بپردازد و خود را سردمدار تحولی برای گرایش‌های مکتب‌های غربی در ایران می‌بیند. با این وجود همچنان تمایلات موضوعی و ایرانی بودن در کارها وجود دارد (شکل ۸-۱۴).

به دلیل اهمیت و گرایشی که هنر جدید در ایران دارد مراکز هنری دیگری از جمله تالارهای نمایش آثار ایجاد می‌شود و زمینه را برای شکل‌گیری موزه‌های هنری و نمایشگاه‌های دوسالانه و جشنواره‌ها، فراهم می‌سازد.

دوره سوم که حداثی سال‌های ۶۰-۱۳۴۰ شمسی را در بر می‌گیرد نوعی بازگشت به گرایش‌های سنتی است. از این رو با شکل‌گیری دیگر مراکز آموزشی از جمله دانشکده هنرهای تزئینی و تمایل به میراث سنتی هنر ایران و تشکیل انجمن‌های فرهنگی در میان کشورهای مختلف، گرایش به سنت‌گرایی به معنای ارائه هویت فرهنگی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. در این دوره نسل دوم معماران ایرانی که به نسل طلایی شهرت یافته‌اند با به عرصه فعالیت‌های هنری می‌گذارند. این هنرمندان با توجه به ارزش‌های هنری کشف شده هنر ایرانی و اعتباریابی بین‌المللی، شیوه نوینی را در معماری به وجود می‌آورند. در این شیوه ضمن حفظ ارزش‌های فرهنگی و سنتی و استفاده آگاهانه از آن‌ها، تحولاتی را باعث می‌شوند. این تحولات را می‌توان در بناهای مشهوری از جمله آرامگاه‌های خیام و بوعلی سینا، برج آزادی، موزه هنرهای معاصر و تئاتر شهر به خوبی مشاهده کرد (شکل ۹-۱۴).

در زمینه گرایش‌های تجسمی با رویکرد سنت‌گرایی هنری^۲ تمایل جدید به خط‌نقاشی^۳ و دیگر انواع هنری پدید می‌آید و مکتبی هنری به ظهور می‌رسد که آن‌را به عنوان «مکتب سقاخانه‌ای»^۴ نامیده‌اند. این گرایش هنری ضمن آشنایی با ارزش‌های بصری هنری جهانی و به‌کارگیری مواد و مصالح بومی و موضوعات ایرانی توانست تأثیرات مهمی را در گرایش‌های هنری ایران به وجود آورد و آن‌را به‌عنوان هنری جهانی به ثبت رساند (شکل ۱۰-۱۴ الف و ب).

تحول سنت‌گرایی در این دوره و نوعی توجه به ارزش‌های سنتی ایرانی باعث شد تا زمینه‌های فعالیت بیشتری در عرصه‌های هنری ایجاد شود. این تمایل باعث ایجاد نوعی فعالیت



▲ شکل ۷-۱۴- نشانه انجمن خروس جنگی



▲ شکل ۸-۱۴- زن قوچانی، جلیل ضیاءپور، رنگ و روغن روی بوم

۱- خروس جنگی: انجمنی از هنرمندان ایرانی فارغ‌التحصیل از کشورهای خارجی که هدف آنها گسترش هنر مدرن در کشور بود.

۲- سنت‌گرایی هنری: نوعی رویکرد جدید در هنر ایران، گرایش‌های سنتی و کاربرد آن در هنرهای مختلف (نقاشی، خوشنویسی، پیکره‌سازی و...) است.

۳- خط‌نقاشی: نوعی تلفیق خط و نقاشی که خوشنویسی در آن غالب است.

۴- مکتب سقاخانه‌ای: مکتب هنری با رویکرد سنت‌گرایی که از تلفیق عناصر بومی، سنتی، دانش هنرهای تجسمی غربی و مواد و مصالح بومی شکل گرفت.



▲ شکل ۹-۱۴-ب - آرامگاه بوعلی سینا، همدان، هوشنگ سیحون



▲ شکل ۹-۱۴-الف - آرامگاه خیام، نیشابور، هوشنگ سیحون



▲ شکل ۹-۱۴-ج - برج آزادی، تهران، حسین امانت



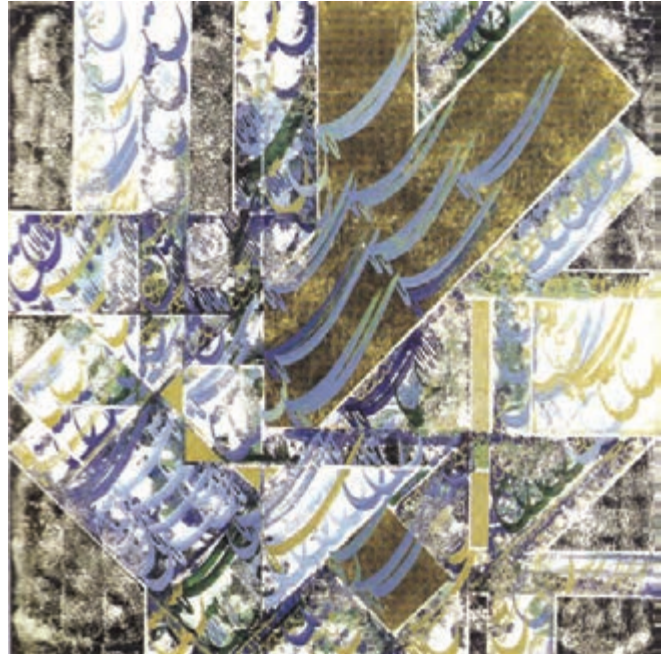
▲ شکل ۹-۱۴-د - تئاتر شهر، تهران، علی سردار افخمی



▲ شکل ۹-۱۴-د - موزه هنرهای معاصر، تهران، کامران دیبا



▲ شکل ۱۰-۱۴-ب - نقاشی، فرامرز پیل آرام، مواد ترکیبی



▲ شکل ۱۰-۱۴-الف - نقاشی، حسین زنده رودی، مواد ترکیبی

همگام برای دیگر هنرهای تجسمی از جمله نقاشی‌های عامیانه^۱، قهوه‌خانه‌ای (خیالی‌سازی) و نگارگری که ماهیتی سنتی داشتند گردید. هرچند پذیرش این گرایشات عامیانه - سنتی با گرایشات رسمی - سنتی یکسان به نظر نمی‌رسیدند اما همچنان توانستند برای نخستین بار در مراکز رسمی و تالارهای هنری همگام با گرایشات غرب‌گرایی خودنمایی کنند (شکل ۱۱-۱۴).

دوره چهارم نوعی رویکرد هنری از سال ۱۳۶۰ به بعد است. تداوم هنر سنت‌گرایی دوره سوم است که با تحولاتی در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با گرایشات مذهبی ادامه می‌یابد. حاصل این تحول به شکلی است که ارزش‌های انقلابی به گونه‌ای با ابزار هنری در جریان تحولات اخیر به هویتی کاملاً مشخص تبدیل می‌شود. نوعی انقلاب فرهنگی در عرصه‌های متفاوت ایجاد می‌شود که نتیجه آن را به‌عنوان هنر انقلابی، هنر جنگ، هنر دفاع مقدس و ... می‌دانیم (شکل ۱۲-۱۴).



▲ شکل ۱۱-۱۴ - نقاشی عامیانه

۱- نقاشی عامیانه: نوعی نقاشی بدون در نظر گرفتن قواعد رسمی با موضوعات عادی و مردمی است.

در جریان انقلاب فرهنگی و بازگشایی مجدد مراکز هنری در سطوح مختلف همچنان زمینه برای گرایش‌ات آزاد فراهم شد. با گذشت زمان در برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها تحولاتی خاص در عرصه هنر پدید آمد.



▲ شکل ۱۲-۱۴-ب - نقاشی رنگ و روغن، دوره معاصر



▲ شکل ۱۲-۱۴-الف - نقاشی رنگ و روغن، دوره معاصر



▲ شکل ۱۲-۱۴-ج - نقاشی رنگ و روغن، دوره معاصر



▲ شکل ۱۲-۱۴-د - رنگ اکریلیک روی بوم، دوره معاصر

گاه نگار درس چهاردهم

دوره جدید (نوگرایی)	
سده چهاردهم هجری	سده بیستم میلادی
(۱۴۰۰-۱۳۰۰)	
هنرها: معماری، نقاشی، نگارگری جدید، عکاسی، سینما	
مناطق: بیشتر شهرهای بزرگ ایران	
سلسله‌ها: پهلوی، جمهوری اسلامی	

پرسش

- ۱- گرایش‌های عمده هنری دوره معاصر را ذکر کنید.
- ۲- فعالیت باستان‌شناسی در معماری دوره معاصر چه تأثیری گذاشت؟
- ۳- گستره زمانی گرایش به هنر دوران باستان در دوره معاصر را ذکر کرده و زمینه‌های بروز آن را معرفی کنید.
- ۴- تأسیس دانشکده و آموزشکده‌های هنری بر هنر دوره معاصر را شرح دهید.
- ۵- بازگشت به هنر سنتی در معماری دوره معاصر در چه آثاری متجلی گشت؟
- ۶- عوامل شکل‌گیری مکتب سقاخانه‌ای و ویژگی‌های آن را بیان کنید.
- ۷- خیالی‌سازی چیست و چه مضامینی را شامل می‌شود؟
- ۸- انقلاب اسلامی در هنر دوره معاصر چه تأثیری گذاشت؟
- ۹- کدام یک از مکاتب زیر در دوره معاصر به‌وجود آمده است؟
 الف) مکتب سقاخانه‌ای ب) مکتب گل
 ج) مکتب هرات د) مکتب اصفهان
- ۱۰- با توجه به تصویر گزینه مناسب را برای تکمیل جای خالی در جمله زیر انتخاب کنید.



این بنا تصویر می‌باشد.

- الف) آرامگاه کوروش
- ب) آرامگاه بایزید بسطامی
- ج) آرامگاه بوعلی سینا
- د) آرامگاه خیام



بایضت‌های ایران
در طول تاریخ

کلام آخر: هنر ایران با گذر از دوره‌های متفاوت و به‌وجود آمدن سطح آگاهی می‌رود تا به هویتی مستقل و حفظ ارزش‌های خود نقش مؤثری در جهان ایفا نماید و شما هنرجویان عزیز پرچمدار این تحول خواهید بود. پس ضرورت دارد تا با آگاهی، شناخت و توانایی خود به حفظ ارزش‌ها و میراث کهن ایرانی بکوشید و با در نظر گرفتن ارزش‌های دینی و اعتقاد به آن در مسیر هنری الهی - انسانی گام برداشته و مایه افتخار خود، خانواده، سرزمین و جهانیان گردید.

جدول تاریخ تطبیقی

	هزاره هشتم پ.م ۷۰۰۰-۸۰۰۰ پ.م
	هزاره هفتم پ.م ۶۰۰۰-۷۰۰۰ پ.م
	هزاره ششم پ.م ۵۰۰۰-۶۰۰۰ پ.م
	هزاره پنجم پ.م ۴۰۰۰-۵۰۰۰ پ.م
	هزاره چهارم پ.م ۳۰۰۰-۴۰۰۰ پ.م
	هزاره سوم پ.م ۲۰۰۰-۳۰۰۰ پ.م
	هزاره دوم پ.م ۱۰۰۰-۲۰۰۰ پ.م
هزاره اول پ.م ۰-۱۰۰۰ پ.م	سده دهم پ.م ۹۰۰-۱۰۰۰ پ.م
	سده نهم پ.م ۸۰۰-۹۰۰ پ.م
	سده هشتم پ.م ۷۰۰-۸۰۰ پ.م
	سده هفتم پ.م ۶۰۰-۷۰۰ پ.م
	سده ششم پ.م ۵۰۰-۶۰۰ پ.م
	سده پنجم پ.م ۴۰۰-۵۰۰ پ.م
	سده چهارم پ.م ۳۰۰-۴۰۰ پ.م
	سده سوم پ.م ۲۰۰-۳۰۰ پ.م
	سده دوم پ.م ۱۰۰-۲۰۰ پ.م
	سده اول پ.م ۰-۱۰۰ پ.م

	سده اول میلادی ۱۰۰- م
	سده دوم میلادی ۲۰۰-۱۰۰ م
	سده سوم میلادی ۳۰۰-۲۰۰ م
	سده چهارم میلادی ۴۰۰-۳۰۰ م
	سده پنجم میلادی ۵۰۰-۴۰۰ م
	سده ششم میلادی ۶۰۰-۵۰۰ م
سده اول هجری ۱۰۰- (۶۲۱ م)	سده هفتم میلادی ۷۰۰-۶۰۰ م
سده دوم هجری ۲۰۰-۱۰۰	سده هشتم میلادی ۸۰۰-۷۰۰ م
سده سوم هجری ۳۰۰-۲۰۰	سده نهم میلادی ۹۰۰-۸۰۰ م
سده چهارم هجری ۴۰۰-۳۰۰	سده دهم میلادی ۱۰۰۰-۹۰۰ م
سده پنجم هجری ۵۰۰-۴۰۰	سده یازدهم میلادی ۱۱۰۰-۱۰۰۰ م
سده ششم هجری ۶۰۰-۵۰۰	سده دوازدهم میلادی ۱۲۰۰-۱۱۰۰ م
سده هفتم هجری ۷۰۰-۶۰۰	سده سیزدهم میلادی ۱۳۰۰-۱۲۰۰ م
سده هشتم هجری ۸۰۰-۷۰۰	سده چهاردهم میلادی ۱۴۰۰-۱۳۰۰ م
سده نهم هجری ۹۰۰-۸۰۰	سده پانزدهم میلادی ۱۵۰۰-۱۴۰۰ م
سده دهم هجری ۱۰۰۰-۹۰۰	سده شانزدهم میلادی ۱۶۰۰-۱۵۰۰ م
سده یازدهم هجری ۱۱۰۰-۱۰۰۰	سده هفدهم میلادی ۱۷۰۰-۱۶۰۰ م
سده دوازدهم هجری ۱۲۰۰-۱۱۰۰	سده هجدهم میلادی ۱۸۰۰-۱۷۰۰ م
سده سیزدهم هجری ۱۳۰۰-۱۲۰۰	سده نوزدهم میلادی ۱۹۰۰-۱۸۰۰ م
سده چهاردهم هجری ۱۴۰۰-۱۳۰۰	سده بیستم میلادی ۲۰۰۰-۱۹۰۰ م

دوره‌ها و سلسله‌ها

دوران پیش تاریخی	
حدود ۱/۰۰۰/۰۰۰ تا ۸۰۰/۰۰۰ سال (در ناحیه کشف رود)	سکونت در فلات ایران
حدود ۱۰/۰۰۰-۵۰/۰۰۰ پ.م	دوره پارینه سنگی
حدود ۸۰۰۰-۱۰/۰۰۰ پ.م	میان سنگی
حدود ۶۰۰۰-۸۰۰۰ پ.م	نوسنگی
حدود ۴۰۰۰-۶۰۰۰ پ.م	دوره سفال تپه‌های باستانی قدیم
حدود ۳۹۰۰-۴۲۰۰ پ.م	کالکولتیک قدیم (دوره شهرنشینی)
حدود ۲۹۰۰-۳۴۰۰ پ.م	کالکولتیک جدید (گسترش کشاورزی) ایلام قدیم
حدود اواخر هزاره سوم و هزاره دوم پ.م	عصر مفرغ ایلام میانه و نو
حدود ۶۰۰-۱۲۰۰ پ.م	عصر آهن - دوره مهاجرت
دوران تاریخی	
حدود ۵۵۰-۷۲۸ پ.م	مادها
۳۳۱-۵۵۰ پ.م	هخامنشیان
۱۷۵-۳۳۱ پ.م	سلوکی
۲۲۴-۲۳۸ پ.م	اشکانیان
۶۵۱-۲۲۴ م	ساسانیان
۶۵۱-۶۲۱ م ظهور اسلام و تاریخ هجرت	(فتح ایران)
۸۲۰ م (۲۰۵ هـ) - ۶۵۱ (۳۰ هجری)	دوره صدر اسلام در ایران
۸۷۲-۸۲۰ م / ۲۵۹-۲۰۵ هـ	طاهریان
۹۰۳-۸۷۲ م / ۲۹۱-۲۵۹ هـ	صفاریان
۹۹۹-۹۰۰ م / ۳۸۹-۲۸۸ هـ	سامانیان
۴۳۴-۳۱۶ هـ	آل زیار

آل بويه يا ديلميان	۳۳۰-۴۴۷ هـ
غزنويان	۳۵۱-۳۸۲ هـ
سلجوقيان	۴۲۹-۵۹۰ هـ
خوارزمشاهيان	۵۶۸ هـ
اتابکان فارس لرستان آذربايجان	۵۴۳-۷۴۰ هـ
	۵۴۳-۷۴۰ هـ
	۵۳۱-۶۲۲ هـ
ایلخانان مغول	۱۲۵۶-۱۳۳۵ م / ۶۵۴-۷۳۶ هـ
مظفريان	۱۳۱۴-۹۳ م / ۷۱۳-۷۹۵ هـ
جلایريان	۱۳۳۶-۱۴۱۱ م / ۷۳۶-۸۱۴ هـ
تيموريان	۱۳۷۰-۱۵۰۶ م / ۷۷۲-۹۱۲ هـ
قراويونلو (گوسفندان سپاه)	۱۳۷۸-۱۴۶۹ م / ۷۸۰-۸۷۴ هـ
آق قويونلو (گوسفندان سفید)	۱۳۷۸-۱۵۰۲ م / ۷۸۰-۹۰۸ هـ
سلسله شيبانی (ازبک)	۱۵۰۷-۱۵۱۰ م / ۹۱۳-۹۱۶ هـ
صفويه	۱۵۰۱-۱۷۲۲ م / ۹۰۷-۱۱۳۵ هـ
آشرف افغان	۱۷۲۲-۱۷۳۰ م / ۱۱۳۵-۱۱۴۲ هـ
افشاريه	۱۷۳۶-۱۷۴۸ م / ۱۱۴۸-۱۱۶۰ هـ
زنديه	۱۷۵۰-۷۹ م / ۱۱۶۳-۱۱۹۳ هـ
قاجاريه	۱۷۹۶-۱۹۳۵ م / ۱۳۰۲-۱۲۱۰ هـ
پهلوی	۱۹۲۵-۱۹۷۸ م / ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش
جمهوری اسلامی	۱۹۷۸ م / ۱۳۵۷ ش

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- خلاصه تاریخ هنر - پرویز مرزبان - تهران - ص ۳۰ و ۲۶ - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۷۳.
- ۲- تاریخ هنر ایران و جهان - فرهاد گشایش، بهرام نفری - تهران - انتشارات عفاف - ص ۲۰۱ و ۲۰۳ - ۱۳۷۸.
- ۳- هنر ایران باستان - ادیت پرادا - ترجمه یوسف مجیدزاده - تهران - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۷۶.
- ۴- صد وسی سال حفاری شوش - کامیار عبدی - نشریه میراث فرهنگی، شماره ۱۲-۱۳۷۳.
- ۵- معماری ایران - آرتور اپهام پوپ - ترجمه غلامحسین صدری افشار - ارومیه - ص ۱۶-۱۸ - انتشارات انزلی - ۱۳۶۶.
- ۶- دائرة المعارف هنر - روئین پاکباز - ص ۷۶۲ - تهران - فرهنگ معاصر - ۱۳۷۹.
- ۷- اطلس تاریخ ایران - جمعی از مؤلفان - سازمان نقشه برداری کشور - ص ۲۳-۱۶ - ۱۳۷۸.
- ۸- سی و دو هزار سال تاریخ هنر - فردریک هارت - نشر پیکان - ۱۳۸۲.
- ۹- تاریخ ماد - ا.م. دیاکونوف - ترجمه کریم کشاورز - ۱۳۴۰.
- ۱۰- تاریخ ایلام - پیرامیه - ترجمه شیرین بیانی - انتشارات دانشگاه تهران - ۱۳۴۹.
- ۱۱- دنیای گمشده ایلام - والتر هنیس - ترجمه ف. فیروزنیا - انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۲- ایران در سبیده دم تاریخ - جرج کامرون - ترجمه حسن انوشه - انتشارات علمی فرهنگی - ۱۳۶۵.
- ۱۳- ایران از آغاز تا اسلام - رمان گیرشمن - ترجمه محمد معین - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۴۹.
- ۱۴- ایران پیش از تاریخ - رمان گیرشمن - ترجمه دکتر محمد معین - دانشگاه آزاد ایران.
- ۱۵- هنر ایران - آندره گدار - ترجمه بهروز حبیبی - انتشارات دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۷۷.
- ۱۶- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران - نصرالله مشکاتی - وزارت فرهنگ و هنر - ۱۳۴۹.
- ۱۷- پارسه و تخت جمشید - علی سامی - اداره کل فرهنگ و هنر فارس - ۱۳۴۸.
- ۱۸- هنر ایران در گذشته و آینده - پروفیسور پوپ - ترجمه و تنظیم عیسی صدیق - مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات - ۱۳۵۵.
- ۱۹- اشکانیان (پارتیان) - مالکوم کالج - ترجمه مسعود رجب نیا - تهران - هیرمند - ۱۳۸۳.

- ۲۰- هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران - محمد تقی احسانی - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۸.
- ۲۱- فرهنگ‌های هنری ایران - رومان گیرشمن - ترجمه یعقوب آژند - تهران - نشر موسی - چ اول - ۱۳۷۶.
- ۲۲- مداومت در اصول موسیقی ایران (نفوذ علمی و عملی موسیقی ایران در کشورهای دیگر) - مهدی فروغ - انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر - ۱۳۵۴.
- ۲۳- صنایع دستی کهن ایران - هانس ای. وولف - ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده - تهران - ۱۳۷۲.
- ۲۴- طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافت‌های ساسانی - محمدرضا ریاضی - تهران - انتشارات گنجینه هنر - ۱۳۸۲.
- ۲۵- هنر ایران - ماد و هخامنشی - رومان گیرشمن - ترجمه عیسی بهنام - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۷۱.
- ۲۶- هنر ایران - پارت و ساسانی - رومان گیرشمن - ترجمه بهرام فره‌وشی - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۷۱.
- ۲۷- سیری در هنر ایران - آرتورا بهام پوپ - گروه مترجمان - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۸۷.
- ۲۸- افشار مهاجر - کامران - هنرمند ایرانی و مدرنیسم - دانشگاه هنر - ۱۳۸۴.
- ۲۹- باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی) علی اکبر سرفراز، بهمن فیروزمندی - تهران - مارلیک - چاپ چهارم - ۱۳۸۸.
- ۳۰- آریائیان، مردم کاشی، امرد، پارس و دیگر ایرانیان - جهان‌شاه درخشانی - تهران - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات بنیاد فرهنگ کاشان - چ اول - ۱۳۸۲.
- ۳۱- سفال ایرانی - محمد یوسف کیانی - تهران - انتشارات مخصوص نخست وزیری - تهران - ۱۳۵۷.
- ۳۲- نقاشی ایرانی از کهن‌ترین روزگار تا دوران صفویان - اکبر تجویدی - اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر - ۱۳۵۲.
- ۳۳- خاستگاه اجتماعی هنرها - آرنولد هاووزر - هربرت رید و دیگران - تهران - فرهنگسرای نیاوران - ۱۳۵۷.
- ۳۴- ماد و هخامنشی - شاپور شهبازی - تهران، دانشگاه آزاد ایران.
- ۳۵- نقاشی در قهوه‌خانه - گردآورنده: حسین میر مصطفی - چاپ سیمای کوثر - تهران - ۱۳۸۷.
- ۳۶- هفت رخ فرخ - فرزین رضاییان - شرکت طلوع ابتکارات تصویری.
- Curtis, John, 2000, Ancient Persia, British Museum, Press Amirsadeghi, Hossein, ... 2009, different Sames, Trans Globe.



همکاران محترم و دانش آموزان عزیز :
پیشنهادها و نظرهای خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران - صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتاب های درسی
فنی و حرفه ای و کار دانش، ارسال فرمایند.

پیام نگار (ایمیل) info@tvoccd.scd.ir

وب گاه (وب سایت) www.tvoccd.sch.ir

این کتاب در طی فرایند اجرای آزمایشی سراسری در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، از منظر هنرآموزان و هنرجویان
این رشته اعتباربخشی شد. جمع بندی نتایج اعتباربخشی، اصلاح و بازنویسی کتاب در بهمن ماه ۱۳۹۱ توسط
دکتر نصرالله تسلیمی، بشری گل بخش و آتنا عزیزی انجام شد.